



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

محمد پیامبر مهربانی

(تفسیر موضوعی انجیل)



پد اشعاعام اسید، هواری انجیل
با انتشار از دکتر محمد یسوی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شخصیت و رسالت محمد رسول الله (ص)

نویسنده:

مهدی امین

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۴	شخصیت و رسالت محمد رسول الله (ص) (تفسیر موضوعی المیزان)
۱۴	مشخصات کتاب
۱۴	فهرست مطالب
۲۳	تقدیم به
۲۳	متن تأییدیه حضرت آیه‌الله محمد یزدی
۲۴	متن تأییدیه حضرت آیه‌الله مرتضی مقتدایی
۲۴	متن تأییدیه حضرت آیه‌الله سیدعلی اصغر دستغیب نماینده محترم خبرگان رهبری در استان فارس
۲۵	مقدمه ناشر
۲۶	مقدمه مؤلف
۲۸	فصل اول: مشخصات ظاهری پیامبر گرامی خدا صلی الله علیه و آله
۲۸	مشخصات صورت رسول الله صلی الله علیه و آله
۲۸	۱ - قیافه، رنگ، موی و سر
۲۸	۲ - پیشانی، چشم و ابرو
۲۸	۳ - دماغ، دهان، دندان، گونه و ریش
۲۹	اندام رسول الله صلی الله علیه و آله
۲۹	۱ - مشخصات قسمت بالای بدن
۲۹	۲ - اندام و قامت، عضلات و استخوان بندی
۲۹	۳ - دست‌ها و پاها
۳۰	فصل دوم: حرکات و رفتارهای شخصی رسول الله صلی الله علیه و آله
۳۰	طرز نشستن، راه رفتن و سوار شدن رسول الله صلی الله علیه و آله
۳۰	۱ - نشستن
۳۰	۲ - راه رفتن

- ۳ - سوار شدن : ۳۱
- طرز سلام کردن و دست دادن رسول الله صلی الله علیه و آله ۳۱
- ۱ - سلام کردن ۳۱
- ۲ - دست دادن ۳۱
- غذا و غذا خوردن رسول الله صلی الله علیه و آله ۳۱
- ۱ - غذای رسول الله صلی الله علیه و آله : ۳۱
- ۲ - ادب غذا خوردن و آشامیدن رسول الله صلی الله علیه و آله : ۳۲
- ۳ - طرز آشامیدن رسول الله صلی الله علیه و آله ۳۴
- ۴ - ادب نشستن رسول الله صلی الله علیه و آله برای خوردن غذا : ۳۴
- آداب رسول الله صلی الله علیه و آله در سفر و حضر ۳۵
- ۱ - آداب سفرهای رسول الله صلی الله علیه و آله ۳۵
- ۲ - دعای خیر رسول الله صلی الله علیه و آله برای مسافران ۳۵
- ۳ - رسم رسول الله صلی الله علیه و آله در رفت و برگشت ۳۵
- خنده و خوشحالی، گریه و غم رسول الله صلی الله علیه و آله ۳۵
- ۱ - خنده رسول الله صلی الله علیه و آله ۳۵
- ۲ - شوخی رسول الله صلی الله علیه و آله ۳۶
- ۳ - گریه رسول الله صلی الله علیه و آله ۳۶
- آرایش، نظافت، و عطر رسول الله صلی الله علیه و آله ۳۶
- ۱ - آرایش رسول الله صلی الله علیه و آله ۳۶
- ۲ - نظافت رسول الله صلی الله علیه و آله ۳۷
- ۳ - مسواک کردن رسول الله صلی الله علیه و آله ۳۷
- ۴ - عطر رسول الله صلی الله علیه و آله ۳۷
- رفتارهای حساب شده و سنت سازی رسول الله صلی الله علیه و آله ۳۸
- ۱ - سنت‌هایی برای آموزش رهبران جامعه ۳۸

- ۲ - سنت‌هایی در پاکیزگی و بهداشت ۳۸
- فصل سوم: زندگی خصوصی، و لوازم زندگی رسول الله صلی الله علیه و آله ۳۸
- خانه، و زندگی خانوادگی رسول الله صلی الله علیه و آله ۳۹
- ۱ - رسول الله صلی الله علیه و آله در خانه ۳۹
- ۲ - انجام کارهای خانه ۳۹
- ۳ - همسر داری ۳۹
- ۴ - خدمتگزاران خانه ۴۰
- ۵ - مسکن و فراش رسول الله صلی الله علیه و آله ۴۰
- ۶ - خواب، و خوابگاه رسول الله صلی الله علیه و آله ۴۰
- لوازم و وسایل زندگی رسول الله صلی الله علیه و آله ۴۱
- ۱ - نام‌های انتخابی رسول الله صلی الله علیه و آله برای تجهیزات خود ۴۱
- ۲ - لباس و پوشاک رسول الله صلی الله علیه و آله ۴۱
- ۳ - عمامه و کلاه رسول الله صلی الله علیه و آله ۴۳
- ۵ - سایر وسایل زندگی رسول الله صلی الله علیه و آله ۴۳
- فصل چهارم: اخلاق رسول الله صلی الله علیه و آله ۴۴
- اخلاق رسول الله صلی الله علیه و آله ۴۴
- سجایای اخلاقی رسول الله صلی الله علیه و آله از نظر علی علیه السلام ۴۴
- سخاوت و بخشندگی رسول الله صلی الله علیه و آله ۴۴
- تواضع، مهربانی و بلند طبعی رسول الله صلی الله علیه و آله ۴۵
- عفو و غضب، شهامت و حق طلبی، و صبر و توکل رسول الله صلی الله علیه و آله ۴۶
- فصل پنجم: رفتارهای اجتماعی رسول الله صلی الله علیه و آله ۴۷
- ادب و رفتار رسول الله صلی الله علیه و آله در جامعه ۴۸
- ۱ - رفتار و ادب رسول الله صلی الله علیه و آله با عامه مردم ۴۸
- ۲ - رفتار و ادب رسول الله صلی الله علیه و آله با اهل فضل و بزرگان قوم ۴۹

۴۹	۳ - رفتار و ادب رسول الله صلی الله علیه و آله با اصحاب خود
۵۰	فصل ششم: منطق و بیان، و مجلس رسول الله صلی الله علیه و آله
۵۰	سخن گفتن و سکوت کردن رسول الله صلی الله علیه و آله
۵۰	۱ - تکلم، و طرز بیان رسول الله صلی الله علیه و آله
۵۱	۲ - سکوت و دلایل سکوت رسول الله صلی الله علیه و آله
۵۱	۳ - سکوت از تقدیر
۵۱	۴ - سکوت از تفکر
۵۱	مجالس رسول الله صلی الله علیه و آله
۵۱	۱ - وضعیت مجالس رسول الله صلی الله علیه و آله
۵۲	۲ - برخورد رسول الله صلی الله علیه و آله در جلسات
۵۳	فصل هفتم: عبادات رسول الله صلی الله علیه و آله
۵۳	طهارت رسول الله صلی الله علیه و آله
۵۳	۱ - طرز وضو گرفتن رسول الله صلی الله علیه و آله
۵۴	۲ - طرز غسل کردن رسول الله صلی الله علیه و آله
۵۵	نماز رسول الله صلی الله علیه و آله
۵۵	۱ - تعداد، و اوقات نمازهای رسول الله صلی الله علیه و آله
۵۶	۲ - کیفیت نماز خواندن رسول الله صلی الله علیه و آله
۵۷	۳ - نوافل رسول الله صلی الله علیه و آله
۵۸	۴ - دعای قنوت‌ها و ذکرهای رسول الله صلی الله علیه و آله
۵۹	روزه و اعتکاف رسول الله صلی الله علیه و آله
۵۹	۱ - روزه‌های رسول الله صلی الله علیه و آله در ایام مخصوص
۵۹	۲ - آداب رسول الله صلی الله علیه و آله در ماه رمضان
۶۰	۳ - اعتکاف‌های رسول الله صلی الله علیه و آله در ماه رمضان
۶۰	۴ - روزه وصال مخصوص رسول الله صلی الله علیه و آله

- ۵ - افطارهای رسول الله صلی الله علیه و آله ۶۰
- فصل هشتم: رسالت پیامبر خاتم ۶۱
- یک پیامبر برای تمام ادیان ۶۱
- نزول کتاب برای عموم بشر ۶۳
- جهانی بودن دعوت اسلام و قرآن ۶۳
- او به اسلام دعوت می‌کند! ۶۴
- دین خدا خاموش نمی‌شود! ۶۴
- اسلام دین غالب، و نور خدا در زمین ۶۴
- معرفی رسالت رسول الله صلی الله علیه و آله در قرآن ۶۵
- تعریف روحیات و اخلاق رسول الله صلی الله علیه و آله در قرآن ۶۵
- گواهی خدا به رسالت رسول الله صلی الله علیه و آله در قرآن ۶۶
- فصل نهم: حدود و وظایف و رسالت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله ۶۷
- تزکیه، و تعلیم کتاب و حکمت ۶۷
- تزکیه، و تعلیم کتاب و حکمت ۶۷
- ۱ - تزکیه ۶۷
- ۲- تعلیم کتاب ۶۷
- ۳- تعلیم حکمت ۶۷
- نبوت، مسئولیت‌ها و وظایف رسول الله صلی الله علیه و آله ۶۸
- تبیین وظیفه خاص انذار ۶۹
- حدود مسئولیت رسول الله صلی الله علیه و آله ۶۹
- جذب مؤمنین و بی‌اعتنائی به اشراف ۷۰
- فصل دهم: امتیازات و درجات پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله ۷۱
- خاتم النبیین ۷۱
- خُلق عظیم ۷۱

۷۲	شرح صدر
۷۴	شاهد و مبشّر و نذیر
۷۴	رسول کریم
۷۵	رضای رسول الله صلی الله علیه و آله و شفاعت او
۷۷	صلوات خدا و ملائکه بر رسول الله صلی الله علیه و آله
۷۷	امتیاز حضور رسول الله در بین امت
۷۸	شق القمر - معجزه رسول الله صلی الله علیه و آله
۷۹	ولایت رسول الله صلی الله علیه و آله
۷۹	اتباع حکم رسول الله
۷۹	ادب کلام در حضور رسول الله صلی الله علیه و آله
۸۰	حبط اعمال در اثر غفلت از رعایت احترام رسول الله صلی الله علیه و آله
۸۱	وصف رعایت کنندگان احترام رسول الله صلی الله علیه و آله
۸۱	منع خطاب رسول الله صلی الله علیه و آله از پشت حجره‌ها
۸۱	فرمان اطاعت تامّ از رسول الله صلی الله علیه و آله
۸۲	ارتباط رسول الله صلی الله علیه و آله با سایر انبیاء
۸۲	رفع اتهام جنون و کهنانت از رسول الله صلی الله علیه و آله
۸۳	فصل یازدهم: معراج رسول الله صلی الله علیه و آله
۸۳	شرح معراج در قرآن
۸۴	معراج رسول الله صلی الله علیه و آله نهایت کمال انسانی
۸۵	معراج و اتمام دین و انتخاب وزیر
۸۶	اعتبار روایات مربوط به معراج
۸۶	اعتبار روایات مربوط به معراج
۸۶	۱ - زمان و مکان آغاز معراج
۸۶	۲ - دو مرحله‌ای بودن معراج

- ۳ - جسمانی یا روحانی بودن معراج ۸۷
- تاریخچه معراج در روایات اسلامی ۸۸
- تاریخچه معراج در روایات اسلامی ۸۸
- ۱ - شروع حرکت ۸۸
- ۲ - شرح وسیله حرکت ۸۸
- ۳ - مشاهدات بین راه مکه تا بیت المقدس ۸۸
- ۴ - نماز پیامبر در طور سینا و بیت اللحم ۸۹
- ۵ - رسول الله صلی الله علیه و آله در بیت المقدس و در نماز پیامبران ۸۹
- ۶ - آزمایش‌های رسول الله صلی الله علیه و آله و شرح ماجراهای بین راه ۸۹
- ۷ - شروع معراج آسمانی رسول الله صلی الله علیه و آله ۹۰
- ۸ - مشاهده فرشتگان (در آسمان اول - آسمان دنیا) ۹۰
- ۹ - مشاهده جهنم ۹۱
- ۱۰ - دیدار با آدم ابوالبشر ۹۱
- ۱۱ - دیدار با ملک الموت ۹۱
- ۱۲ - مشاهده وضع حرام خواران ۹۲
- ۱۳ - مشاهده فرشته موکل زمین ۹۲
- ۱۴ - مشاهده صورت واقعی اعمال انسان‌ها ۹۳
- ۱۵ - مشاهده تسبیح فرشتگان ۹۳
- ۱۶ - ملاقات رسول الله صلی الله علیه و آله با عیسی و یحیی علیه السلام (در آسمان دوم) ۹۴
- ۱۷ - ملاقات رسول الله صلی الله علیه و آله با یوسف علیه السلام (در آسمان سوم) ۹۴
- ۱۸ - ملاقات رسول الله صلی الله علیه و آله با ادریس علیه السلام (در آسمان چهارم) ۹۵
- ۱۹ - ملاقات رسول الله صلی الله علیه و آله با هارون علیه السلام (در آسمان پنجم) ۹۵
- ۲۰ - ملاقات رسول الله صلی الله علیه و آله با موسی کلیم الله علیه السلام (در آسمان ششم) ۹۵
- ۲۱ - ملاقات رسول الله صلی الله علیه و آله با ابراهیم خلیل الله علیه السلام (در آسمان هفتم) ۹۵

- ۲۲ - مشاهده دریا‌های نور و ظلمت (در آسمان هفتم) ۹۶
- ۲۳ - مشاهده تسبیح خروس سحری (در آسمان هفتم) ۹۶
- ۲۴ - ورود رسول الله صلی الله علیه و آله به بیت المعمور ۹۷
- ۲۵ - انهار بهشتی «کوثر» و «رحمت» ۹۷
- ۲۶ - مشاهده درخت طوبی ۹۷
- ۲۷ - مشاهده درخت سِدْرَةُ الْمُتَّهَى ۹۸
- ۲۸ - تعلیمات مستقیم الهی به رسول الله صلی الله علیه و آله ۹۸
- ۲۹ - تعلیمات ملائکه به رسول الله صلی الله علیه و آله ۹۹
- ۳۰ - فرشته مؤذن، و تعلیم اذان ۹۹
- ۳۱ - تشریح نمازهای واجب ۹۹
- فصل دوازدهم: دعا‌های رسول الله صلی الله علیه و آله ۱۰۰
- عالی‌ترین مضامین ادعیه رسول الله صلی الله علیه و آله ۱۰۰
- دعای «أَمَّنَ الرَّسُولَ...» پیامبر و امت ۱۰۱
- فصل سیزدهم: دین اسلام، مشخصات و امتیازات آن ۱۰۳
- الله ۱۰۳
- معنی اسلام و چهار مرتبه آن ۱۰۳
- معنی اسلام و چهار مرتبه آن ۱۰۳
- ۱ - مرتبه اول اسلام ۱۰۴
- ۲ - مرتبه دوم اسلام ۱۰۴
- ۳ - مرتبه سوم اسلام ۱۰۵
- ۴ - مرتبه چهارم اسلام ۱۰۵
- تمامیت کلمه الهی، و ظهور دین اسلام ۱۰۶
- اسلام، تنها دین نزد خدا ۱۰۷
- اهمیت زندگی اسلامی ۱۰۸

- ۱۰۸ مراحل جهانی شدن دین اسلام
- ۱۰۹ جهانی بودن رسالت پیامبر اسلام
- ۱۱۰ دین حقی که بر دنیا غلبه خواهد کرد!
- ۱۱۰ فراگیر بودن دین قیمه اسلام
- ۱۱۱ نفوذ اسلام به دنیای موجودات دیگر
- ۱۱۲ دین خالص
- ۱۱۳ تفاوت دین کامل با انسان کامل
- ۱۱۳ تفاوت پیروان اسلام با اهل کتاب
- ۱۱۴ هماهنگی ایمان و عمل در اسلام
- ۱۱۵ فصل چهاردهم: قانون و شریعت اسلام، و امتیازات آن
- ۱۱۵ اصول دعوت شارع اسلام
- ۱۱۵ نزول تدریجی قوانین اسلام
- ۱۱۶ انتشار تدریجی یک دین جهانی
- ۱۱۷ مراتب اجرای دعوت اسلامی
- ۱۱۷ مراتب اجرای دعوت اسلامی
- ۱۱۷ ۱- تبلیغات
- ۱۱۸ ۲- دعوت منفی
- ۱۱۸ ۳- جهاد
- ۱۱۸ جامعیت شریعت محمدی صلی الله علیه و آله
- ۱۲۰ بصیرت‌های دین اسلام برای مردم
- ۱۲۰ نسخ مناسک و شرایع قبلی با ظهور اسلام
- ۱۲۲ قائم‌تر بودن دین و شرع اسلام
- ۱۲۲ دین اسلام، نفی اختلاف طبقاتی
- ۱۲۴ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

شخصیت و رسالت محمد رسول الله (ص) (تفسیر موضوعی المیزان)

مشخصات کتاب

- سرشناسه: امین، سیدمهدی، ۱۳۱۶، -گردآورنده
- عنوان و نام پدیدآور: شخصیت و رسالت محمد رسول الله (ص) (تفسیر موضوعی المیزان) / به اهتمام سیدمهدی امین؛ با نظارت محمد بیستونی.
- مشخصات نشر: قم: بیان جوان ۱۳۹۰.
- مشخصات ظاهری: ۳۶۳ ص. ۵/۱۶×۱۱ س.م.
- فروست: تفسیر علامه [ج. ۲۷].
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۸-۱۲۰-۳
- وضعیت فهرست نویسی: فیپا
- یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.
- عنوان دیگر: تفسیر موضوعی المیزان.
- موضوع: محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق -- در قرآن
- موضوع: تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴
- شناسه افزوده: بیستونی محمد، ۱۳۳۷، -ناظر
- شناسه افزوده: طباطبائی محمدحسین ۱۲۸۱ - ۱۳۶۰. المیزان فی تفسیرالقرآن
- شناسه افزوده: تفسیر علامه [ج. ۲۷].
- رده بندی کنگره: BP۹۸ / الف ۸۳ ت ۲۷ ج ۲۷۷. ۱۳۹۰
- رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۷۹
- شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۱۶۲۳۰

فهرست مطالب

- موضوع صفحه
- تأییدیه آیه الله محمد یزدی رئیس شورای عالی مدیریت حوزه علمیه ●●● ۵
- تأییدیه آیه الله مرتضی مقتدائی مدیریت حوزه علمیه قم ●●● ۶
- تأییدیه آیه الله سید علی اصغر دستغیب نماینده خبرگان رهبری ●●● ۷
- مقدمه ●●● ۸
- مقدمه مؤلف ●●● ۱۲
- فصل اول
- مشخصات ظاهری پیامبر گرامی خدا صلی الله علیه وآله ●●● ۱۷
- مشخصات صورت رسول الله صلی الله علیه وآله ●●● ۱۷
- ۱- قیافه، رنگ، موی و سر ●●● ۱۷

۲- پیشانی، چشم و ابرو ۱۸۰۰۰

۳- دماغ، دهان، دندان، گونه و ریش ۱۹۰۰۰

(۳۴۱)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

اندام رسول الله صلی الله علیه و آله ۲۰۰۰۰

۱- مشخصات قسمت بالای بدن ۲۰۰۰۰

۲- اندام و قامت، عضلات و استخوان بندی ۲۱۰۰۰

۳- دست ها و پاها ۲۲۰۰۰

فصل دوم

حرکات و رفتارهای شخصی رسول الله صلی الله علیه و آله ۲۵۰۰۰

طرز نشستن، راه رفتن و سوار شدن رسول الله صلی الله علیه و آله ۲۵۰۰۰

۱- نشستن ۲۵۰۰۰

۲- راه رفتن ۲۶۰۰۰

۳- سوار شدن ۲۷۰۰۰

(۳۴۲)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

طرز سلام کردن و دست دادن رسول الله صلی الله علیه و آله ۲۸۰۰۰

۱- سلام کردن ۲۸۰۰۰

۲- دست دادن ۲۹۰۰۰

غذا و غذا خوردن رسول الله صلی الله علیه و آله ۲۹۰۰۰

۱- غذای رسول الله صلی الله علیه و آله ۲۹۰۰۰

۲- ادب غذا خوردن و آشامیدن رسول الله صلی الله علیه و آله ۳۲۰۰۰

۳- طرز آشامیدن رسول الله صلی الله علیه و آله ۳۶۰۰۰

۴- ادب نشستن رسول الله صلی الله علیه و آله برای خوردن غذا ۳۸۰۰۰

آداب رسول الله صلی الله علیه و آله در سفر و حضر ۴۰۰۰۰

۱- آداب سفرهای رسول الله صلی الله علیه و آله ۴۰۰۰۰

(۳۴۳)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

۲- دعای خیر رسول الله صلی الله علیه و آله برای مسافری ۴۱۰۰۰

۳- رسم رسول الله صلی الله علیه و آله در رفت و برگشت ۴۱۰۰۰

خنده و خوشحالی، گریه و غم رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۴۲

۱- خنده رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۴۲

۲- شوخی رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۴۳

۳- گریه رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۴۳

آرایش، نظافت و عطر رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۴۴

۱- آرایش رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۴۴

۲- نظافت رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۴۶

۳- مسواک کردن رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۴۶

(۳۴۴)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

۴- عطر رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۴۷

۵- نگهداری از پوست بدن ●●● ۴۸

رفتارهای حساب شده و سنت سازی رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۴۹

۱- سنت هائی برای آموزش رهبران جامعه ●●● ۴۹

۲- سنت هائی در پاکیزگی و بهداشت ●●● ۵۰

فصل سوم

زندگی خصوصی و لوازم زندگی رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۵۱

خانه و زندگی خانوادگی رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۵۱

۱- رسول الله صلی الله علیه و آله در خانه ●●● ۵۱

۲- انجام کارهای خانه ●●● ۵۲

(۳۴۵)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

۳- همسر داری ●●● ۵۳

۴- خدمتگزاران خانه ●●● ۵۴

۵- مسکن و فراش رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۵۵

۶- خواب و خوابگاه رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۵۷

لوازم و وسایل زندگی رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۵۸

۱- نام های انتخابی رسول الله صلی الله علیه و آله برای تجهیزات خود ●●● ۵۸

۲- لباس و پوشاک رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۶۰

۳- عمامه و کلاه رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۶۴

۴- انگشترهای رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۶۵

۵- سایر وسایل زندگی رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۶۶

(۳۴۶)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

فصل چهارم

اخلاق رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۶۹

سجایای اخلاقی رسول الله صلی الله علیه و آله از نظر علی علیه السلام ●●● ۶۹

سخاوت و بخشندگی رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۷۰

تواضع، مهربانی و بلند طبعی رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۷۳

عفو و غضب، شهامت و حق طلبی و صبر و توکل رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۷۶

فصل پنجم

رفتارهای اجتماعی رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۸۱

ادب و رفتار رسول الله صلی الله علیه و آله در جامعه ●●● ۸۱

۱- رفتار و ادب رسول الله صلی الله علیه و آله با عامه مردم ●●● ۸۱

(۳۴۷)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

۲- رفتار و ادب رسول الله صلی الله علیه و آله با اهل فضل و بزرگان قوم ●●● ۸۶

۳- رفتار و ادب رسول الله صلی الله علیه و آله با اصحاب خود ●●● ۸۷

رسم رسول الله صلی الله علیه و آله در تشییع جنازه مسلمین ●●● ۸۸

فصل ششم

منطق و بیان و مجلس رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۹۱

سخن گفتن و سکوت کردن رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۹۱

۱- تکلم و طرز بیان رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۹۱

۲- سکوت و دلایل سکوت رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۹۳

مجالس رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۹۵

۱- وضعیت مجالس رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۹۵

۲- برخورد رسول الله صلی الله علیه و آله در جلسات ●●● ۹۸

(۳۴۸)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

فصل هفتم

عبادات رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۱۰۱

طهارت رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۱۰۱

۱- طرز وضو گرفتن رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۱۰۱

۲- طرز غسل کردن رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۱۰۴

نماز رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۱۰۵

۱- تعداد و اوقات نمازهای رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۱۰۵

۲- کیفیت نماز خواندن رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۱۱۰

۳- نوافل رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۱۱۴

۴- دعای قنوت‌ها و ذکرهای رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۱۱۵

(۳۴۹)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

روزه و اعتکاف رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۱۱۸

۱- روزه‌های رسول الله صلی الله علیه و آله در ایام مخصوص ●●● ۱۱۸

۲- آداب رسول الله صلی الله علیه و آله در ماه رمضان ●●● ۱۲۰

۳- اعتکاف‌های رسول الله صلی الله علیه و آله در ماه رمضان ●●● ۱۲۱

۴- روزه وصال مخصوص رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۱۲۲

۵- افطارهای رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۱۲۳

قرآن خواندن رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۱۲۴

فصل هشتم

رسالت پیامبر خاتم ●●● ۱۲۷

یک پیامبر برای تمام ادیان ●●● ۱۲۷

(۳۵۰)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

نزول کتاب برای عموم بشر ●●● ۱۳۲

جهانی بودن دعوت اسلام و قرآن ●●● ۱۳۳

او به اسلام دعوت می‌کند ●●●! ۱۳۶

دین خدا خاموش نمی‌شود ●●●! ۱۳۷

اسلام دین غالب، و نور خدا در زمین ●●● ۱۳۸

معرفی رسالت رسول الله صلی الله علیه و آله در قرآن ●●● ۱۳۹

تعریف روحیات و اخلاق رسول الله صلی الله علیه و آله در قرآن ●●● ۱۴۱

گواهی خدا به رسالت رسول الله صلی الله علیه و آله در قرآن ●●● ۱۴۳

(۳۵۱)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

فصل نهم

حدود و وظایف و رسالت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله ●●● ۱۴۷

تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت ۱۴۷●●●

۱- تزکیه ۱۴۸●●●

۲- تعلیم کتاب ۱۴۸●●●

۳- تعلیم حکمت ۱۴۸●●●

نبوت، مسئولیت‌ها و وظایف رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۱۵۱

تبیین وظیفه خاص انذار ۱۵۴●●●

حدود مسئولیت رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۱۵۵

جذب مؤمنین و بی‌اعتنائی به اشراف ۱۵۸●●●

(۳۵۲)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

فصل دهم

امتیازات و درجات پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله ●●● ۱۶۱

خاتم النبیین ۱۶۱●●●

خُلِقَ عَظِيمٌ ۱۶۲●●●

شرح صدر ۱۶۴●●●

شاهد و مبشّر و نذیر ۱۷۰●●●

رسول کریم ۱۷۱●●●

رضای رسول الله صلی الله علیه و آله و شفاعت او ۱۷۴●●●

صلوات خدا و ملائکه بر رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۱۸۰

امتیاز حضور رسول الله صلی الله علیه و آله در بین امت ۱۸۱●●●

(۳۵۳)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

شق القمر - معجزه رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۱۸۴

ولایت رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۱۸۷

اتباع حکم رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۱۸۸

ادب کلام در حضور رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۱۸۹

حبط اعمال در اثر غفلت از رعایت احترام رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۱۹۱

- وصف رعایت کنندگان احترام رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۱۹۳
 منع خطاب رسول الله صلی الله علیه و آله از پشت حجره‌ها ●●● ۱۹۴
 فرمان اطاعت تام از رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۱۹۶
 ارتباط رسول الله صلی الله علیه و آله با سایر انبیاء ●●● ۱۹۸
 رفع اتهام جنون و کفایت از رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۱۹۹
 (۳۵۴)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

فصل یازدهم

- معراج رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۲۰۳
 شرح معراج در قرآن ●●● ۲۰۳
 معراج رسول الله صلی الله علیه و آله نهایت کمال انسانی ●●● ۲۰۶
 معراج، و اتمام دین و انتخاب وزیر ●●● ۲۰۹
 اعتبار روایات مربوط به معراج ●●● ۲۱۱
 ۱- زمان و مکان آغاز معراج ●●● ۲۱۲
 ۲- دو مرحله‌ای بودن معراج ●●● ۲۱۳
 ۳- جسمانی یا روحانی بودن معراج ●●● ۲۱۴
 تاریخچه معراج در روایات اسلامی ●●● ۲۱۸
 (۳۵۵)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

- ۱- شروع حرکت ●●● ۲۱۹
 ۲- شرح وسیله حرکت ●●● ۲۲۰
 ۳- مشاهدات بین راه مکه تا بیت المقدس ●●● ۲۲۱
 ۴- نماز پیامبر در طور سینا و بیت اللحم ●●● ۲۲۱
 ۵- رسول الله در بیت المقدس و در نماز پیامبران ●●● ۲۲۲
 ۶- آزمایش‌های رسول الله صلی الله علیه و آله و شرح ماجراهای بین راه ●●● ۲۲۳
 ۷- شروع معراج آسمانی رسول الله صلی الله علیه و آله ●●● ۲۲۵
 ۸- مشاهده فرشتگان (در آسمان اول - آسمان دنیا) ●●● ۲۲۶
 ۹- مشاهده جهنم ●●● ۲۲۷
 ۱۰- دیدار با آدم ابوالبشر ●●● ۲۲۹
 (۳۵۶)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

- ۱۱ - دیدار با ملک الموت ۲۳۰۰۰۰
- ۱۲ - مشاهده وضع حرام خواران ۲۳۲۰۰۰
- ۱۳ - مشاهده فرشته موکل زمین ۲۳۳۰۰۰
- ۱۴ - مشاهده صورت واقعی اعمال انسان‌ها ۲۳۴۰۰۰
- ۱۵ - مشاهده تسبیح فرشتگان ۲۳۶۰۰۰
- ۱۶ - ملاقات رسول الله صلی الله علیه و آله با عیسی و یحیی (در آسمان دوم) ۲۳۸(۰۰۰)
- ۱۷ - ملاقات رسول الله صلی الله علیه و آله با یوسف (در آسمان سوم) ۲۳۹(۰۰۰)
- ۱۸ - ملاقات رسول الله صلی الله علیه و آله با ادريس (در آسمان چهارم) ۲۴۰(۰۰۰)
- ۱۹ - ملاقات رسول الله صلی الله علیه و آله با هارون (در آسمان پنجم) ۲۴۱(۰۰۰)
- ۲۰ - ملاقات رسول الله صلی الله علیه و آله با موسی کلیم الله (در آسمان ششم) ۲۴۲(۰۰۰)
- (۳۵۷)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

- ۲۱ - ملاقات رسول الله صلی الله علیه و آله با ابراهیم خلیل الله (در آسمان هفتم) ۲۴۳(۰۰۰)
- ۲۲ - مشاهده دریا‌های نور و ظلمت (در آسمان هفتم) ۲۴۴(۰۰۰)
- ۲۳ - مشاهده تسبیح خروس سحری (در آسمان هفتم) ۲۴۶(۰۰۰)
- ۲۴ - ورود رسول الله صلی الله علیه و آله به بیت المعمور ۲۴۸ ۰۰۰
- ۲۵ - انهار بهشتی «کوثر» و «رحمت» ۲۴۸(۰۰۰)
- ۲۶ - مشاهده درخت طوبی ۲۴۹۰۰۰
- ۲۷ - مشاهده درخت سدره المنتهی ۲۵۰۰۰۰
- ۲۸ - تعلیمات مستقیم الهی به رسول الله صلی الله علیه و آله ۲۵۱ ۰۰۰
- ۲۹ - تعلیمات ملائکه به رسول الله صلی الله علیه و آله ۲۵۳ ۰۰۰
- ۳۰ - فرشته مؤذن و تعلیم اذان ۲۵۴۰۰۰
- ۳۱ - تشریح نمازهای واجب ۲۵۵۰۰۰
- (۳۵۸)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

فصل دوازدهم

- دعاهای رسول الله صلی الله علیه و آله ۲۵۹ ۰۰۰
- عالی‌ترین مضامین ادعیه رسول الله صلی الله علیه و آله ۲۵۹ ۰۰۰
- دعای «امن الرسول...» پیامبر و امت ۲۶۱۰۰۰
- فرازی از خطبه وداع رسول الله صلی الله علیه و آله ۲۶۶ ۰۰۰

فصل سیزدهم

دین اسلام، مشخصات و امتیازات آن ۲۶۹۰۰۰
 الله ۲۶۹۰۰۰

معنی اسلام و چهار مرتبه آن ۲۷۱۰۰۰
 تمامیت کلمه الهی و ظهور دین اسلام ۲۷۹۰۰۰
 (۳۵۹)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

اسلام، تنها دین نزد خدا ۲۸۱۰۰۰
 اهمیت زندگی اسلامی ۲۸۵۰۰۰
 مراحل جهانی شدن دین اسلام ۲۸۶۰۰۰
 جهانی بودن رسالت پیامبر اسلام ۲۸۹۰۰۰
 دین حقی که بر دنیا غلبه خواهد کرد ۲۹۲۰۰۰
 فراگیر بودن دین قیمه اسلام ۲۹۴۰۰۰
 نفوذ اسلام به دنیای موجودات دیگر ۲۹۷۰۰۰
 دین خالص ۳۰۰۰۰۰
 تفاوت پیامبر و دیگران در خلوص دین ۳۰۲۰۰۰
 تفاوت دین کامل با انسان کامل ۳۰۴۰۰۰
 (۳۶۰)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

تفاوت پیروان اسلام با اهل کتاب ۳۰۵۰۰۰
 هماهنگی ایمان و عمل در اسلام ۳۰۹۰۰۰

فصل چهاردهم

قانون و شریعت اسلام و امتیازات آن ۳۱۱۰۰۰
 اصول دعوت شارع اسلام ۳۱۱۰۰۰
 نزول تدریجی قوانین اسلام ۳۱۲۰۰۰
 انتشار تدریجی یک دین جهانی ۳۱۵۰۰۰
 مراتب اجرای دعوت اسلامی ۳۱۸۰۰۰
 ۱- تبلیغات ۳۱۸۰۰۰

۲- دعوت منفی ۳۱۹۰۰۰

(۳۶۱)

فهرست مطالب

موضوع صفحه

۳ - جهاد ۳۲۰۰۰۰

جامعیت شریعت محمدی صلی الله علیه و آله ۳۲۲۰۰۰

۱ - جامع بودن شریعت محمدی ۳۲۳۰۰۰

۲ - پنج شریعت ۳۲۴۰۰۰

۳ - پنج پیامبر اولوالعزم ۳۲۵۰۰۰

بصیرت‌های دین اسلام برای مردم ۳۲۶۰۰۰

نسخ مناسک و شرایع قبلی با ظهور اسلام ۳۲۸۰۰۰

اسلام، شریعت آسان، یادگار ابراهیم علیه السلام ۳۳۰۰۰۰

قائم تر بودن دین و شرع اسلام ۳۳۲۰۰۰

دین اسلام، نفی اختلاف طبقاتی ۳۳۵۰۰۰

(۳۶۲)

۳۶۳)

تقدیم به

إِلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ

رَسُولِ اللَّهِ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ إِلَى مَوْلَانَا

وَ مَوْلَى الْمُؤَحِّدِينَ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى بَضْعِهِ

الْمُصْطَفَى وَ بِهِجَهُ قَلْبُهُ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ إِلَى سَيِّدِي

شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّبْطَيْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ إِلَى الْأَيْمَةِ التَّشَعُّهِ

الْمَعْصُومِينَ الْمَكْرَمِينَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ لَا سِيَّمَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَ وَارِثِ عُلُومِ

الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ، الْمَعْدَّةَ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ وَ الْمُدْخِرِ لِأَحْيَاءِ الْفَرَائِضِ وَ مَعَالِمِ الدِّينِ ،

الْحُجَّجَةَ بْنِ الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمَانِ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرْجَهُ الشَّرِيفَ فَيَا مُعَزَّ

الْأَوْلِيَاءِ وَيَا مُدِلَّ الْأَعْدَاءِ أَيُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ قَدْ مَسَّنَا

وَ أَهْلَنَا الضَّرَّ فِي غَيْبَتِكَ وَ فِرَاقِكَ وَ جِنْنَا بِيضَاعِهِ

مُزْجَاهٍ مِنْ وِلَائِكَ وَ مَحَبَّتِكَ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ مِنْ مَنَّاكَ وَ

فَضْلِكَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا بِنَظَرِهِ رَحْمَةً مِنْكَ

إِنَّا نَرِيكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

(۴)

متن تأییدیه حضرت آیه الله محمد یزدی

رییس دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری و رییس شورای عالی مدیریت حوزه علمیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قرآن کریم این بزرگ‌ترین هدیه آسمانی و عالی‌ترین چراغ هدایت که خداوند عالم به وسیله آخرین پیامبرش برای بشریت فرو فرستاده است؛ همواره انسان‌ها را دستگیری و راهنمایی نموده و می‌نماید. این انسان‌ها هستند که به هر مقدار بیشتر با این نور و رحمت ارتباط برقرار کنند بیشتر بهره می‌گیرند. ارتباط انسان‌ها با قرآن کریم با خواندن، اندیشیدن، فهمیدن، شناختن اهداف آن شکل می‌گیرد. تلاوت، تفکر، دریافت و عمل انسان‌ها به دستورالعمل‌های آن، سطوح مختلف دارد. کارهایی که برای تسهیل و روان و آسان کردن این ارتباط انجام می‌گیرد هر کدام به نوبه خود ارزشمند است. کارهای گوناگونی که دانشمند محترم جناب آقای دکتر بیستونی برای نسل جوان در جهت این خدمت بزرگ و امکان ارتباط بهتر نسل جوان با قرآن انجام داده‌اند؛ همگی قابل تقدیر و تشکر و احترام است. به علاقه‌مندان بخصوص جوانان توصیه می‌کنم که از این آثار بهره‌مند شوند.

توفیقات بیش از پیش ایشان را از خداوند متعال خواهانم.

محمد یزدی

رییس دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری ۱/۲/۱۳۸۸

(۵)

متن تأییدیه حضرت آیه‌الله مرتضی مقتدایی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

توفیق نصیب گردید از مؤسسه قرآنی تفسیر جوان بازدید داشته باشم و مواجه شدم با یک باغستان گسترده پرگل و متنوع که به‌طور یقین از معجزات قرآن است که این ابتکارات و روش‌های نو و جالب را به ذهن یک نفر که باید مورد عنایت ویژه قرار گرفته باشد القاء نماید تا بتواند در سطح گسترده کودکان و جوانان و نوجوانان و غیرهم را با قرآن مجید مأنوس به‌طوری که مفاهیم بلند و باارزش قرآن در وجود آنها نقش بسته و روش آنها را الهی و قرآنی نماید و آن برادر بزرگوار جناب آقای دکتر محمد بیستونی است که این توفیق نصیب ایشان گردیده و ذخیره عظیم و باقیات الصالحات جاری برای آخرت ایشان هست. به امید این که همه اقدامات با خلوص قرین و مورد توجه ویژه حضرت بقیت‌الله‌الاعظم ارواحنا فداه باشد.

مرتضی مقتدایی

به تاریخ یوم شنبه پنجم ماه مبارک رمضان المبارک ۱۴۲۷

(۶)

متن تأییدیه حضرت آیه‌الله سیدعلی اصغر دستغیب نماینده محترم خبرگان رهبری در استان فارس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل / ۸۹)

تفسیر المیزان گنجینه گرانبھائی است که به مقتضای این کریمه قرآنی حاوی جمیع موضوعات و عناوین مطرح در زندگی انسان‌ها می‌باشد. تنظیم موضوعی این مجموعه نفیس اولاً موجب آن است که هر کس عنوان و موضوع مدنظر خویش را به سادگی پیدا کند و ثانیاً زمینه مناسبی در راستای تحقیقات موضوعی برای پژوهشگران و اندیشمندان جوان حوزه و دانشگاه خواهد بود.

این توفیق نیز در ادامه برنامه‌های مؤسسه قرآنی تفسیر جوان در تنظیم و نشر آثار قرآنی مفسرین بزرگ و نامی در طول تاریخ اسلام، نصیب برادر ارزشمندم جناب آقای دکتر محمد بیستونی و گروهی از همکاران قرآن‌پژوه ایشان گردیده است. امیدوارم همچنان از توفیقات و تأییدات الهی برخوردار باشند.

سیدعلی اصغر دستغیب

۲۸/۹/۸۶

(۷)

مقدمه ناشر

براساس پژوهشی که در مؤسسه قرآنی تفسیر جوان انجام شده، از صدر اسلام تاکنون حدود ۱۰/۰۰۰ نوع تفسیر قرآن کریم منتشر گردیده است که بیش از ۹۰٪ آنها به دلیل پر حجم بودن صفحات، عدم اعرابگذاری کامل آیات و روایات و کلمات عربی، نثر و نگارش تخصصی و پیچیده، قطع بزرگ کتاب و... صرفاً برای «متخصصین و علاقمندان حرفه‌ای» کاربرد داشته و افراد عادی جامعه به ویژه «جوانان عزیز» آنچنان که شایسته است نمی‌توانند از این قبیل تفاسیر به راحتی استفاده کنند.

مؤسسه قرآنی تفسیر جوان ۱۵ سال برای ساده‌سازی و ارائه تفسیر موضوعی و کاربردی در کنار تفسیر ترتیبی تلاش‌های گسترده‌ای را آغاز نموده است که چاپ و انتشار تفسیر جوان (خلاصه ۳۰ جلدی تفسیر نمونه، قطع جیبی) و تفسیر نوجوان (۳۰ جلدی، قطع جیبی کوچک) و بیش از یکصد تفسیر موضوعی دیگر نظیر باستان‌شناسی قرآن کریم، رنگ‌شناسی، شیطان‌شناسی، هنرهای دستی، ملکه گمشده و شیطانی همراه، موسیقی،

(۸)

تفاسیر گرافیکی و... بخشی از خروجی‌های منتشر شده در همین راستا می‌باشد.

کتابی که ما و شما اکنون در محضر نورانی آن هستیم حاصل تلاش ۳۰ ساله «استادارجمند جناب آقای سیدمهدی امین» می‌باشد. ایشان تمامی مجلدات تفسیر المیزان را به دقت مطالعه کرده و پس از فیش برداری، مطالب را «بدون هیچ گونه دخل و تصرف در متن تفسیر» در هفتاد عنوان موضوعی تفکیک و برای نخستین بار «مجموعه ۷۰ جلدی تفسیر موضوعی المیزان» را تدوین نموده که هم به صورت تک موضوعی و هم به شکل دوره‌ای برای جوانان عزیز قابل استفاده کاربرد است.

«تفسیر المیزان» به گفته شهید آیة الله مطهری (ره) «بهترین تفسیری است که در میان شیعه و سنی از صدر اسلام تا امروز نوشته شده است». «المیزان» یکی از بزرگ‌ترین آثار علمی علامه طباطبائی (ره)، و از مهم‌ترین تفاسیر جهان اسلام و به حق در نوع خود کم‌نظیر و مایه مباهات و افتخار شیعه است. پس از تفسیر تبیان شیخ طوسی (م ۴۶۰ ه) و مجمع‌البیان شیخ طبرسی (م ۵۴۸ ه) بزرگ‌ترین و جامع‌ترین تفسیر شیعی و از نظر قوت علمی و

مقدمه ناشر (۹)

مطلوبیت روش تفسیری، بی‌نظیر است. ویژگی مهم این تفسیر به کارگیری تفسیر قرآن به قرآن و روش عقلی و استدلالی است. این روش در کار مفسر تنها در کنار هم گذاشتن آیات برای درک معنای واژه خلاصه نمی‌شود، بلکه موضوعات مشابه و مشترک در سوره‌های مختلف را کنار یکدیگر قرار می‌دهد، تحلیل و مقایسه می‌کند و برای درک پیام آیه به شیوه تدبیری و اجتهادی توسل می‌جوید.

یکی از ابعاد چشمگیر المیزان، جامعه‌گرایی تفسیر است. بی‌گمان این خصیصه از اندیشه و گرایش‌های اجتماعی علامه طباطبائی (ره) برخاسته است و لذا به مباحثی چون حکومت، آزادی، عدالت اجتماعی، نظم اجتماعی، مشکلات امت اسلامی، علل عقب ماندگی مسلمانان، حقوق زن و پاسخ به شبهات مارکسیسم و ده‌ها موضوع روز، روی آورده و به طور عمیق مورد بحث و بررسی قرار داده است.

شیوه مرحوم علامه به این شرح است که در آغاز، چند آیه از یک سوره را می‌آورد و آیه، آیه، نکات لغوی و بیانی آنرا شرح

می‌دهد و پس از آن، تحت عنوان بیان آیات که شامل مباحث

(۱۰) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

موضوعی است به تشریح آن می‌پردازد.

ولی متأسفانه قدر و ارزش این تفسیر در میان نسل جوان ناشناخته مانده است و بنده در جلسات فراوانی که با دانشجویان یا دانش‌آموزان داشته‌ام همواره نیاز فراوان آنها را به این تفسیر دریافته‌ام و به همین دلیل نسبت به همکاری با جناب آقای سید مهدی امین اقدام نموده‌ام.

امیدوارم این قبیل تلاش‌های قرآنی ما و شما برای روزی ذخیره شود که به جز اعمال و نیات خالصانه، هیچ چیز دیگری کارساز نخواهد بود.

دکتر محمد بیستونی

رئیس مؤسسه قرآنی تفسیر جوان

تهران - تابستان ۱۳۸۸

مقدمه ناشر (۱۱)

مقدمه مؤلف

إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ

فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ

لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ

این قرآنی است کریم

در کتابی مکنون

که جز دست پاکان و فهم خاصان بدان نرسد!

(۷۷ - ۷۹ / واقعه)

این کتاب به منزله یک «کتاب مرجع» یا فرهنگ معارف قرآن است که از «تفسیر المیزان» انتخاب و تلخیص، و بر حسب موضوع طبقه‌بندی شده است.

در تقسیم‌بندی به عمل آمده از موضوعات قرآن کریم قریب ۷۰ عنوان مستقل به دست آمد. هر یک از این موضوعات اصلی، عنوان مستقلی برای تهیه یک کتاب در نظر گرفته شد. هر کتاب در داخل خود به چندین فصل یا عنوان فرعی تقسیم گردید. هر (۱۲)

فصل نیز به سرفصل‌هایی تقسیم شد. در این سرفصل‌ها آیات و مفاهیم قرآنی از متن تفسیر المیزان انتخاب و پس از تلخیص، به روال منطقی، طبقه‌بندی و درج گردید، به طوری که خواننده جوان و محقق ما با مطالعه این مطالب کوتاه وارد جهان شگفت‌انگیز آیات و معارف قرآن عظیم گردد. در پایان کار، مجموع این معارف به قریب ۵ هزار عنوان یا سرفصل بالغ گردید.

از لحاظ زمانی: کار انتخاب مطالب و فیش‌برداری و تلخیص و نگارش، از اواخر سال ۱۳۵۷ شروع و حدود ۳۰ سال دوام داشته، و با توفیق الهی در لیالی مبارکه قدر سال ۱۳۸۵ پایان پذیرفته و آماده چاپ و نشر گردیده است.

هدف از تهیه این مجموعه و نوع طبقه‌بندی مطالب در آن، تسهیل مراجعه به شرح و تفسیر آیات و معارف قرآن شریف، از جانب علاقمندان علوم قرآنی، مخصوصاً محققین جوان است که بتوانند اطلاعات خود را از طریق بیان مفسری بزرگ چون علامه

فقید آیه الله طباطبایی دریافت کنند، و برای هر سؤال پاسخی مشخص و روشن داشته باشند.

مقدمه مؤلف (۱۳)

سال‌های طولانی، مطالب متعدد و متنوع درباره مفاهیم قرآن شریف می‌آموختیم اما وقتی در مقابل یک سؤال درباره معارف و شرایع دین مان قرار می‌گرفتیم، یک جواب مدون و مشخص نداشتیم بلکه به اندازه مطالب متعدد و متنوعی که شنیده بودیم باید جواب می‌دادیم. زمانی که تفسیر المیزان علامه طباطبایی، قدس الله سره الشریف، ترجمه شد و در دسترس جامعه مسلمان ایرانی قرار گرفت، این مشکل حل شد و جوابی را که لازم بود می‌توانستیم از متن خود قرآن، با تفسیر روشن و قابل اعتماد فردی که به اسرار مکنون دست یافته بود، بدهیم. اما آنچه مشکل می‌نمود گشتن و پیدا کردن آن جواب از لابلای چهل (یا بیست) جلد ترجمه فارسی این تفسیر گرانمایه بود. لذا این ضرورت احساس شد که مطالب به صورت موضوعی طبقه‌بندی و خلاصه شود و در قالب یک دائرةالمعارف در دسترس همه دین‌دوستان قرار گیرد. این همان انگیزه‌ای بود که موجب تهیه این مجلدات گردید.

بدیهی است این مجلدات شامل تمامی جزئیات سوره‌ها و آیات الهی قرآن نمی‌شود، بلکه سعی شده مطالبی انتخاب شود که در تفسیر آیات و مفاهیم قرآنی، علامه بزرگوار

(۱۴) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

به شرح و بسط و تفهیم مطلب پرداخته است.

اصول این مطالب با توضیح و تفصیل در «تفسیر المیزان» موجود است که خواننده می‌تواند برای پی‌گیری آن‌ها به خود المیزان مراجعه نماید. برای این منظور مستند هر مطلب با ذکر شماره مجلد و شماره صفحه مربوطه و آیه مورد استناد در هر مطلب قید گردیده است.

ذکر این نکته لازم است که چون ترجمه تفسیر المیزان به صورت دو مجموعه ۲۰ جلدی و ۴۰ جلدی منتشر شده بهتر است در صورت نیاز به مراجعه به ترجمه المیزان، بر اساس ترتیب عددی آیات قرآن به سراغ جلد مورد نظر خود، صرف نظر از تعداد مجلدات بروید. و مقدر بود که کار نشر چنین مجموعه آسمانی در مؤسسه‌ای انجام گیرد که با هدف نشر معارف قرآن شریف، به صورت تفسیر، مختص نسل جوان، تأسیس شده باشد، و استاد مسلم، جناب آقای دکتر محمد بیستونی، اصلاح و تنقیح و نظارت همه‌جانبه بر این مجموعه قرآنی شریف را به عهده گیرد.

مؤسسه قرآنی تفسیر جوان با ابتکار و سلیقه نوین، و به منظور تسهیل در رساندن

مقدمه مؤلف (۱۵)

پیام آسمانی قرآن مجید به نسل جوان، مطالب قرآنی را به صورت کتاب‌هایی در قطع جیبی منتشر می‌کند. این ابتکار در نشر همین مجلدات نیز به کار رفته، تا مطالعه آن در هر شرایط زمانی و مکانی، برای جوانان مشتاق فرهنگ الهی قرآن شریف، ساده و آسان گردد...

و ما همه بندگانی هستیم هر یک حامل وظیفه تعیین شده از جانب دوست، و آنچه انجام شده و می‌شود، همه از جانب اوست! و صلوات خدا بر محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و خاندان جلیلش باد که نخستین حاملان این وظیفه الهی بودند، و بر علامه فقید آیه الله طباطبایی و اجداد او، و بر همه وظیفه‌داران این مجموعه شریف و آباء و اجدادشان باد، که مسلمان شایسته‌ای بودند و ما را نیز در مسیر شناخت اسلام واقعی پرورش دادند!

لیله قدر سال ۱۳۸۵

سید مهدی حبیبی امین

(۱۶) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

فصل اول: مشخصات ظاهری پیامبر گرامی خدا صلی الله علیه و آله

مشخصات صورت رسول الله صلی الله علیه و آله

۱- قیافه، رنگ، موی و سر

- رسول خدا صلی الله علیه و آله مردی بود که در چشم هر بیننده بزرگ و موقر می نمود،
 - بدون این که چهره اش درهم کشیده باشد، همیشه اندوهگین به نظر می رسید،
 - و بدون این که بخندد، همیشه تبسمی بر لب داشت،
 - صورتش رنگ مهتابی داشت،
 - روی نیکویش در تلالو چون ماه تمام بود،
- (۱۷)

- سرش بزرگ بود،
- مویی کم پیچ داشت،
- اگر گاهی موهایش پریشان می شد، شانه می زد،
- اگر گیسوان می گذاشت از نرمه گوشش تجاوز نمی کرد.

۲- پیشانی، چشم و ابرو

- پیشانی و جبینش فراخ بود،
 - چشمانش افتاده - یعنی نگاهش بیشتر به زمین بود تا به آسمان،
 - نگاهش به قدری نافذ بود که کسی را یارای خیره شدن به چشمان او نبود،
 - نگاهش همه به گوشه چشم بود،
 - آن حضرت نگاه‌های زیر چشمی خود را در بین اصحابش به طور مساوی تقسیم کرده بود، بدین معنی که به تمام آن‌ها به یک جور نظر می انداخت،
- (۱۸) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله
- و همه را به یک چشم می دید،
 - وقتی به جانی التفات می کرد با تمام بدن متوجه می شد،
 - ابروانش باریک و طولانی بود،
 - فاصله دو ابرویش فراخ بود، و به هم پیوسته نبود،
 - بین دو ابروانش رگی بود که در موقع خشم از خون پر می شد، و این رگ طوری براق بود که اگر کسی دقت نمی کرد خیال می کرد دنباله بینی آن جناب است.

۳- دماغ، دهان، دندان، گونه و ریش

- بینی آن جناب کشیده و اشَم بود،

- دهانش فراخ، خوشبو، و همیشه باز بود،
- دندان‌هایش از هم باز و جدا، و چون مروارید سفید بود،
- مشخصات صورت رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۹)
- در حالت تبسم تنه‌اندان‌های چون تگرگش نمایان می‌شد،
- وقتی تکلم می‌کرد چیزی شبیه نور از بین ثنایای آن حضرت بیرون می‌جست، - به نظر می‌رسید دندان‌های آن حضرت «فَلَج» است، یعنی میان ثنایای بالائی او زیاد باز است، و حال آن‌که چنین نبود،
- گونه‌هایش کم گوشت و بدون برجستگی بود،
- ریش و محاسن شریفش پرپشت و کوتاه بود.

اندام رسول الله صلی الله علیه و آله

۱ - مشخصات قسمت بالای بدن

- گردن آن حضرت در زیبایی چنان بود که گوئی گردن آهوست، و از روشنی و صفا گوئی نقره است،
- فاصله دو شانه‌اش زیاد، و به اصطلاح چهارشانه بود،
- (۲۰) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله
- سینه‌اش گشاد بود،
- از بالای سینه تا سره خطی از مو داشت،
- موی وسط سینه تا شکمش باریک بود،
- بالای سینه و پشت شانه و دو پستان و شکمش، از دو ذراع، پر مو بود.

۲ - اندام و قامت، عضلات و استخوان‌بندی

- اندام رسول الله صلی الله علیه و آله متناسب بود،
- قامتش رعنا، و از قامت معتدل بلندتر، و از بلندبالایان کوتاه‌تر بود، - بدنی فربه داشت،
- شکمش از سینه جلوتر نبود،
- رسول الله صلی الله علیه و آله لاغرترین اهل دنیا بود از حیث تهیگاه، و گرسنه‌ترین شکم بود از حیث شکم،
- اندام رسول الله صلی الله علیه و آله (۲۱)
- وقتی برهنه می‌شد بدنش بسیار زیبا بود،
- سرپای بدنش صاف بود،
- استخوان‌هایش باریک و بدون برآمدگی بود، - مفاصل استخوان‌هایش ضخیم بود،
- عضلاتی به هم پیچیده داشت.

۳ - دست‌ها و پاها

- بند دستهای آن حضرت کشیده بود،

- محیط کف دستش فراخ بود،
- در استفاده از دست‌ها، دست راستش را اختصاص می‌داد برای خوردن، آشامیدن، دادن و گرفتن،
- (۲۲) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله
- آن حضرت جز با دست راست چیزی را نمی‌داد و نمی‌گرفت،
- دست چپش برای کارهای دیگرش بود،
- رسول الله صلی الله علیه و آله وقتی به چیزی اشاره می‌کرد با تمام کف دست اشاره می‌نمود،
- وقتی آن حضرت از مطلبی به شگفت درمی‌آمد دست را پشت و رو می‌کرد،
- استخوان بندی کف دست و کف پایش درشت بود،
- گودی کف پا و دستش از متعارف بیشتر بود،
- دو قدمش محدب، و بیشتر از متعارف برآمده و پهن بود، به طوری که آب بر آن قرار نمی‌گرفت. (۱)
- ۱- المیزان ج ۱۲، ص ۱۸۵. روایات اسلامی
- اندام رسول الله صلی الله علیه و آله (۲۳)
- (۲۴)

فصل دوم: حرکات و رفتارهای شخصی رسول الله صلی الله علیه و آله

طرز نشستن، راه رفتن و سوار شدن رسول الله صلی الله علیه و آله

۱- نشستن

- رسول الله صلی الله علیه و آله در موقع نشستن چون بندگان می‌نشست،
- آن حضرت بر زمین می‌نشست،
- نشستن آن حضرت بر سه گونه بود:
- ۱- قَرَفْصَاء: و آن عبارت از این بود که ساق‌های پا را بلند می‌کرد، و دو دست خود را از جلو بر آن‌ها حلقه می‌زد، یعنی با دست راست بازوی چپ و با دست
- (۲۵)
- چپ بازوی راست را می‌گرفت،
- ۲- دو زانوی خود و نوک انگشتان پا را به زمین می‌گذاشت.
- ۳- یک پا را زیر ران خود گذاشته و پای دیگر را روی آن پهن می‌کرد. - هرگز دیده نشد که آن حضرت چهار زانو بنشیند،
- هرگز دیده نشد که آن حضرت در پیش روی کسی که در خدمتش نشسته پای خود را دراز کند،
- رسول خدا صلی الله علیه و آله بیشتر اوقات رو به قبله می‌نشست.

۲- راه رفتن

- رسول الله به آرامی گام برمی‌داشت،
- با وقار راه می‌پیمود،

- وقتی قدم برمی داشت گوئی آن را از زمین می کند،
- (۲۶) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله
- وقتی راه می رفت گوئی از کوه سرازیر می شد،
- در راه رفتن سریع بود،
- وقتی راه می رفت طوری با نشاط می رفت که به نظر می رسید خسته و کسل نیست.

۳ - سوار شدن :

- رسول خدا صلی الله علیه و آله بر الاغ لخت سوار می شد،
- و دیگری را هم در ردیف خود سوار می کرد،
- رسول خدا صلی الله علیه و آله را رسم چنین بود که اگر سوار بود هیچ وقت نمی گذاشت کسی پیاده همراهی اش بکند، یا او را سوار در ترک خود می کرد و یا می فرمود: تو جلوتر برو و در هر جا که می گوئی منتظرم باش تا بیایم.
- طرز نشستن، راه رفتن و سوار شدن رسول الله صلی الله علیه و آله (۲۷)

طرز سلام کردن و دست دادن رسول الله صلی الله علیه و آله

۱ - سلام کردن

- رسول الله صلی الله علیه و آله به هر کس که می رسید سلام می داد، چه توانگر و چه درویش، چه کوچک و چه بزرگ،
- آن حضرت به هر کس که برمی خورد در سلام از او سبقت می جست، - رسول خدا صلی الله علیه و آله به زنان هم سلام می کرد، و آن‌ها سلامش را جواب می دادند، (هم چنین بود علی علیه السلام، که او هم این کار را می کرد، الا این که آن جناب سلام دادن به زنان را کراهت داشت و می فرمود: می ترسم از آهنگ صدای آن‌ها خوشم آید و آن وقت ضرر این کار از اجری که در نظر داشتم بیشتر شود). - برای درخواست اذن دخول عادت رسول الله صلی الله علیه و آله چنین بود که سه نوبت سلام می کرد، و اگر جواب می شنید و اذن می گرفت، داخل می شد و گرنه برمی گشت.
- (۲۸) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

۲ - دست دادن

- رسول الله صلی الله علیه و آله با فقرا و توانگران دست می داد، و دست خود را نمی کشید تا طرف مقابل دست خود را بکشد،
- هیچ دیده نشد که آن حضرت با کسی مصافحه کند و او جلوتر از طرف مقابل دست خود را بکشد، بلکه آن قدر دست خود را در دست او نگه می داشت تا طرف دست او را رها سازد، و به همین جهت وقتی مردم این معنا را فهمیدند هر کس که با آن حضرت مصافحه می کرد دست خود را مرتباً به طرف خود می کشید تا آن که از دست آن جناب جدایی کرد.

غذا و غذا خوردن رسول الله صلی الله علیه و آله

۱ - غذای رسول الله صلی الله علیه و آله :

- غذاهائی را که رسول الله صلی الله علیه و آله میل می فرمود، عبارت بودند از: نان و گوشت به انواع مختلف؛ خربزه، شکر، انگور،

- انار، خرما، شیر، هریسه (گندم پخته)،
غذا و غذا خوردن رسول الله صلی الله علیه و آله (۲۹)
روغن، سرکه، کاسنی، بادروج، کلم؛
- آن جناب از غسل خوشش می آمد،
- از هر میوه بیشتر انار را دوست می داشت،
- طعام رسول الله صلی الله علیه و آله اگر به دستش می آمد جو بود، و حلوایش خرما، و هیزم منزلش برگ و شاخه درخت خرما بود،
- روزی اصحابش فالوده آوردند و آن حضرت با ایشان تناول فرمود، و پس از آن پرسید: این فالوده از چه درست می شود؟ عرض کردند: روغن را با غسل می گذاریم این طور می شود! فرمود: طعام خوبی است! (در مورد فالوده روایتی هست که مغایر این روایت است).
- رسول الله صلی الله علیه و آله نان جو را الک نکرده می خورد،
- رسول خدا صلی الله علیه و آله اصلاً نان گندم نخورد، و از نان جو هم یک شکم سیر نخورد،
(۳۰) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله
- خربزه، انگور و خرما را می خورد، و هسته خرما را به گوسفند می داد، - سیر، پیاز و تره میل نمی فرمود، هم چنین غسلی را هم که در آن مغایر بود، میل نمی کرد. (مغایر خلطی است که در بدن زنبور هضم نشده و در غسل می ریزد و بوی آن در دهان می ماند.) (۱)
- رسول خدا صلی الله علیه و آله از تمامی انواع غذاها میل می فرمود،
- هر چه را که خدا حلال کرده است با اهل بیت و خدمتگزاران خود، و هر وقت که ایشان می خوردند، می خورد،
- در روزهای عید قربان دو قوچ ذبح می کرد، یکی را از طرف خود و یکی دیگر را از طرف فقرای امتش،
- تنها در رطب و خرما بود که آن جناب دست دراز می کرد و بهترش را برمی چید، - هیچ طعامی نزد رسول الله صلی الله علیه و آله حاضر نشد که در آن خرما باشد، مگر این که ابتداء
۱- منظور هنگام رفتن به مسجد و حضور در اجتماعات می باشد. (بیستونی)
غذا و غذا خوردن رسول الله صلی الله علیه و آله (۳۱)
از آن خرما میل می فرمود،
- هیچ نعمتی را مذمت نمی فرمود،
- در مورد طعامها نه تنها مذمت نمی کرد، بلکه از طعم آن تعریف هم می نمود، - هیچ وقت طعم چیزی را مذمت نمی فرمود و آن را نمی ستود، - هیچ وقت غذائی را مذمت نفرمود، و اگر آن را دوست می داشت، می خورد، و اگر از آن خوشش نمی آمد، نمی خورد، ولی آن را مذمت نمی کرد که دیگران هم نخورند.
- اگر چیزی تعارفش می کردند آن تحقیر نمی کرد، اگر چه یک خرما پوسیده باشد.

۲- ادب غذا خوردن و آشامیدن رسول الله صلی الله علیه و آله :

- رسول الله صلی الله علیه و آله وقتی غذا میل می فرمود بسم الله می گفت،
- رسول خدا صلی الله علیه و آله بین هر دو لقمه حمد خدای را می کرد،

- از جلو خود غذا می‌خورد، و از جلوی کسی غذا بر نمی‌داشت،

(۳۲) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

- هیچ وقت تنها غذا نمی‌خورد،

- وقتی سفره انداخته می‌شد، قبل از سایرین شروع به غذا می‌کرد،

- وقتی با مردمی غذا میل می‌فرمود، اولین کسی بود که دست به غذا می‌برد، و آخرین کس بود که دست برمی‌داشت، و چنین

می‌کرد تا همه مردم غذا بخورند و خجالت نکشند،

- دست راست آن حضرت اختصاص داشت برای خوردن و آشامیدن و دادن و گرفتن....

- غذا را با سه انگشت ابهام و انگشت پهلوی آن و انگشت وسطی برمی‌داشت، و گاهی هم از انگشت چهارمی کمک می‌گرفت،

- همیشه با تمامی کف دست غذا می‌خورد، نه با دو انگشت و می‌فرمود: غذا خوردن با دو انگشت خوردن شیطان است.

غذا و غذا خوردن رسول الله صلی الله علیه و آله (۳۳)

- رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی خرما میل می‌فرمود، هسته آن را روی پشت دست می‌گذاشت و آن گاه آن را دور می‌انداخت.

- وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله گوشت میل می‌فرمود سر خود را به طرف گوشت پائین نمی‌انداخت، بلکه آن را به طرف دهان

خود می‌برد و آن را به طور مخصوصی و با تمام دندانها می‌جوید، و مخصوصاً وقتی گوشت میل می‌فرمود، هر دو دست خود را

به خوبی می‌شست و آن گاه دست تر را به صورت خود می‌کشید،

- رسول خدا صلی الله علیه و آله غذای داغ را نمی‌خورد، و صبر می‌کرد تا خنک شود، و می‌فرمود: خدای تعالی ما را آتش

نخورانیده، و غذای داغ برکت ندارد،

- رسول خدا صلی الله علیه و آله همیشه خلال می‌کرد، (حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: خلال دهن را خوشبو

می‌کند،)

- ظرف غذا را می‌لیسید و می‌فرمود: غذای آخر ظرف برکتش از همه آن غذا

(۳۴) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

بیشتر است، و وقتی هم که از غذا فارغ می‌شد، هر سه انگشت خود را یکی پس از دیگری می‌لیسید و دست خود را از طعام

می‌شست تا پاکیزه گردد، - با هر کسی از مسلمانان که او را دعوت می‌کرد هم غذا می‌شد، و هر چه آن‌ها می‌خوردند، می‌خورد،

مگر این که برای آن‌ها میهمانی سر می‌رسید که در این صورت با آن میهمان غذا میل می‌فرمود،

- از هر غذائی بیشتر آن را دوست می‌داشت که شرکت کنندگان در آن بیشتر باشند،

- اگر غلامی از آن حضرت دعوت می‌کرد، می‌پذیرفت،

- شام انبیاء بعد از نماز عشاء بوده است، (امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده: شما هم شام خوردن را ترک نکنید، که باعث خرابی

بدن است،)

- رسول خدا صلی الله علیه و آله هیچ چیزی را دوست تر از آن نمی‌داشت که دائماً گرسنه و از خدا خائف باشد،

غذا و غذا خوردن رسول الله صلی الله علیه و آله (۳۵)

- رسول الله صلی الله علیه و آله از همه انبیاء زاهدتر بود، زیرا علاوه بر کنیزهایی که داشت، دارای سیزده همسر بود، ولی با اینهمه

هیچ وقت سفره‌ای از طعام برایش چیده نشد، و هرگز نان گندم نخورد، و از نان جو هم هیچ شکم سیری نخورد، و سه شبانه روز

گرسنه می‌ماند،

- آن حضرت هرگز از روی سیری آروغ نزد،

- رسول الله صلی الله علیه و آله از خوردنی‌های دنیا اندک و به اطراف دندان خورد،
- دهان خود را از خوردنی‌های دنیا پر نکرد و به آن التفاتی نمود،
- لاغرترین اهل دنیا بود از حیث تهیگاه، و گرسنه‌ترین شکم بود از جهت شکم.

۳- طرز آشامیدن رسول الله صلی الله علیه و آله

- رسول الله صلی الله علیه و آله هر وقت آب می‌آشامید، ابتداء بِسْمِ اللّٰهِ می‌گفت... و آب را به طور مخصوصی می‌مکید و آن را به پری دهان نمی‌بلعید، و می‌فرمود: درد کبد از همین قورت دادن است، (۳۶) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله
- وقتی رسول الله صلی الله علیه و آله چیزی می‌آشامید، آشامیدنش با سه نفس بود، و آن را می‌مکید و مثل پاره‌ای از مردم آن را نمی‌بلعید،
- علی علیه السلام فرمود: چند بار تجربه کردم و دیدم که - رسول الله صلی الله علیه و آله آب یا هر آشامیدنی دیگر را به سه نفس می‌آشامید، و در ابتدای هر نفس بِسْمِ اللّٰهِ و در آخر آن الْحَمْدُ لِلّٰهِ می‌گفت، از سبب آن پرسیدم، فرمود: حمد خدا را به منظور ادای شکر پروردگار، و بسم الله را به منظور ایمنی از ضرر و درد می‌گویم،
- رسول الله صلی الله علیه و آله در ظرف آشامیدنی نفس نمی‌کشید، و اگر می‌خواست نفس تازه کند ظرف را دور می‌گرفت،
- رسول خدا صلی الله علیه و آله آشامیدنی‌ها را هم در قدهای بلوری که از شام می‌آوردند، می‌آشامید و هم در قدهای چوبی و چرمی و سفالی،
- رسول خدا صلی الله علیه و آله دوست می‌داشت از قدهای شامی بیاشامد، و می‌فرمود: این ظرف غذا و غذا خوردن رسول الله صلی الله علیه و آله (۳۷)
- از نظیف‌ترین ظرفهائی است که در دسترس شماست،
- آن جناب با کف دست هم آب می‌خورد و می‌فرمود: هیچ ظرفی پاکیزه‌تر از دست نیست.

۴- ادب نشستن رسول الله صلی الله علیه و آله برای خوردن غذا :

- رسول الله صلی الله علیه و آله هیچ وقت بر خوان طعام غذا نخورد، بلکه روی زمین می‌خورد،
- رسول الله صلی الله علیه و آله از روزی که خداوند او را به نبوت مبعوث کرد و تا روزی که از دنیا رفت، در حال تکیه غذا نخورد، بلکه مانند بردگان غذا میل می‌فرمود و مانند آنها می‌نشست، و این برای اظهار کوچکی و تواضع در برابر خدای عزوجل بود،
- رسول خدا صلی الله علیه و آله در حال تکیه غذا نخورد، مگر یک مرتبه، که آن هم نشست و از در معذرت گفت: «بارالها من بنده تو و رسول توام!»
- رسول خدا صلی الله علیه و آله هیچ وقت در حال تکیه به دست راست یا به دست چپ غذا
- (۳۸) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله
- میل نمی‌فرمود، بلکه مثل بنده‌ها می‌نشست، و این برای تواضع در برابر خدای عزوجل بود،
- رسول خدا صلی الله علیه و آله مثل بنده‌ها غذا می‌خورد، مثل آنها می‌نشست. آن حضرت روی زمین پست غذا می‌خورد، و روی زمین می‌خوابید،
- وقتی برای خوردن می‌نشست، بین دو زانو و دو قدم خود را جمع می‌کرد، همان‌طور که نماز گزار می‌نشیند، الا این که یکی از

زانوها و قدم‌ها را روی زانو قدم دیگر می گذاشت، و می فرمود: من بنده‌ای هستم و لذا مثل بنده‌ها غذا می خورم، و مثل آن‌ها می نشینم!

- رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی سر غذا می نشست مثل بنده‌ای می نشست و به ران چپ خود تکیه می کرد،
 - آن حضرت روی زمین غذا می خورد، با مساکین و با بردگان هم غذا می شد.
- غذا و غذا خوردن رسول الله صلی الله علیه و آله (۳۹)

آداب رسول الله صلی الله علیه و آله در سفر و حضر

۱ - آداب سفرهای رسول الله صلی الله علیه و آله

- آن جناب بیشتر در روز پنجشنبه مسافرت می کرد،
 - رسول خدا صلی الله علیه و آله هر وقت به مسافرت می رفت، پنج چیز با خود برمی داشت: آئینه، سرمه دان، شانه، مسواک و قیچی،
 - رسول خدا صلی الله علیه و آله در سفر هر وقت از بلندی‌ها سرازیر می شد، می گفت: لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ! و هر وقت بر بلندی‌ها بالا می رفت، می گفت: اللَّهُ أَكْبَرُ! - رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی راه می رفت طوری با نشاط می رفت که به نظر می رسید خسته و کسل نیست،
 - رسول خدا صلی الله علیه و آله از هیچ منزلی کوچ نمی داد، مگر این که در آن منزل دو رکعت نماز می خواند، و می فرمود: این کار را برای این می کنم که این منازل به نمازی که در آن‌ها خواندم شهادت دهند.
- (۴۰) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

۲ - دعای خیر رسول الله صلی الله علیه و آله برای مسافران

- رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی با مؤمنین خداحافظی می فرمود، می گفت: خداوند تقوا را زاد و توشه شما قرار دهد، و به هر خیری مواجه‌تان سازد، و هر حاجتی را از شما برآورده کند، و دین و دنیای شما را سالم و ایمن سازد، و شما را به سلامت و با غنیمت فراوان برگرداند،
- رسول خدا صلی الله علیه و آله به اشخاصی که از مکه می آمدند، می فرمود: خداوند عبادت را قبول و گناهانت را بیامرزد، و در قبال مخارجی که کردی به تو نفقه روزی فرماید.

۳ - رسم رسول الله صلی الله علیه و آله در رفت و برگشت

- رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی پی کاری می رفت از راهی که رفته بود، بر نمی گشت، بلکه از راه دیگری مراجعت می فرمود. (حضرت رضا علیه السلام فرموده: این عمل برای رسیدن به روزی نزدیک تر است،)
 - رسول خدا صلی الله علیه و آله همیشه بعد از طلوع آفتاب از خانه بیرون می آمد،
- آداب رسول الله صلی الله علیه و آله در سفر و حضر (۴۱)

خنده و خوشحالی، گریه و غم رسول الله صلی الله علیه و آله

۱ - خنده رسول الله صلی الله علیه و آله

- وقتی رسول الله صلی الله علیه و آله می‌خندید، خنده‌اش تبسمی شیرین بود،
 - در تبسم رسول الله صلی الله علیه و آله تنها دندان‌های چون تگرگش نمایان می‌شد،
 - وقتی رسول الله صلی الله علیه و آله خیلی خوشحال می‌شد، زیاد دست به محاسن شریف خود می‌کشید،
 - رسول الله صلی الله علیه و آله چنان بود که اگر مسرور و راضی می‌شد، مسرت و رضایتش برای مردم بهترین مسرت‌ها و رضایت‌ها بود،
 - او بدون این که بخندد همیشه تبسمی بر لب داشت،
 - هر وقت حرف می‌زد، در حرف زدنش تبسم می‌کرد.
- (۴۲) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

۲- شوخی رسول الله صلی الله علیه و آله

- رسول خدا با اشخاص شوخی می‌کرد و می‌خواست بدین وسیله آنان را مسرور سازد،
- رسول خدا با اشخاص مطایبه می‌کرد ولی در شوخی‌هایش جز حق چیزی نمی‌گفت،
- مرد عربی به دیدن رسول الله صلی الله علیه و آله می‌آمد و برایش هدیه می‌آورد و همانجا به شوخی می‌گفت: پول هدیه ما را مرحمت فرما! رسول خدا صلی الله علیه و آله هم می‌خندید، و وقتی اندوهناک می‌شد، می‌فرمود: اعرابی چه شد؟ کاش می‌آمد!

۳- گریه رسول الله صلی الله علیه و آله

- رسول الله صلی الله علیه و آله از خوف خدای عزوجل این قدر می‌گریست که سجاده و نماز گاهش از اشک چشم او تر می‌شد، با این که جرم و گناهی هم نداشت، - رسول الله صلی الله علیه و آله این قدر می‌گریست که بیهوش می‌شد، خدمتش عرض کردند: خنده و خوشحالی، گریه و غم رسول الله صلی الله علیه و آله (۴۳)
- مگر خدای تعالی در قرآن نفرموده که از گناهان گذشته و آینده تو در گذشته است؟ پس این همه گریه چیست؟ فرمود: درست است که خدا مرا بخشیده است لکن من چرا بنده شکرگزار نیاشم؟

آرایش، نظافت، و عطر رسول الله صلی الله علیه و آله

۱- آرایش رسول الله صلی الله علیه و آله

- رسول الله صلی الله علیه و آله عادتش این بود که خود را در آئینه ببیند، و سرو روی خود را شانه بزند، و چه بسا این کار را در برابر آب انجام می‌داد،
 - رسول خدا صلی الله علیه و آله همیشه موی خود را شانه می‌زد، و اغلب با آب شانه می‌کرد، و می‌فرمود: آب برای خوشبو کردن مؤمن کافی است،
 - رسول الله صلی الله علیه و آله علاوه بر اهل خانه، خود را برای اصحابش نیز آرایش می‌داد،
- (۴۴) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله
- رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرمود: خداوند دوست دارد که بنده‌اش وقتی برای دیدن برادران خود از خانه خارج می‌شود، خود را آماده ساخته و آرایش دهد، - آن حضرت وقتی می‌خواست موی سر و محاسن شریف خود را بشوید، با سدر می‌شست،

- رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره خضاب می کرد، (حضرت ابی جعفر علیه السلام فرمود: هم اکنون موی خضاب شده آنجناب در خانه ماست،)
- رسول الله صلی الله علیه و آله سرمه دانی داشت که هر شب با آن سرمه بر چشم می کشید، و سرمه اش سرمه سنگ بود،
- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مجوس ریش خود را می تراشند و سیل خود را کلفت می کنند و ما سیل خود را کوتاه می کنیم و به ریش خود را وانمی گذاریم،
- رسول خدا صلی الله علیه و آله هر وقت مسافرت می رفت پنج چیز با خود برمی داشت: آئینه، سرمه دان، شانه، مسواک و قیچی.
- آرایش، نظافت، و عطر رسول الله صلی الله علیه و آله (۴۵)

۲- نظافت رسول الله صلی الله علیه و آله

- یکی از سنت های رسول الله صلی الله علیه و آله گرفتن ناخن هاست،
- یکی دیگر از سنت های آن جناب دفن کردن مو و ناخن و خون است، - ازاله موی زیر بغل از سنت هائی است که رسول الله صلی الله علیه و آله بدان امر فرموده است.

۳- مسواک کردن رسول الله صلی الله علیه و آله

- از سنن مرسلین یکی مسواک کردن دندان هاست،
- مسواک کردن باعث رضای خدا، و از سنت های پیغمبر صلی الله علیه و آله و مایه خوشبوئی و پاکیزگی دهان است،
- روایات درباره عادت داشتن رسول خدا صلی الله علیه و آله به مسواک و سنت قرار دادن آن بسیار است،
- رسول خدا صلی الله علیه و آله همیشه خلال می کرد.
- (۴۶) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

۴- عطر رسول الله صلی الله علیه و آله

- رسول خدا صلی الله علیه و آله بیش از آن مقداری که برای خوراک خرج می کرد، به عطر پول می داد،
- مشک را بهترین و محبوب ترین عطرها می دانست،
- مردم آن جناب را به بوی خوشی که از او به مشام می رسید، می شناختند،
- برای رسول خدا مشکدانی بود که بعد از هر وضوئی آن را به دست تر می گرفت، و در نتیجه هر وقت که از خانه بیرون تشریف می آورد، از بوی خوشش شناخته می شد که رسول الله صلی الله علیه و آله است،
- هیچ عطری به آن جناب عرضه نمی شد، مگر آن که خود را به آن خوشبو می کرد، و می فرمود: بوی خوشی دارد، حملش آسان است، و اگر هم خود را با آن خوشبو نمی کرد، سرانگشت خود را به آن گذاشته و از آن می بوئید،
- آرایش، نظافت، و عطر رسول الله صلی الله علیه و آله (۴۷)
- رسول خدا صلی الله علیه و آله با «خودقماری» خود را بخور می داد، - عطر به شارب زدن از اخلاق انبیاء و احترام ملائکه کرام الکاتبین است،

- بر هر بالغی لازم است که در هر شب جمعه شارب و ناخن خود را چیده و مقداری عطر استفاده کند، رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی جمعه می شد، و عطر همراه نداشت، ناچار می فرمود تا چارقد بعضی از زوجاتش را می آوردند، و آن جناب آن را با آب تر

می‌کرد، و به روی خود می‌کشید تا بدین وسیله از بوی خوش آن چارقد خود را معطر سازد.
 - اگر در روز عید فطر برای رسول الله صلی الله علیه و آله عطر می‌آوردند، اول به زنان خود می‌داد.
 X ۵ - نگهداری از پوست بدن :

- رسول خدا صلی الله علیه و آله به انواع روغن‌ها خود را ضماد می‌فرمود، و اغلب از روغن «بَنْفُسَج» استفاده می‌کرد، و می‌فرمود: این روغن بهترین روغن هاست، - رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره روغن به خود می‌مالید، و هر کس بدن شریفش را روغن (۴۸) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله مالی می‌کرد تا حدود زیر جامه را می‌مالید و مابقی را خود آن جناب به دست خود انجام می‌داد.

رفتارهای حساب شده و سنت سازی رسول الله صلی الله علیه و آله

۱ - سنت‌هایی برای آموزش رهبران جامعه

- (رسول الله صلی الله علیه و آله علاوه بر رفتارهای شخصی روزمره که در بالا ذکر شد، رفتارهایی نیز به طور حساب شده داشت که همواره آن‌ها را تکرار می‌کرد تا این رفتارهای خداپسندانه میان مردم و بزرگان جامعه سنت و ارزش شود، و در عین حال، سنت‌های جاهلی و اشرافی را که در هر عصر و زمان آتی به شکلی در جامعه اسلامی امکان‌دار رشد پیدا کند، در هم بشکند!)

- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من از پنج چیز دست بر نمی‌دارم تا بمیرم، برای این که امتم نیز بدان عادت کنند، و این خود سنتی شود برای بعد از خودم :

- ۱- روی زمین و با بردگان غذا خوردن، رفتارهای حساب شده رسول الله صلی الله علیه و آله (۴۹)
- ۲- سوار بر الاغ برهنه شدن، ۳- بز به دست خود دوشیدن،
- ۴- لباس پشمینه پوشیدن، ۵- به کودکان سلام دادن!

۲ - سنت‌هایی در پاکیزگی و بهداشت

- مسواک کردن باعث رضای خدا و از سنت‌های پیغمبر صلی الله علیه و آله و مایه خوشبوئی و پاکیزگی دهان است، یکی از سنت‌ها گرفتن ناخن هاست، یکی دیگر از سنت‌ها دفن کردن مو، ناخن و خون است، - ازاله موی زیر بغل بوی بد را از انسان زایل می‌سازد، این کار علاوه بر این که از پاکیزگی است، از سنت‌هایی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله بدان امر فرموده است، یکی از سنت‌های آن حضرت در امر نظافت و نزهت این است که وقتی می‌خواست موی سر و محاسن خود را بشوید، با سدر می‌شست. (۱)

۱- المیزان ج ۱۲، ص ۱۸۵. روایات اسلامی

(۵۰) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

فصل سوم: زندگی خصوصی، و لوازم زندگی رسول الله صلی الله علیه و آله

خانه، و زندگی خانوادگی رسول الله صلی الله علیه و آله

۱- رسول الله صلی الله علیه و آله در خانه

- رسول خدا صلی الله علیه و آله وقت خود را در خانه به سه جزء تقسیم کرده بود:

- قسمتی را برای عبادت خدا،

(۵۱)

- قسمتی را برای به سر بردن با اهل خانه،

- قسمت دیگر را به خود اختصاص داده بود.

(در آن قسمت هم که به خود اختصاص داده بود، باز به کلی از دیگران قطع رابطه نمی کرد، بلکه مقداری از آن را به وسیله

خواص خود در کارهای عامه مردم صرف می فرمود، و از آن مقدار چیزی را برای خود ذخیره نمی کرد،)

- به خانه رفتن رسول الله صلی الله علیه و آله به اختیار خود بود، - هیچ دقیقه‌ای از عمر شریفش را بیهوده و بدون عمل در راه

خدا، یا کاری از کارهای لازم خویشتن، نمی گذرانید.

۲- انجام کارهای خانه

- رسول الله صلی الله علیه و آله کفش خود را به دست خود می دوخت، - لباس خود را خودش وصله می زد،

- گوسفند خود را خودش می دوشید،

- روی زمین می نشست و گوسفندان را بین دو پای خود گذاشته و شیر آن‌ها را می دوشید،

(۵۲) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

- حیا مانعش نمی شد که مایحتاج خود را خودش از بازار تهیه کند، و به سوی اهل خانه ببرد.

۳- همسر داری

- رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

روشنی چشم مرا در نماز، و لذتم را در زنان قرار داده‌اند،

- از اخلاق انبیاء دوستی زنان است،

- جماعتی از اصحاب، زنان و غذا خوردن در روز و خواب (کامل) در شب را، بر خود

حرام کرده بودند، ام سلمه داستانش را برای رسول الله صلی الله علیه و آله نقل کرد، حضرت برخاست و به سر وقت آنان آمد، و فرمود: آیا به

زنان بی رغبتید؟ من سراغ زنانم می روم، در روز غذا می خورم، در شب هم می خوابم، و اگر کسی از این سنت من دوری کند، از

من نخواهد بود،

خانه، و زندگی خانوادگی رسول الله صلی الله علیه و آله (۵۳)

- رسول خدا صلی الله علیه و آله هر وقت می خواست با زنی تزویج کند، کسی را می فرستاد تا آن زن را ببیند،

- خداوند شب را، و زنان را، برای آرامش و آسایش قرار داده، و تزویج شب و اطعام طعام خود از سنت پیغمبر

صلی الله علیه و آله است.

۴ - خدمتگزاران خانه

- رسول خدا صلی الله علیه و آله دارای غلام‌ها و کنیزها بود، و در خوراک و پوشاک از آنان برتری نمی‌جست،
 - اگر غلامی از آن حضرت دعوت می‌کرد، می‌پذیرفت،
 - رسول خدا صلی الله علیه و آله با برده‌ها هم غذا می‌شد،
 «انس» گفت: من ۹ سال خدمتگزاری رسول خدا صلی الله علیه و آله را کردم، و هیچ یاد ندارم که در عرض این مدت به من فرموده باشد که چرا فلان کار را نکردی؟ و نیز یاد
 (۵۴) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله ندارم که در یکی از کارهایم خورده‌گیری کرده باشد،
 - «انس» گفت: به آن خدائی که رسول الله صلی الله علیه و آله را مبعوث کرد، هیچ گاه نشد که مرا در کاری که کردم و او را خوش نیامد عتاب کرده باشد که چرا چنین کردی؟ نه تنها آن جناب مرا مورد عتاب قرار نداد بلکه اگر هم زوجات او مرا ملامت می‌کردند، می‌فرمود: متعرضش نشوید، مقدر چنین بوده است!

۵ - مسکن و فراش رسول الله صلی الله علیه و آله

- رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی به خانه وارد می‌شد ظرف آب می‌خواست، و برای نماز تطهیر می‌کرد. آن گاه برخاسته و دو رکعت نماز کوتاه و مختصر به جا می‌آورد. و سپس بر فراش خود قرار می‌گرفت، فراش رسول الله صلی الله علیه و آله عبائی بود، متکایش از پوست و بار آن لیف خرما.
 - فراش دیگری از چرم داشت که بار آن لیف بود،
 خانه، و زندگی خانوادگی رسول الله صلی الله علیه و آله (۵۵)
 - عبائی داشت که به هر جا نقل مکان می‌داد آن را برایش دوطاقه فرش می‌کردند.
 - برای آن حضرت فراشی از پوست و بار آن لیف خرما بود، که در حدود دو ذراع طول داشت، و در حدود یک ذراع و یک و جب عرض،
 - رسول خدا صلی الله علیه و آله را رسم بر این بود که هر که بر او وارد می‌شد، تشک خود را زیرش می‌گسترانید، و اگر شخص وارد می‌خواست قبول نکند، اصرار می‌کرد تا بپذیرد،
 - رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی در تابستان از در اطاق برای خواب بیرون می‌رفت، روز پنجشنبه حرکت می‌کرد، و اگر در زمستان می‌خواست از سرما به اطاق برگردد، روز جمعه برمی‌گشت،
 - رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفت در حالی که خشتی روی خشت نگذاشت.
 (۵۶) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

۶ - خواب، و خوابگاه رسول الله صلی الله علیه و آله

- رسول خدا صلی الله علیه و آله روی زمین می‌خوابید،
 - غالباً روی حصیر و بدون فرشی دیگر می‌خوابید،
 - فراش رسول خدا صلی الله علیه و آله عبائی بود و متکایش از پوست و بار آن لیف خرما، شبی همین فراش را دوطاقه زیر بدنش

گسترده‌تر و آن جناب راحت‌تر خواهید، صبح وقتی از خواب برخاست، فرمود: این فراش امشب مرا از نماز بازداشت، و از آن پس دستور داد فراش مزبور را یک تا برایش بگسترانند،

- هیچ وقت رسول خدا صلی الله علیه و آله از خواب بیدار نشد، مگر آن که بلافاصله برای سجده خدا خود را به روی زمین انداخت،

- وقتی دید پرده در خانه‌اش تصویر دارد، به یکی از زنان خود فرمود: ای فلانه - این پرده را از نظرم پنهان کن تا آن را نبینم، چه هر وقت چشمم بدان می‌افتد به یاد دنیا خانه، و زندگی خانوادگی رسول الله صلی الله علیه و آله (۵۷) و زخارف آن می‌افتم! آری به قلب و از صمیم دل از دنیا اعراض کرده بود...

لوازم و وسایل زندگی رسول الله صلی الله علیه و آله

۱ - نام‌های انتخابی رسول الله صلی الله علیه و آله برای تجهیزات خود

- از عادات آن جناب یکی این بود که برای مرکب و هم‌چنین اسلحه و اثاث خود اسم می‌گذاشت:

- اسم پرچمش عقاب بود،

- اسم شمشیری که با آن در جنگ‌ها شرکت می‌فرمود، ذوالفقار بود، - اسم شمشیر دیگرش مخدوم،

- شمشیر دیگر رسوب،

- و شمشیر دیگر فضیب بود،

(۵۸) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

(قبضه شمشیرش به نقره آراسته بود، لچکی که غالباً می‌پوشید، از چرم، و سه حلقه نقره بدان آویزان بود)، - اسم کمان او کتوم،

- اسم جعبه تیرش کافور،

- اسم ناقه‌اش غضباء،

- اسم قاطرش دُلْدُل،

- اسم دراز گوشش بعفور،

- اسم گوسفندی که از شیرش می‌آشامید، غینه بود،

- برای آن حضرت زرهی بود نامش ذات الفضول، و سه حلقه از نقره داشت، یکی از جلو و دوتا از عقب،

- رسول خدا صلی الله علیه و آله را عمامه‌ای بود که آن سحاب می‌گفتند.

لوازم و وسایل زندگی رسول الله صلی الله علیه و آله (۵۹)

۲ - لباس و پوشاک رسول الله صلی الله علیه و آله

- رسول خدا صلی الله علیه و آله هر قسم لباسی که برایش فراهم می‌شد، می‌پوشید، چه لنگ و چه عبا، و چه پیراهن و چه جبه و امثال آن،

- آن حضرت از لباس سبز رنگ خوشش می‌آمد،

- همیشه لباس را از طرف راست می‌پوشید، و می‌گفت:

- «الحمد لله الذي كساني ما أؤاري به عورتی او تجمل به فی الناس - حمد خدائی را که پوشانید مرا به چیزی که عورتم را با آن پنهان کنم و خود را در بین مردم با آن زینت دهم!»
- وقتی لباس را از تن خود بیرون می‌کرد، از طرف چپ آن را می‌کند، - رسول خدا صلی الله علیه و آله تیمن و تبرک را در جمیع کارهای خود دوست می‌داشت، حتی در لباس پوشیدن، کفش به پا کردن، و موی شانه زدن،
- بیشتر لباس سفید می‌پوشید و می‌فرمود: زنده‌های خود را سفید بپوشانید،
- (۶۰) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و مرده‌های خود را هم در آن کفن کنید،
- بیشتر اوقات قبای باردار نظیر لحاف می‌پوشید، چه در جنگ، چه در غیر آن،
- برای آن حضرت قبائی بود از سُندس، که وقتی آن را می‌پوشید از شدت سفیدیش به زیبایی‌اش افزوده می‌شد،
- عبائی داشت که آن را هر کجا که می‌خواست بنشیند دو تا می‌کرد و زیر خود می‌گسترانید،
- تمامی لباسهایش تا پشت پا بلند بود،
- ازار را روی همه لباس‌ها می‌پوشید، و آن تا نصف ساق پایش بلند بود، - همواره پیراهنش را با شال می‌بست، و چه بسا در نماز و غیر نماز کمر بند آن را باز می‌کرد،
- برای آن جناب پتوئی بود که با زعفران رنگ شده بود، بسیار اتفاق می‌افتاد که تنها همان را به دوش گرفته و با مردم به نماز می‌ایستاد.
- لوازم و وسایل زندگی رسول الله صلی الله علیه و آله (۶۱)
- بسیار می‌شد که تنها یک کساء می‌پوشید، بدون چیز دیگر،
- برای آن حضرت کسائی بود که بار و لائی‌اش پشم بود، و آن را می‌پوشید و می‌فرمود: من بنده‌ای هستم، و لباس بنده‌ها را می‌پوشم،
- رسول الله صلی الله علیه و آله دوست می‌داشت زینت دنیا را حتی به چشم هم نیند، تا هوس لباس فاخر نکند،
- دو جامه دیگر هم داشت که مخصوص روز جمعه و نماز جمعه بود،
- بسیار اتفاق می‌افتاد که تنها یک سرتاسری می‌پوشید، بدون جامه دیگر و دو طرف آن را در بین دو شانه خود گره می‌زد،
- و غالباً با آن سرتاسری بر جنازه‌ها نماز می‌خواند، و مردم به آن جناب اقتداء می‌کردند،
- چه بسا در خانه هم تنها با یک ازار نماز می‌خواند، و آن را به خود می‌پیچید، و گوشه چپ آن را به شانه راست، و گوشه راستش را به شانه چپ می‌انداخت،
- (۶۲) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله
- چه بسا نماز شب را با ازار (روانداز) می‌گذاشت،
- برای آن جناب کساء سیاه رنگی بود که وقتی آن را به کسی بخشید، ام سلمه پرسید:
- پدر و مادرم فدایت باد، کساء سیاه شما چه شد؟
- فرمود: پوشیدش! ام سلمه عرض کرد:
- هرگز زیباتر از سفیدی تو در سیاهی آن کساء ندیدم!
- انس (خدمتگزار رسول الله صلی الله علیه و آله) می‌گوید: خیلی از اوقات آن حضرت را دیدم که نماز ظهر را با ما در یک شمله

(قطیفه کوچک) خواند، در حالتی که دو طرفش را گره زده بود،

- آن حضرت هر وقت لباس نو می پوشید لباس کهنه اش را به فقیری می داد و می گفت: هیچ مسلمانی نیست که با لباس کهنه خود مسلمانی را پوشاند، و جز برای خدا نپوشاند، مگر این که آن چه را که از او پوشانیده، از خودش در ضمانت خدا و حرز و خیر او خواهد درآمد، هم در دنیا و هم در آخرت،

لوازم و وسایل زندگی رسول الله صلی الله علیه و آله (۶۳)

- لباس پنبه، لباس رسول الله صلی الله علیه و آله است، چه آن جناب لباس پشمی و موئی نمی پوشید، مگر به جهت ضرورت،

- انبیاء علیهم السلام پیراهن را قبل از شلوار می پوشیدند.

۳ - عمامه و کلاه رسول الله صلی الله علیه و آله

- رسول خدا صلی الله علیه و آله عمامه سیاه رنگی داشت که گاهی به سر می گذاشت، و با آن نماز می خواند،

- بلندی عمامه آن حضرت به قدری بود که سه دور و یا پنج دور به سرش پیچیده می شد،

- رسول خدا صلی الله علیه و آله را عمامه ای بود که آن را سحاب می گفتند، و آن را به علی علیه السلام بخشید، و گاهی که علی

علیه السلام آن را به سر می گذاشت و می آمد، رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: علی با سحاب می آید!

- خیلی از اوقات شبکلاه تنها یا زیر عمامه به سر می گذاشت، و خیلی از اوقات

(۶۴) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

آن را از سر خود برداشته و به عنوان ستره پیش روی گذاشته و به طرف آن نماز می خواند،

- رسول خدا صلی الله علیه و آله از شبکلاه هائی به سر می گذاشت که با دوخت خط خط شده بود.

۴ X - انگشترهای رسول الله صلی الله علیه و آله :

- رسول خدا صلی الله علیه و آله همیشه انگشتری به دست می کرد،

- انگشتر رسول الله صلی الله علیه و آله از نقره بود،

- رسول خدا صلی الله علیه و آله دو انگشتر داشت، به یکی نوشته بود «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ - مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» و به دیگری نوشته بود:

«صَدَقَ اللَّهُ»

- (امام صادق علیه السلام فرمود:) نگین انگشتر باید که مدور باشد، نگین رسول الله صلی الله علیه و آله هم همین طور بود،

- بسیار می شد از خانه بیرون می آمد، در حالی که نخ به انگشتری خود بسته بود تا بدان وسیله با یاد کاری که می خواست انجام

دهد، بیفتد،

لوازم و وسایل زندگی رسول الله صلی الله علیه و آله (۶۵)

- با انگشتر نامه هارا مهر می کرد و می فرمود: امضاء کردن نامه ها بهتر است از تهمت،

- رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین و حسن و حسین و همه ائمه معصومین علیه السلام همیشه انگشتر را به دست راست خود

می کردند.

۵ - سایر وسایل زندگی رسول الله صلی الله علیه و آله

- رسول خدا صلی الله علیه و آله عصای کوچکی داشت که در پائین آن آهن به کار برده شده بود، و آن جناب بدان عصا تکیه

می‌کرد، و در نماز عید فطر و عید اضحی آن را به دست می‌گرفت،

- رسول خدا صلی الله علیه و آله هر وقت به مسافرت می‌رفت، پنج چیز با خود برمی‌داشت: آئینه، سرمه دان، شانه، مسواک و قیچی،
- برای رسول خدا صلی الله علیه و آله مشکدانی بود که بعد از هر وضو گرفتن آن را به دست تر می‌گرفت، و در نتیجه هر وقت که از خانه بیرون تشریف می‌آورد، از بوی خوشش شناخته می‌شد که رسول الله صلی الله علیه و آله است،

(۶۶) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

- برای رسول خدا صلی الله علیه و آله سرمه دانی بود که هر شب با آن سرمه به چشم می‌کشید و سرمه‌اش سرمه سنگ بود،
- رسول خدا صلی الله علیه و آله آشامیدنی‌ها را هم در قدهای بلوری که از شام می‌آوردند، و هم در قدهای چرمی و چوبی و سفالی می‌آشامید،

- رسول الله صلی الله علیه و آله آفتابه‌ای از سفال داشت، که با آن وضو می‌گرفت، و از آن می‌آشامید، و چون مردم می‌دانستند که آفتابه آن جناب مخصوص وضو و آشامیدنش است، از این رو کودکان را به عنوان تیمن و تبرک می‌فرستادند تا از آن آفتابه بیاشامند، و از آب آن به صورت و بدن خود بمالند، بچه‌ها هم بدون پروای از آن جناب چنین می‌کردند. (۱)

۱- المیزان ج ۱۲، ص ۱۸۵. روایات اسلامی

لوازم و وسایل زندگی رسول الله صلی الله علیه و آله (۶۷)

(۶۸)

فصل چهارم: اخلاق رسول الله صلی الله علیه و آله

اخلاق رسول الله صلی الله علیه و آله

«وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ!»

«من مبعوث شده‌ام به مکارم اخلاق و محاسن آن!» (رسول الله صلی الله علیه و آله) (۴/قلم)

سجایای اخلاقی رسول الله صلی الله علیه و آله از نظر علی علیه السلام

- رسول الله صلی الله علیه و آله کف دستش از تمامی کف‌ها سخی‌تر،

- سینه‌اش از همه سینه‌ها با جرأت‌تر،

- لهجه‌اش از همه لهجه‌ها و زبان‌ها راستگوتر،

- به عهد و پیمان از همه مردم با وفاتر،

(۶۹)

- خوی نازنین‌اش از خوی همه نرم‌تر،

- دودمانش از همه دودمان‌ها کریم‌تر و محترم‌تر بود،

- اگر کسی ناگهانی می‌دیدش، از او هیبت می‌برد،

- اگر کسی با او آمیزش می‌کرد، دوستش می‌داشت،

- من، قبل از او و بعد از او، هرگز کسی را مثل او ندیدم!

سخاوت و بخشندگی رسول الله صلی الله علیه و آله

- رسول الله صلی الله علیه و آله سخی‌ترین مردم بود، و بدون این که اسراف بورزد، سخی بود،
- هیچ وقت درهم و دیناری نزدش نمی ماند،
- حتی اگر وقتی چیزی نزدش زیادی می ماند و تا شب کسی را نمی یافت که آن را به او بدهد، به خانه نمی رفت تا ذمه خود را از آن بری سازد، و آن را به محتاجی برساند،
- از آن چه خدا روزی اش می کرد، بیش از آذوقه یکسال از مبتذل ترین خرما و جوی (۷۰) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله
- که در دسترس بود، برای خود ذخیره نمی کرد، و مابقی را در راه خدا صرف می نمود،
- کسی از آن جناب چیزی درخواست نمی کرد مگر این که آن جناب حاجتش را، هر چه بود، برمی آورد، و هم چنین می داد تا آن که نوبت می رسید به قوت یکساله اش، که از آن هم ایشار می فرمود،
- بسیار اتفاق می افتاد که قبل از گذشت یکسال قوت خود را انفاق کرده بود، و اگر چیز دیگر عایدش نمی شد، خود محتاج شده بود،
- هر کس حاجتی از او طلب می کرد بر نمی گشت، مگر این که، یا حاجت خود را گرفته بود، یا با بیانی قانع و دلخوش شده بود،
- هیچ وقت چیزی از او درخواست نشد که در جواب بگوید: نه!
- حاجت هیچ حاجتمندی را رد نکرد، بلکه عملاً یا به زبان، به قدری که برایش میسور بود، آن را برآورده می ساخت، سخاوت و بخشندگی رسول الله صلی الله علیه و آله (۷۱)
- رسول خدا صلی الله علیه و آله روزهای عید قربان دو قوچ ذبح می کرد، یکی را از طرف خود، و دیگری را از طرف فقرای امتش،
- رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین بود که احدی از او از مال دنیا چیزی درخواست نمی کرد، مگر این که آن حضرت می دادش، تا این که روزی زنی پسری را که داشت نزد آن حضرت فرستاد و گفت: از رسول الله صلی الله علیه و آله چیزی بخواه! اگر در جوابت فرمود: چیزی در دست ما نیست! بگو: پس پیراهنت را به من بده! رسول خدا صلی الله علیه و آله پیراهن خود را در آورد و جلوی پسر انداخت، خدای تعالی با آیه: «لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسِطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا! - دست خود را بسته به گردن خود مکن، و آن را به کلی هم از هم باز مکن، تا این چنین ملامت شده و تهی دست نشوی!» (اسراء / ۲۹) آن جناب را تأدیب فرموده و به میانه روی در انفاق وادارش نمود!
- (۷۲) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

تواضع، مهربانی و بلند طبعی رسول الله صلی الله علیه و آله

- رسول الله صلی الله علیه و آله بدون این که از خود ذلتی نشان دهد، همواره متواضع بود، - بسیار دل نازک و مهربان بود،
- خلق نازنینش بسیار نرم بود، نه کسی را با کلام خود می آزرده، و نه به کسی اهانت می نمود،
- او با فقرا می نشست،
- فرشته‌ای نزد رسول الله صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: خدایت مخیر فرموده که اگر خواهی بنده‌ای متواضع و رسول باشی، و اگر خواهی پادشاهی رسول باشی؟ جبرئیل این صحنه را می دید، رسول خدا صلی الله علیه و آله از راه مشورت به جبرئیل نگریست، و او با دست اشاره کرد که افتادگی را انتخاب بکن! و لذا رسول الله صلی الله علیه و آله در جواب آن فرشته فرمود: بندگی و تواضع را

با رسالت انتخاب

تواضع، مهربانی و بلند طبعی رسول الله صلی الله علیه و آله (۷۳)

کردم! فرشته مزبور در حالی که کلید خزاین زمین را در دست داشت، گفت: این که چیزی هم از آنچه نزد خدایت داری کاسته نشد!

- خزاین دنیا بر او عرضه شد، لکن او از قبولش استنکاف فرمود،

- رسول خدا صلی الله علیه و آله بر مرکب لخت سوار می‌شد، و دیگری را هم ردیف خود سوار می‌کرد،

- رسول خدا صلی الله علیه و آله با فقرا می‌نشست، و با مساکین هم غذا می‌شد،

- خویشاوندان را در عین این که بر افضل از آنان مقدم نمی‌داشت، صله رحم می‌کرد،

- رسول خدا صلی الله علیه و آله دارای غلامان و کنیزان بود، ولی در خوراک و پوشاک از ایشان برتری نمی‌جست،

- رسول خدا صلی الله علیه و آله مثل بنده‌ها غذا می‌خورد، و مثل آنها می‌نشست روی زمین پست غذا می‌خورد، و روی زمین می‌خوابید،

(۷۴) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

- رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی سر غذا می‌نشست مثل بنده‌ای می‌نشست، و به ران چپ خود تکیه می‌کرد،

- رسول خدا صلی الله علیه و آله روی زمین می‌نشست، و گوسفندان را بین دو پای خود می‌گذاشت، و شیر آنها را می‌دوشید،

- اگر غلامی از او دعوت می‌کرد، می‌پذیرفت،

- هیچ وقت در حال تکیه کردن غذا میل نفرمود، تا از دنیا رحلت فرمود، - رسول خدا صلی الله علیه و آله از روزی که خداوند متعال

او را به نبوت مبعوث فرمود، و تا روزی که از دنیا رفت، در حال تکیه غذا نخورد، بلکه مانند بردگان غذا میل می‌کرد، و مانند آنها

می‌نشست... و این برای اظهار کوچکی و تواضع در برابر خدای عزوجل بود،

- رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی وارد منزلی می‌شد، نزدیک‌ترین جای نسبت به

تواضع، مهربانی و بلند طبعی رسول الله صلی الله علیه و آله (۷۵)

محل ورودی می‌نشست،

- هرگز دست طمع به سوی چیزی دراز نکرد،

- هیچ وقت بین دو چیز مخیر نشد، مگر این که دشوارتر آن دو را انتخاب کرد،

- اگر چیزی تعارفش می‌کردند، آن را تحقیر نمی‌کرد، اگر چه یک خرمای پوسیده باشد.

عفو و غضب، شهامت و حق‌طلبی، و صبر و توکل رسول الله صلی الله علیه و آله

- رسول خدا صلی الله علیه و آله از همه مردم دیرتر به غضب در می‌آمد،

- و از همه زودتر آشتی می‌کرد، و خوشنود می‌شد،

- از همه مردم رئوف‌تر به مردم بود، و بهترین مردم و نافع‌ترین آنان بود، برای مردم،

- رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان بود که اگر مسرور و راضی می‌شد، مسرت و رضایتش برای مردم بهترین مسرت‌ها و

رضایت‌ها بود،

(۷۶) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

- به احدی از مردم جفا نمی‌نمود،

- و عذر هر معذری را می‌پذیرفت،
- رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بسیار خفیف المؤمنه و کریم الطبع، خوش معاشرت و خوشرو بود،
- بسیار نازک دل و مهربان برای همه مسلمانان بود،
- بارها می‌فرمود: بهترین شما خوش اخلاق‌ترین شماست!
- رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله برای خود از احدی انتقام نگرفت، بلکه هر کسی که آزارش می‌کرد، عفو می‌نمود،
- دنیا و نامایمات آن هرگز رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله را به خشم در نمی‌آورد،
- وقتی فهمید که خدای تعالی چیزی را دشمن دارد، او نیز دشمن می‌داشت، - هیچ وقت دیده نشد در ظمی که به او می‌شد به مقام انتقام درآید، مگر این که محارم خدا هتک شود، که در این صورت خشم می‌کرد، و خشمش هم برای خدای تعالی بود، عفو و غضب، شهامت و حق‌طلبی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله (۷۷)
- هر چیزی را که خدای تعالی حقیر می‌دانست، او نیز تحقیرش می‌کرد،
- اگر غضب می‌کرد (و البته جز برای خدا غضب نمی‌کرد)، هیچ چیز تاب مقاومت در برابر غضبش را نداشت و هم‌چنین در تمام امورش همین‌طور بود،
- رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله دشمنان زیادی داشت، و با این حال در بین آنان تنها و بدون محافظ رفت و آمد می‌کرد،
- هیچ امری از امور دنیا آن جناب را به هول و هراس در نمی‌آورد،
- هرگز مسکینی را برای تهی دستی یا مرضش تحقیر نمی‌کرد،
- از هیچ سلطانی به خاطر سلطنتش نمی‌ترسید، و فقیر و سلطان را به یک جور دعوت به توحید می‌فرمود،
- وقتی که حقی پایمال می‌شد، از شدت خشم کسی او را نمی‌شناخت،
- و از هیچ چیز پروا نداشت، تا آن‌که احقاق حق می‌کرد،
- هر عمل نیکی را تحسین و تقویت می‌کرد، و هر عمل زشتی را تقبیح و توهین می‌نمود،
- (۷۸) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله
- درباره حق کوتاهی و از آن تجاوز نمی‌کرد،
- رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله حق را انفاذ می‌کرد، اگر چه ضررش عاید خودش و یا اصحابش می‌شد،
- اگر موعظه می‌کرد، موعظه‌اش جدی بود، نه به شوخی،
- وقتی هم که به مصیبتی و یا به نامالیمی برمی‌خورد، امر را به خدا واگذار می‌کرد، و از حول و قوه خویش تبری می‌جست، و از خدا راه چاره می‌خواست، - رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله هر وقت جوش کوچکی در بدن خود می‌دید، پناه به خدا می‌برد، و اظهار مسکنت در برابر او می‌نمود، و خود را به او می‌سپرد، خدمتش عرضه داشتند: یا رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله این جوش کوچک که چیز قابل توجهی نیست؟ می‌فرمود: آری ولکن خدای تعالی وقتی بخواهد درد کوچکی را بزرگ نماید، می‌تواند و چنان که اگر بخواهد درد بزرگی را کوچک کند، نیز می‌تواند! (۱)
- ۱- المیزان ج ۱۲، ص ۱۸۵ تا ۲۳۶. روایات اسلامی
- عفو و غضب، شهامت و حق‌طلبی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله (۷۹)

ادب و رفتار رسول الله صلی الله علیه و آله در جامعه

۱- رفتار و ادب رسول الله صلی الله علیه و آله با عامه مردم

- رسول خدا صلی الله علیه و آله به هر کس برمی خورد در سلام از او سبقت می جست،
 - رسول خدا صلی الله علیه و آله با مردم انس می گرفت. و آنان را از خود رمیده نمی کرد،
 - خلق نازینش این قدر نرم بود که به مردم اجازه می داد او را برای خود پدری مهربان بیندارند،
 - همیشه از مردم برحذر بود، و خود را می پائید، و در عین حال بشره و خلق خود را در هم نمی پیچید،
 (۸۱)

- هیچ دیده نشد که در پیش روی کسی که در خدمتش نشسته باشد، پای خود را دراز کند،
 - رسول خدا صلی الله علیه و آله با فقرا می نشست و با مساکین هم غذا می شد،
 - با اشخاص آبرومند الفت می گرفت، به این معنی که به آنها احسان می کرد، - به احدی از مردم جفا نمی نمود، و عذر هر معتذری را می پذیرفت،
 - اگر اذن دخول می گرفت سه بار تکرار می کرد،
 - عادت آن حضرت چنین بود که سه نوبت سلام می کرد، اگر جواب می شنید و اذن می گرفت داخل می شد، و گرنه برمی گشت،

- هر عمل نیکی را تحسین و تقویت می کرد و هر عمل زشتی را تقبیح و نکوهش می نمود،
 - در همه امور میانه رو بود، گاهی افراط و گاهی تفریط نمی کرد،
 - از غفلت مسلمین و انحرافشان ایمن نبود،
 (۸۲) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله
 - حیای رسول الله صلی الله علیه و آله از عروس حجله بیشتر بود، و چنان بود که اگر چیزی را دوست نمی داشت، ما از قیافه اش می فهمیدیم،

- زنان اولاددار یا بی اولاد و حتی بچه‌ها را هم کنیه (لقب) می گذاشت، و بدین وسیله دل آنان را به دست می آورد،
 - هیچ دیده نشد که رسول خدا صلی الله علیه و آله با کسی مصافحه کند و او جلوتر از طرف دست خود را بکشد، بلکه آن قدر دست خود را در دست او نگه می داشت تا طرف دست آن جناب را رها سازد.
 - هیچ دیده نشد که کسی با پرچانگی خود مزاحم آن حضرت شود و او از روی انزجار سکوت کند، بلکه این قدر حوصله به خرج می داد تا طرف ساکت شود،

- رسول خدا صلی الله علیه و آله با اشخاص مطایبه داشت، چیزی که هست، آن جناب در شوخی هایش جز حق نمی گفت،
 - رسول الله صلی الله علیه و آله همواره با اشخاص شوخی می کرد و
 ادب و رفتار رسول الله صلی الله علیه و آله در جامعه (۸۳)

می خواست بدین وسیله آنان را مسرور سازد،
 - رسول خدا صلی الله علیه و آله رسمش این بود که وقتی مردم بچه‌های نورسیده خود را به عنوان تبرک خدمت آن حضرت می آوردند، آن حضرت برای احترام خانواده کودک وی را در دامن خود می نشانند، چه بسا بچه در دامن آن حضرت می شاشید و کسانی که می دیدند ناراحت می شدند و سر و صدا راه می انداختند، آن حضرت نهیشان می زد و می فرمود: هیچ وقت شاش بچه را

قطع مکنید، و بگذارید تا آخر شاش خود را بکند! خلاصه صبر می کرد بچه تا به آخر بول بکند، و آن وقت در حق او دعا می فرمود، و یا برایش اسم می گذاشت. و با این عمل خاندان کودک را بی نهایت مسرور می ساخت، و طوری رفتار می نمود که خانواده کودک احساس نمی کردند که آن جناب از بول بچه شان متأذی شد، تا در پی کار خود می شدند و آن وقت برمی خواست و لباس خود را می شست.

- رسم رسول خدا صلی الله علیه و آله این بود که اگر کسی از مسلمین را سه روز نمی دید

(۸۴) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

جویای حالش می شد، اگر می گفتند سفر کرده است، حضرت دعای خیرش می فرمود، و اگر می گفتند: منزل است، به زیارتش می رفت، و اگر می گفتند: مریض است، عیادتش می فرمود، ۲-X- رفتار و ادب رسول الله صلی الله علیه و آله با اهل فضل و بزرگان قوم :

- رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی با مؤمنین خدا حافظی می فرمود، می گفت: خداوند تقوی را زاد و توشه شما قرار دهد، و به هر خیری مواجعتان سازد، و هر حاجتی را از شما برآورده گرداند، و دین و دنیای شما را سالم و ایمن سازد، و شما را به سلامت و با غنیمت فراوان برگرداند،

- رسول خدا صلی الله علیه و آله با اشخاصی که از مکه می آمدند، می فرمود: خداوند عبادت را قبول و گناهت را بامرزد، و در قبال مخارجی که کردی به تو نفقه روزی کند، - وقتی کسانی را تبریک و تهنیت می داد، می فرمود: «بارک الله لکم و بارک الله علیکم - خداوند برایت مبارک کند و آن را بر تو مستدام بدارد،»

- رسول خدا صلی الله علیه و آله به زنان هم سلام می کرد و آن ها سلامش را جواب می دادند.

ادب و رفتار رسول الله صلی الله علیه و آله در جامعه (۸۵)

۲- رفتار و ادب رسول الله صلی الله علیه و آله با اهل فضل و بزرگان قوم

- رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان اطرافیان خود آن را برگزیده تر و بهتر می دانست که دارای فضیلت بیشتری بود، و برای مسلمین خیرخواه تر،

- در نزد او مقام و منزلت آن کسی بزرگتر بود که مواسات و پشتیبانی اش از مسلمین بهتر بود،

- اهل فضل را به ادب خود ایشار می فرمود،

- کسانی را که دارای فضایل اخلاقی بودند، احترام می کرد،

- هر کس را به مقدار فضیلتی که در دین داشت، احترام می نمود، و حوایجشان را بر طرف می ساخت، چون حوایجشان یکسان نبود، بعضی را یک حاجت بود، و بعضی را بیشتر، رسول خدا صلی الله علیه و آله با ایشان مشغول می شد و ایشان را سرگرم اصلاح نواقصشان می کرد، و از ایشان درباره امورشان پرسش می کرد، و به معارف دینی شان آشنا می ساخت،

- بزرگ هر قومی را احترام می کرد، و تولیت امور قوم را به او وا می گذاشت.

(۸۶) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

۳- رفتار و ادب رسول الله صلی الله علیه و آله با اصحاب خود

- همواره از اصحاب خود تفقد می فرمود، و از مردم حال مردم را می پرسید، - هیچ یک از اصحاب یا دیگران آن جناب را نخواند

مگر این که در جواب می فرمود: «لَبَّيْكَ!»

- گاهی برای سرکشی به اصحاب خود به باغاتشان تشریف می‌برد،

- اصحاب خود را همیشه برای احترام و به دست آوردن دل‌هایشان به کنیه‌هایشان می‌خواند، و اگر کسی هم کنیه نداشت، خودش برای او کنیه می‌گذاشت، مردم هم آن‌ها را به کنیه‌ای که آن جناب برایش گذاشته بود، صدا می‌زدند،
- هیچ انفاق نیفتاد که آن جناب پای خود را در مقابل اصحابش دراز کند.

ادب و رفتار رسول الله صلی الله علیه و آله در جامعه (۸۷)

رسم رسول الله صلی الله علیه و آله در تشییع جنازه مسلمین

- رسول الله صلی الله علیه و آله وقتی جنازه‌ای را مشایعت می‌فرمودند اندوه بر دلش مستولی می‌شد، و بسیار حدیث نفس می‌کرد، و خیلی کم حرف می‌زد،

- وقتی به صاحبان مصیبت تسلیت می‌داد، می‌فرمود: «أَجْرَكُمُ اللَّهُ وَرَحِمَكُم - خداوند اجرتان دهد و شما را رحم کند!»

- رسول الله صلی الله علیه و آله وقتی می‌خواست بعد از دفن جنازه‌ای خاک بر آن بریزد، تنها سه مشت می‌ریخت،

- سنت است که تابوت را از چهار طرفش به دوش بکشند، و اگر بخواهند اطراف دیگرش را هم حمل کنند، مستحب است،

- رسول الله صلی الله علیه و آله نسبت به مرده‌های بنی‌هاشم کارهای مخصوص انجام می‌داد،

(۸۸) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

که نسبت به اموات سایر خانواده‌ها آن کارها را نمی‌کرد، از آن جمله وقتی به جنازه‌ای از بنی‌هاشم نماز می‌خواند و قبرش را آب می‌پاشیدند، دست خود را بر قبر می‌گذاشت، به طوری که انگشتان مبارکش در گل فرو می‌رفت، و اگر غریب یا مسافری از اهل مدینه که داشت به شهر مدینه وارد می‌شد و از قبرستان می‌گذشت و آن قبر تازه و اثر انگشتان را می‌دید، می‌فهمید که صاحب این قبر از بنی‌هاشم است، و لذا می‌پرسید: از آل محمد علیهم السلام چه کسی تازه از دنیا رفته است؟ (۱)

۱- المیزان ج ۱۲، ص ۱۸۵ تا ۲۳۶. روایات اسلامی

رسم رسول الله صلی الله علیه و آله در تشییع جنازه مسلمین (۸۹)

(۹۰)

فصل ششم: منطق و بیان، و مجلس رسول الله صلی الله علیه و آله

سخن گفتن و سکوت کردن رسول الله صلی الله علیه و آله

۱- تکلم، و طرز بیان رسول الله صلی الله علیه و آله

- رسول الله صلی الله علیه و آله دائما با غصه‌ها قرین، و همیشه در فکر بود، و یک لحظه راحتی نداشت. آن حضرت بسیار کم حرف بود، جز در مواقع ضرورت تکلم نمی‌فرمود، - وقتی تکلم می‌کرد چیزی شبیه نور از بین ثنایای آن حضرت بیرون می‌جست، - رسول خدا صلی الله علیه و آله هر وقت حرف می‌زد، در حرف زدنش تبسم می‌کرد، - وقتی حرف می‌زد، کلام را از اول تا آخر با تمام فضای دهان بیان می‌کرد، (بسیار فصیح بود).

(۹۱)

- در سخن گفتن بین جملات فاصله می‌داد تا اگر کسی بخواهد سخنانش را حفظ کند، فرصت داشته باشد،

- جوهره صدایش بلند، و از تمامی مردم خوش نغمه‌تر بود،

- وقتی تکلم می‌فرمود، در کلام خود تکرار نداشت، - کلامش همه روشن بود، به طوری که هر شنونده‌ای آن را می‌فهمید،

- کلامش همه کوتاه، جامع، خالی از زواید، و وافی به مقصود بود، گوئی اجزای آن‌ها تابع یکدیگرند،
 - نه کسی را با کلام خود می‌آزرد، و نه به کسی در کلامش اهانت می‌کرد. - هیچ وقت با کسی مطالبی را که خوش آیند آن کس نبود، در میان نمی‌گذاشت، - اگر موعظه می‌کرد، موعظه‌اش جدی بود، نه به شوخی،
 - خطبه‌اش از همه خطبه‌ها کوتاه‌تر و از هذیان دور بود،
 - وقتی سخن می‌گفت، انگشت ابهام دست چپ را به کف دست راست می‌زد.
- (۹۲) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

۲ - سکوت و دلایل سکوت رسول الله صلی الله علیه و آله

- سکوت رسول الله صلی الله علیه و آله بر چهار گونه بود:
 - ۱ - حلم - ۲ - حذر - ۳ - تقدیر - ۴ - تفکر
- ۱ - سکوت از حلم و صبر:
 - سکوت از حلم و صبر این بود که هیچ چیز آن حضرت را به خشم در نمی‌آورد، و از جای نمی‌کند!
 - ۲ - سکوت از حذر:
 - سکوت آن حضرت از حذر در چهار مورد بود:
 - اول - در جائی که می‌خواست وجهه نیکو و پسندیده کار را پیدا کند تا مردم نیز در آن کار به‌وی اقتداء کنند،
 - دوم - در جائی که حرف زدن قبیح بود و می‌خواست به طرف یاد بدهد تا او سخن گفتن و سکوت کردن رسول الله صلی الله علیه و آله (۹۳)
 - نیز از آن خودداری کند،
 - سوم - در جائی که می‌خواست درباره اصلاح امتش مطالعه و فکر کند،
 - چهارم - در مواردی که می‌خواست دست به کاری زند که خیز دنیا و آخرتش در آن باشد!

۳ - سکوت از تقدیر

- سکوتش از تقدیر این بود که می‌خواست همه مردم را به یک چشم ببیند، و به گفتار همه به یک نحو استماع فرماید!

۴ - سکوت از تفکر

- سکوتش از تفکر عبارت بود از تفکر در این که چه چیزی باقی است و چه چیزی فانی!
- (۹۴) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

مجالس رسول الله صلی الله علیه و آله

۱ - وضعیت مجالس رسول الله صلی الله علیه و آله

- رسول الله صلی الله علیه و آله هیچ نشست و برخاست نمی‌کرد، مگر با ذکر خدا،
- در هیچ مجلسی جای مخصوصی برای خود انتخاب نمی‌کرد،

- از صدرنشینی نهی می‌فرمود،
- در مجالس هر جا که خالی بود می‌نشست و اصحاب را هم دستور می‌داد که چنان کنند،
- همه در نزد او در حق مساوی بودند،
- در مجلس، حق همه جلسا را ادا می‌کرد، به طوری که احدی از جلسایش احساس نمی‌کرد که او از دیگران در نزد آن حضرت محترم‌تر است، - هر کسی که شرفیاب حضورش می‌شد، این قدر صبر می‌کرد تا مجالس رسول الله صلی الله علیه و آله (۹۵) خود او برخیزد و برود،
- هر کسی حاجتی از او طلب می‌کرد، بر نمی‌گشت مگر این که حاجت خود را گرفته بود، یا با بیانی قانع و دلخوش شده بود،
- مردم برای درک فیض و طلب علم شرفیاب حضورش می‌شدند، و بیرون نمی‌رفتند مگر این که دل‌هایشان سرشار از علم و معرفت و خود از راهنمایان و ادله راه حق شده بودند،
- هر خبری را که می‌داد، دنبالش می‌فرمود: حاضرین آن را به غایبین برسانند، - و نیز می‌فرمود: حاجت کسانی را که به من دسترسی ندارند، به من ابلاغ کنید، و بدانید که هر کس حاجت اشخاص ناتوان و بی‌رابطه با سلطان را نزد سلطان برد، و آن را برآورده سازد، خدای تعالی قدم‌هایش را در روز قیامت ثابت و استوار می‌گرداند،
- (۹۶) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله
- مجلسش مجلس حلم و حیا و راستی و امانت بود،
- در مجلس او آوازا بلند نمی‌شد، و نوامیس مردم هتک نمی‌گشت، - اهل علم و اصحاب حدیث در حضورش نزاع نمی‌کردند،
- اگر احیانا از کسی لغزشی سر می‌زد، آن جناب طوری تأدیبش می‌فرمود که برای همیشه مراقب می‌شد تا تکرار نکند،
- جلسایش همه با هم متعادل بودند و می‌کوشیدند که با تقوا مواصلت یکدیگر کنند. و با یکدیگر متواضع بودند. و بزرگتران را احترام نموده، و به کوچکتران مهربان بودند، و صاحبان حاجت را بر خود مقدم می‌شمردند، و غریب‌ها را حفاظت می‌کردند،
- هر دانشمندی که موفق به درک حضورش شد، این معنا را گفت که من به چشم خود، احدی را نه قبل از او، و نه بعد از او، نظیر او ندیدم!
- مجالس رسول الله صلی الله علیه و آله (۹۷)

۲- برخورد رسول الله صلی الله علیه و آله در جلسات

- آن حضرت در جلساتش دائما خوشرو و نرم‌خو بود،
- خشن و درشتخو، داد و فریاد کن، فحاش و عیبجو، و هم‌چنین مداح نبود، - به هر چیزی که میل و رغبت نداشت، بی میلی خود را در قیافه خود نشان نمی‌داد، لذا اشخاص از پیشنهاد آن مأیوس نبودند،
- امیدواران را ناامید نمی‌کرد،
- خود را از سه چیز پرهیز می‌داد:
- ۱- مراء و مجادله،
- ۲- پر حرفی،
- ۳- گفتن حرف‌های به درد نخور،
- نسبت به مردم نیز از سه چیز پرهیز می‌کرد،

(۹۸) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

- ۱- هرگز احدی را مذمت و سرزنش نمی کرد،
- ۲- هرگز لغزش و عیب‌ها را جستجو نمی کرد،
- ۳- هیچ وقت حرف نمی زد، مگر در جایی که امید ثواب در آن می داشت،
- وقتی تکلم می فرمود، جلسایش سرها را به زیر می انداختند، گوئی مرگ بر سر آنها سایه افکنده است، وقتی ساکت می شد، آنها تکلم می کردند، و در حضور او نزاع و مشاجره نمی کردند،
- اگر کسی تکلم می کرد دیگران سکوت می کردند، تا کلامش پایان پذیرد،
- تکلمشان در حضور آن جناب به نوبت بود،
- اگر جلسایش از چیزی به خنده می افتادند، آن جناب نیز می خندید، اگر از چیزی تعجب می کردند، او نیز تعجب خود را نشان می داد،
- اگر ناشناسی از آن جناب چیزی می خواست، و در درخواستش اسائه مجالس رسول الله صلی الله علیه و آله (۹۹)

ادب و جفائی می کرد، آن جناب تحمل می نمود، به حدی که اصحابش در صدد رفع مزاحمت او بر می آمدند، و آن حضرت می فرمود: همیشه صاحبان حاجت را معاونت و یاری کنید!

- هرگز ثنای کسی را نمی پذیرفت مگر این که به وی احسانی کرده باشد، - کلام احدی را قطع نمی کرد، مگر این که می دید از حد مشروع تجاوز می کند، که در این صورت کلامش را قطع می کرد، یا به نهی و بازداریش از تجاوز یا به برخاست از مجلس!

(۱)

۱- المیزان ج: ۱۲، ص: ۱۸۵ تا ۲۳۶. روایات اسلامی (۱۰۰) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

فصل هفتم: عبادات رسول الله صلی الله علیه و آله

طهارت رسول الله صلی الله علیه و آله

۱- طرز وضو گرفتن رسول الله صلی الله علیه و آله

حضرت ابی جعفر علیه السلام فرمود:

- آیا نمی خواهید وضوی رسول الله صلی الله علیه و آله را برایتان حکایت کنم؟ پس دستور داد قدح کوچک و ضخیمی که مقدار کمی آب در آن بود، آوردند و آن را جلوی خود گذاشت، و دو آستین خود را بالا زد و دست راست خود را در آن فرو برد، و سپس فرمود - البته این وقتی است که دست پاک باشد! - آن گاه آن دست را پر از آب کرد، و بر پیشانی خود ریخت و گفت: «بِسْمِ اللَّهِ» و آن آب

(۱۰۱)

را به اطراف محاسن خود جریان داد و بعدا یک مرتبه دست خود را به صورت و پیشانی خود کشید.

سپس دست چپ را در آب فرو برده و به پری آن آب به آرنج دست راست خود ریخت و کف دست چپ را به ساعد دست راست کشید به طوری که آب تا نوک انگشتان آن جریان یافت.

آن‌گاه با دست راست کفی از آب پر کرده و به آرنج چپ ریخت و آن را با کف دست راست به ساعد و سرانگشتان دست چپ مرور داد.

جلوی سر و پشت پا را با تری دست راست و بقیه تری دست چپ مسح کرد. ابو جعفر علیه السلام فرمود: خدا تک است و تک را دوست می‌دارد، از این جهت در وضو هم سه مشت آب بس است: یکی برای صورت، و دو تا برای دو ذراع، و با رطوبت دست راست جلوی سرت را، و با بقیه آن پشت پای راست را مسح می‌کنی، و با رطوبت دست چپ پشت پای چپ را!

(۱۰۲) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

ابو جعفر علیه السلام فرمود: مردی از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسید؟

- وضوی رسول الله صلی الله علیه و آله چگونه بود؟

آن حضرت همین‌طور که من برای شما حکایت کردم برای آن شخص حکایت کرد.

- رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی وضو می‌گرفت در همه جای وضو، اول سمت راست را می‌شست،

- رسول خدا صلی الله علیه و آله با یک مد آب (تقریباً یک چارک من تبریز) وضو می‌گرفت، و با یک صاع (تقریباً یک من تبریز) غسل می‌کرد،

- رسول خدا صلی الله علیه و آله برای هر نمازی وضویی می‌گرفت، تا آن‌که سال فتح مکه فرا رسید و از آن به بعد برای خواندن چند نماز به یک وضو اکتفاء کرد. عمر پرسید: یا رسول الله! می‌بینم کاری کردی که تا کنون نکرده بودی؟ فرمود: متوجه هستم و عمداً چنین می‌کنم!

- مضمضه کردن (قبل از وضو آب در دهان گرداندن)، و استنشاق کردن (آب در بینی کشیدن)، از چیزهایی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را سنت قرار داده است.

طهارت رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۰۳)

۲- طرز غسل کردن رسول الله صلی الله علیه و آله

حسن بن محمد از جابر بن عبد الله درباره چگونگی غسل رسول الله صلی الله علیه و آله پرسید، جابر گفت:

- رسول خدا صلی الله علیه و آله با مشت سه مرتبه آب به سر خود می‌ریخت،

حسن بن محمد گفت:

- موی من همین‌طور که می‌بینی زیاد و انبوه است؟! جابر گفت:

- این حرف را نزن! برای این که موی رسول الله صلی الله علیه و آله از موی تو پر پشت‌تر و پاکیزه‌تر بود!

- رسول خدا صلی الله علیه و آله با یک صاع آب غسل می‌کرد، - و اگر با او یکی از زنانش بود، با یک صاع و یک مد غسل می‌کردند،

امام صادق علیه السلام فرمود:

- غسل جمعه سنتی است که بر مرد و زن، و در خانه و سفر، واجب است... غسل جمعه پاکیزگی بدن و هم کفاره گناهان بین دو جمعه است! علت غسل جمعه این بود که انصار در ایام هفته به کار شتران و رسیدگی به

(۱۰۴) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

سایر اموال خود سرگرم بودند، جمعه که می‌شد با همان بدن کثیف خود به مسجد می‌آمدند، و رسول الله صلی الله علیه و آله از بوی

گند زیر بغل‌های ایشان متأذی می‌شد، از این رو دستور فرمودند که روز جمعه همگی غسل کنند، و این خود باعث شد که غسل جمعه سنت شود.

– از جمله سنت‌های آن حضرت در غسل، غسل روز عید فطر و غسل در جمیع اعیاد و غسل‌های دیگر بسیار است.

نماز رسول الله صلی الله علیه و آله

۱ – تعداد، و اوقات نمازهای رسول الله صلی الله علیه و آله

- رسول الله صلی الله علیه و آله تعداد ۵۰ رکعت در روز و شب نماز می‌خواند، به شرح زیر: ۱ – هشت رکعت نماز نافله ظهر،
- ۲ – چهار رکعت نماز ظهر،
- ۳ – هشت رکعت نافله عصر،
- نماز رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۰۵)
- ۴ – چهار رکعت نماز عصر،
- ۵ – سه رکعت نماز مغرب،
- ۶ – چهار رکعت نافله مغرب،
- ۷ – چهار رکعت نماز عشاء،
- ۸ – هشت رکعت نماز نافله شب،
- ۹ – سه رکعت نماز شفع و وتر،
- ۱۰ – دو رکعت نماز نافله فجر،
- ۱۱ – دو رکعت نماز صبح!

(راوی گوید: من به امام صادق علیه السلام عرض کردم:)

– فدایت شوم! اگر من بتوانم بیشتر از این‌ها نماز بخوانم، خداوند تعالی مرا به خواندن نماز زیاد عذاب می‌کند؟
فرمود: نه! ولکن تو را عذاب می‌کند به ترک سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله
(۱۰۶) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

(از روایت فوق استفاده می‌شود: دو رکعت نماز نشسته بعد از عشاء «عَتَمَةُ» جزو پنجاه رکعت نماز یومیه نیست، بلکه متمم آن است، و برای این است که با آن – بنابر این که دو رکعت نشسته یک رکعت ایستاده حساب می‌شود – عدد نمازها به ۵۱ برسد. و نیز برای این تشریح شده که بدل از نماز یک رکعتی «وَتْر» باشد! بدین معنی که اگر کسی ده رکعت نافله شب را بخواند و مرگ مهلتش نداد که یک رکعت نماز «وَتْر» را بخواند، این دو رکعت نشسته «عَتَمَةُ» به جای آن حساب شود!)

حضرت ابی عبدالله علیه السلام فرمود:

– کسی که ایمان به خدا و روز جزا دارد هرگز نماز «وَتْر» نخوانده نخواهد!
(ابی بصیر می‌گوید، عرض کردم:)

– مقصود شما از «وَتْر» همان دو رکعت نشسته بعد از عشاء است؟ فرمود:

– آری! این دو رکعت، یک رکعت حساب می‌شود، و اگر کسی آن را بخواند و در آن شب مرگ او را از خواندن نماز «وَتْر» باز دارد، مثل کسی می‌ماند که

نماز رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۰۷)

«وَتَر» را خوانده باشد، و اگر هم نمرد که آخر شب برخاسته و «وَتَر» را می‌خواند! عرض کردم:

- آیا رسول الله صلی الله علیه و آله هم این دو رکعت نماز را خواند؟ فرمود:

- نه! برای این که به رسول الله صلی الله علیه و آله وحی می‌آمد، و می‌دانست که آیا امشب می‌میرد، یا نه، و این دیگران هستند که

چنین علمی ندارند، از همین جهت بود که خودش نخواند و به دیگران دستور داد تا بخوانند....

(ممکن است مقصود امام علیه السلام از این که فرمود رسول الله صلی الله علیه و آله این دو رکعت نماز را نخواند، این باشد که

آن حضرت به طور دائمی این نماز را نمی‌خواند، بلکه گاهی می‌خواند و گاهی نمی‌خواند، کما این که از بعضی از احادیث

دیگر این معنا استفاده می‌شود.)

- رسول خدا صلی الله علیه و آله هیچ روزی تا ظهر نمی‌شد نمازی نمی‌خواند،

- وقتی که ظهر می‌شد و به قدر نصف انگشت سایه می‌گشت، هشت رکعت می‌خواند،

- وقتی سایه به قدر یک ذراع می‌شد نماز ظهر را می‌خواند،

(۱۰۸) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

- بعد از نماز ظهر هم دو رکعت،

- و قبل از نماز عصر دو رکعت می‌خواند، (در این روایت تمامی نافله عصر را ذکر نکرده!)

- تا آن که سایه به قدر دو ذراع می‌شد آن وقت نماز عصر را به جای می‌آورد، - وقتی آفتاب غروب می‌کرد نماز مغرب را

می‌خواند، - و بعد از زوال سرخی شفق عشاء را می‌خواند، (می‌فرمود: وقت عشاء تا ثلث شب امتداد دارد!)

- بعد از عشاء نماز دیگری نمی‌خواند تا شب به نصف می‌رسید، آن گاه برخاسته و سیزده رکعت نماز می‌خواند، که

سیزدهمی آن نماز وتر بود و دو رکعت از آن نافله صبح،

- وقتی فجر طالع و هوا روشن می‌گشت، نماز صبح را می‌خواند!

- رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب‌هائی که باران می‌بارید، نماز مغرب را مختصر می‌خواند و

نماز رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۰۹)

در خواندن عشاء هم عجله می‌کرد، و آن را زودتر از وقت فضیلتش یعنی با مغرب می‌خواند، و می‌فرمود: - کسی که به مردم رحم

نکند، در حقش رحم نمی‌کنند! - رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسافرت‌ها گاهی که با شتاب راه می‌پیمود، نماز مغرب را تأخیر

می‌انداخت و آن را با عشاء می‌خواند،

- رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی که در سفر بود، و هم‌چنین در مواقعی که کار فوتی داشت، ظهر و عصر را با هم می‌خواند، و

هم‌چنین بین مغرب و عشاء فاصله نمی‌انداخت، - بسیار می‌شد که مؤذن در گرمای ظهر می‌آمد دنبال رسول الله صلی الله علیه و آله و

حضرت می‌فرمود: «اِبرِد! اِبرِد! بگذار هوا خنک شود!»

۲ - کیفیت نماز خواندن رسول الله صلی الله علیه و آله

- رسول خدا صلی الله علیه و آله موقع خواب، ظرف آب را روپوشیده بالای سر خود می‌گذاشت، و مسواک خود را هم زیر

رختخواب خود قرار می‌داد، و می‌خوابید، تا چندی که خدا بخواهد، و وقتی از خواب بیدار می‌شد، می‌نشست، و نظری به آسمان

(۱۱۰) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

می‌افکنند و آیاتی را که در سوره آل عمران است - «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ...» (۱۹۰ / آل عمران) می‌خواند، و سپس

دندان‌ها را مسواک می‌کرد، و تطهیر می‌نمود. و به مسح می‌رفت، و چهار رکعت نماز می‌خواند، که رکوع هر رکعتش به اندازه قرائت آن، و سجودش به قدر رکوع آن طول می‌کشید، به حدی طولانی بود که گفته می‌شد چه وقت سر برمی‌دارد؟ - آن‌گاه به بستر خود برمی‌گشت و تا خدا می‌خواست می‌خوابید، سپس بیدار می‌شد و می‌نشست، و همان آیات را تلاوت می‌کرد، و چشم به آسمان می‌انداخت و آن‌گاه مسواک می‌زد و تطهیر می‌نمود و به مسجد می‌رفت و باز هم مثل بار اول چهار رکعت نماز می‌گذاشت.

- مجدداً به بستر خود مراجعت می‌کرد، و مقداری می‌خوابید، و سپس بیدار می‌شد، و نگاهی به آسمان می‌انداخت، و همان آیات را تلاوت می‌فرمود. و باز مسواک و تطهیر را انجام می‌داد و به مسجد تشریف می‌برد، و یک رکعت نماز وتر و دو رکعت دیگر را می‌خواند و برای نماز صبح بیرون می‌شد.

نماز رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۱۱)

- رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی به نماز می‌ایستاد، از ترس خدا رنگش می‌پرید، و از اندرون دل و قفسه سینه‌اش صدائی نظیر صدای اشخاص خائف و وحشت زده شنیده می‌شد.

- رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی نماز می‌خواند، پارچه‌ای را می‌ماند که در گوشه‌ای افتاده باشد.

- (عایشه گفته است:) رسول خدا صلی الله علیه و آله برای ما و ما برای او سخن می‌گفتیم، همین که موقع نماز می‌شد، حالتی به خود می‌گرفت که گوئی نه او ما را می‌شناسد و نه ما او را می‌شناسیم.

- امیرالمؤمنین علی علیه السلام وقتی که محمد ابوبکر را ولایت مصر داد، دستورالعملی به او مرحمت نمود، و در ضمن آن فرمود: مواظب رکوع و سجود خودت باش، زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله از همه مردم نمازش کامل‌تر و در عین حال عملیاتش در نماز از همه سبک‌تر و کمتر بود!

- هر وقت دهن دره و کش واکش رسول خدا صلی الله علیه و آله را می‌گرفت، آن حضرت آن را با

(۱۱۲) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

دست راست خود رد می‌کرد.

- رسول خدا صلی الله علیه و آله همیشه صفوف نماز ما را منظم می‌فرمود، به طوری که اگر تیری رها می‌شد، فاصله همه از آن تیر یکسان بود، تا این که رفته رفته برای همه عادت شد، اتفاقاً روزی به مسجد تشریف آورد و به نماز ایستاد و خواست تا تکبیر الاحرام را بگوید، متوجه شد که مردی سینه‌اش جلوتر از سایرین است، فرمود:

«بندگان خدا! صفوف خود را منظم کنید، و گرنه میان شما اختلاف خواهد افتاد!»

- رسول خدا صلی الله علیه و آله دست به شانه‌های ما می‌گذاشت و ما را پس و پیش می‌کرد و می‌فرمود: «منظم بایستید» و گرنه در ایستادن اختلاف داشته باشید، «دلهایتان هم مختلف خواهد شد!»

رسول خدا صلی الله علیه و آله در حین نماز، هیچ کس به خدمتش نمی‌آمد و نمی‌نشست مگر این که برای خاطر او نماز را کوتاه می‌کرد و متوجه او می‌شد و می‌فرمود: آیا حاجتی داری؟ پس از آن که حاجت او را برمی‌آورد، مجدداً به نماز می‌ایستاد.

نماز رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۱۳)

۳- نوافل رسول الله صلی الله علیه و آله

- رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز مستحبی را مثل نماز واجب، و روزه مستحبی را مثل روزه واجب به جا می‌آورد.

- رسول خدا صلی الله علیه و آله نافله صبح را در اول فجر، سبک و مختصر می‌خواند، و برای نماز صبح بیرون می‌رفت.

- رسول خدا صلی الله علیه و آله هر وقت ماه رمضان می شد، نماز خود را بیشتر می کرد. (مقصود از این بیشتر کردن همان خواندن نماز هزار رکعتی «تراویح» است، و این نماز نافله ماه رمضان، غیر از پنجاه رکعت نافله‌های یومیه است، در کیفیت تقسیم کردن این هزار رکعت نماز بر شب‌های رمضان اخبار زیادی وارد شده است.) - از طریق امامان اهل بیت علیه السلام وارد شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله این نمازها را بدون جماعت می خواند، و از خواندن آن به جماعت نهی می کرد، و می فرمود: «در نافله جماعت نیست!»

(۱۱۴) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

۴ - دعای قنوت‌ها و ذکرهای رسول الله صلی الله علیه و آله

رسول خدا صلی الله علیه و آله در قنوت نماز «وتر» خود می گفت:

«اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ، وَ عَافِنِي فِيمَنْ عَافَيْتَ! وَ تَوَلَّنِي فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ، وَ بَارِكْ لِي فِيمَا أَعْطَيْتَ! وَ قِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ! إِنَّكَ تَقْضِي وَ لَا يُقْضَى عَلَيْكَ! سُبْحَانَكَ رَبَّ الْعَالَمِينَ! أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ وَ أُوْمِنُ بِكَ وَ أَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ! وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ... يَا رَحِيمُ!»

- «پروردگارا! ما را با آنان که هدایتشان کردی، هدایت فرما! و با آنان که عافیتشان دادی، عافیت ده! و با آنان که امورشان را خودت به دست گرفتی، امور مرا هم عهده‌دار شو! و در آنچه مرا داده‌ای برکت قرار ده! و مرا از شر قضا و قدری که گذرانندی نگهدار! چون توئی که قضاء به دست توست، و توئی که حکم می کنی، و کسی نیست که علیه تو حکم کند! منزه‌ی تو، ای

نماز رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۱۵)

پروردگارا خانه (بیت!) از تو طلب مغفرت می کنم! و به تو رجوع می کنم! و به تو ایمان می آورم! و به تو توکل می کنم! و حول و قوه‌ای نیست، مگر از ناحیه تو، ای خدای مهربان!»

حضرت ابی عبدالله علیه السلام فرمود:

- هر کس در نماز وترش هفتاد مرتبه بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ!» و بر این کار تا یکسال مداومت و مواظبت داشته باشد، خدای تعالی اسمش را در زمره کسانی می نویسد که در سحرها طلب مغفرت می کردند. رسول خدا صلی الله علیه و آله هم همین طور در نماز وتر خود هفتاد بار استغفار می کرد، و هفت بار می گفت: «هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ - این موقف کسی است که از آتش دوزخ پناهنده تو شده است!»

وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله را به معراج بردند و در آنجا نماز گذاشت و ذکر گفت و از

(۱۱۶) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

عظمت خداوند دید آنچه را که دید، بندهای بدنش مرتعش شد و بدون اختیار به حالت رکوع درآمد و در آن حال گفت:

«سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ!»

وقتی که از آن حالت برخاست، نظرش به خدای خود در مکان بالاتری که از آن بلندتر تصور نمی شود. افتاد و بدون اختیار صورت خود را به خاک نهاد و گفت:

«سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ!»

و هم چنین تکرار می کرد تا پس از گفتن هفت مرتبه قدری از آن رعبی که دلش را پر کرده بود، کاسته گردید. از این جهت در امتش هم این دو ذکر سنت شد!

نماز رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۱۷)

روزه و اعتکاف رسول الله صلی الله علیه و آله

۱ - روزه‌های رسول الله صلی الله علیه و آله در ایام مخصوص

- رسول خدا صلی الله علیه و آله یک مرتبه این قدر زیاد روزه می گرفت که می گفتند: دیگر افطار نمی کند! و یک مرتبه این قدر پشت سر هم افطار می کرد که می گفتند دیگر روزه نمی گیرد!

- بعضی اوقات هم یک روز روزه می گرفت، و یک روز افطار می کرد. - بعضی اوقات تنها روزهای دوشنبه و پنجشنبه را روزه می گرفت، تا آن که به این جا رسید که در هر ماه تنها سه روز - پنجشنبه اول ماه، چهارشنبه وسط ماه، و پنجشنبه آخر ماه - را روزه می گرفت و می فرمود: اگر کسی چنین کند، مثل این است که تمام عمرش روزه باشد.

- (امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم بارها می فرمود که هیچ کسی نزد خدا دشمن تر و مغبوض تر از کسی نست که وقتی به او می گویند: رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین و

(۱۱۸) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

چنان می کرد - مثلاً زیاد روزه نمی گرفت - و تو چرا این قدر روزه می گیری و نماز می خوانی در جواب بگوید: خدا مرا به خواندن نماز زیاد و گرفتن روزه بسیار عذاب نخواهد کرد، زیرا معنی این حرف این است که رسول خدا صلی الله علیه و آله بیش از آن نمی توانسته عبادت کند!)

- رسول خدا صلی الله علیه و آله در اوایل بعثت روزه گرفتنش این طور بود که یک مدت این قدر پی در پی روزه می داشت که می گفتند، هیچ روزی را بدون روزه به سر نمی برد، و مدتی دیگر این قدر پی در پی بی روزه می بود که گفته می شد: روزه نمی گیرد! - آن گاه این رویه را ترک کردند و مدتی یک روز در میان روزه می گرفتند کما این که روزه حضرت داود علیه السلام هم همین طور بوده است.

- پس از مدتی این را نیز ترک کرد، و مدتی همان ایام البیض هر ماه را روزه می گرفت، نهایتاً این را نیز ترک کرده و سه روزی را که در ایام البیض روزه می گرفت، در دهه‌های ماه تقسیم کرد، یکی را در پنجشنبه دهه اول، یکی را در چهارشنبه دهه دوم، و یک را در پنجشنبه دهه سوم می گرفت، و

روزه و اعتکاف رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۱۹)

تا زنده بود این رویه را داشت.

- رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رحلت فرمود، در حالی که رویه‌اش در روزه داشتن این بود که ماه شعبان و رمضان و سه روز از هر ماه را روزه می گرفت. - (از سماعه نقل شده که از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا رسول الله صلی الله علیه و آله ماه شعبان را هم روزه می گرفت؟ فرمود: آری، ولكن همه آن را روزه نگرفت....

۲ - آداب رسول الله صلی الله علیه و آله در ماه رمضان

- رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی که ماه رمضان فرا می رسید، تمامی اسیران جنگی را آزاد و به تمام سائل‌ها عطیه می داد، رسول خدا صلی الله علیه و آله در دهه آخر ماه رمضان بکلی لحاف و تشک خود را جمع می کرد، و همه را به عبادت می پرداخت،

- و در شب بیست و سوم اهل خانه خود را بیدار می کرد و در آن شب به روی خوابیده‌ها آب می پاشید، تا خواب از سرشان برود،

(۱۲۰) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

- و هم‌چنین حضرت فاطمه زهرا علیها السلام احدی از اهل خانه خود را اجازه نمی‌داد که در آن شب بخوابند، و برای این که خوابشان نبرد، غذای کمتری به آنان می‌داد، و از روز خود را برای شب زنده داری آن شب آماده می‌کرد، و می‌فرمود: محروم است کسی که از خیرات امشب استفاده نکند!

۳ - اعتکاف‌های رسول الله صلی الله علیه و آله در ماه رمضان

- رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی که دهه آخر ماه رمضان می‌شد، در مسجد اعتکاف می‌کرد، برایش خیمه موئی می‌زدند، و در آن ایام لحاف و بسترش را برمی‌چیدند، بعضی از اصحابش گفته‌اند که از زنان هم کناره می‌گرفت، و لکن امام صادق علیه السلام فرمود: این حرف صحیح نیست، و از زنان کناره‌گیری نمی‌کرد، (مقصود از کناره‌گیری آمیزش و معاشرت با آنان است، نه جماع).

- رسول خدا صلی الله علیه و آله در ماه رمضان، در دهه اول معتکف شد، سال بعد، از دهه دوم اعتکاف کرد، ولی پس از آن همیشه در دهه سوم اعتکاف می‌کرد،
روزه و اعتکاف رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۲۱)
- جنگ بدر در ماه رمضان اتفاق افتاد، در آن سال رسول الله صلی الله علیه و آله اعتکاف نکرد، سال بعد که شد آن جناب دو دهه اعتکاف کرد، یکی برای همان سال و یکی هم قضاء اعتکاف سال پیش.

۴ - روزه وصال مخصوص رسول الله صلی الله علیه و آله

رسول الله صلی الله علیه و آله در امر روزه سنت‌هایی هم مخصوص به خود داشت، از آن جمله روزه وصال است که عبارت است از روزه بیشتر از یکروز، به طوری که در میان آن‌ها افطار نشود. رسول خدا صلی الله علیه و آله خودش چنین روزه‌ای داشت، و لکن امت را از آن نهی می‌کرد، و می‌فرمود: شما طاقت آن را ندارید، و اگر می‌بینید که من روزه وصال می‌گیرم و چند روز پیایی بدون افطار و سحری به سر می‌برم برای این است که خدای تعالی مرا از غذاهای آسمانی خود سیر و از شراب‌های بهشتی‌اش سیراب می‌سازد!

(۱۲۲) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

۵ - افطارهای رسول الله صلی الله علیه و آله

- غذای رسول الله صلی الله علیه و آله شربت‌ی بود که در افطار می‌آشامید، و شربت‌ی بود که در سحر می‌خورد، و خیلی اوقات این شربت عبارت بود از - شیر، و خیلی از اوقات مقداری آب بود که در آن نان را حل کرده بودند....
- رسول خدا صلی الله علیه و آله در روزهایی که روزه می‌گرفت، اولین چیزی که با آن افطار می‌فرمود، خرما یا تازه و یا خرما خشک بود،

- رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی روزه می‌گرفت، و برای افطار به شیرینی دست نمی‌یافت با آب افطار می‌کرد، و در بعضی روایات دارد که با کشمش افطار می‌فرمود، - از آل محمد علیه السلام روایت کرده‌اند: مستحب است این که روزه‌دار سحری بخورد ولو به یک شربت آب، و روایت شده بهترین سحری‌ها خرما و قاووت است، زیرا پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در سحر آن دو را استعمال می‌فرمود،

- رسول خدا صلی الله علیه و آله بیشتر اوقات، و از هر غذائی بیشتر، هریسه (گندم پخته)

روزه و اعتکاف رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۲۳)

را، مخصوصاً در سحرها میل می فرمود،

- سنت در افطار عید قربان این است که بعد از نماز انجام شود، و در عید فطر قبل از نماز!

قرآن خواندن رسول الله صلی الله علیه و آله

- رسول خدا صلی الله علیه و آله را هیچ امری از تلاوت قرآن باز نمی داشت، مگر جنابت، - رسول خدا صلی الله علیه و آله قرائت خود را آیه آیه وقف می کرد،

- رسول خدا صلی الله علیه و آله از رختخواب بر نمی خاست مگر این که مسبّحات را تلاوت می کرد، و می فرمود: در این چند سوره آیه ای است که فضلش از هزار آیه بیشتر است، پرسیدند: مسبّحات کدامند!

- فرمود: سوره حدید، سوره حشر، سوره صف، سوره جمعه، و سوره تغابن! - رسول خدا صلی الله علیه و آله هیچ وقت نیم خوابید، مگر این که سوره تبارک، و الف لام میم تنزیل، را می خواند،

(۱۲۴) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

- وقتی آیه «وَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا!» (۴۵ / انفال) نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله مشغول به ذکر خدا گشت تا جائی که کفار می گفتند: این مرد جنّی شده است.

- رسول خدا صلی الله علیه و آله سوره «سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» (۱ / اعلی) را دوست می داشت و اولین کسی که گفت «سُبْحَانَ رَبِّي الْأَعْلَى» همانا میکائیل بود،

- رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: سوره هود مرا پیر کرد! (البته مقصود آن جناب آیه «فَأَسْبَغَ بِمِائِمَتِهِ الْأَيْمَنِ الْيُسْخَرُونَ» / هود است،)

- از ابن مسعود روایت شده که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا دستور دادند که مقداری از قرآن را بخوانم، و من چند آیه ای از سوره یونس را برایش تلاوت کردم، تا آن که رسید به جمله «وَرُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلِيَهُمْ الْحَقُّ...!» (۳۰ / یونس) دیدم اشک در دوچشمان نازنینش حلقه زد! (۱)

۱- المیزان ج ۱۲، ص ۲۲۲ تا ۲۳۶. روایات اسلامی

قرآن خواندن رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۲۵)

(۱۲۶)

فصل هشتم: رسالت پیامبر خاتم

یک پیامبر برای تمام ادیان

«لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى...»

(۱ تا ۵ / بینه)

این سوره رسالت حضرت محمد بن عبدالله خاتم النبیین صلی الله علیه و آله را برای عوام از اهل کتاب و مشرکین مسجل می کند، و به عبارتی ساده تر، برای عموم اهل ملت و غیر اهل ملت، و باز ساده تر بگوئیم: برای عموم بشر، تسجیل می کند، و می فهماند آن جناب از ناحیه خدا به سوی عموم بشر گسیل شده است، و این عمومیت رسالت آن جناب

(۱۲۷)

مقتضای سنت الهیه، یعنی سنت هدایت است، همان سنتی که آیات قرآنی بدان اشاره دارد و می‌فرماید:

«إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا!» (۳ / انسان)

«وَأَنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرًا!» (۲۴ / فاطر)

«هیچ امتی نبوده مگر آن که هدایتگری بیم رسان در آن بوده است!»

خدای متعال بر عمومیت دعوت پیامبر گرامی اسلام استدلال فرموده به این که دعوت آن حضرت متضمن صلاح مجتمع انسانی است و عقاید و اعمال افراد و جوامع را صالح می‌سازد:

«به هیچ وجه کفار، چه مشرکین و چه اهل کتاب، رها نخواهند شد، تا آن که حجت نبوت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و حقیقت

دعوتش، و قرآنش بر آنان تمام شود، رسولی که از ناحیه خداست، و صحیفه‌هایی منزله از باطل را بر آنان تلاوت کند،

(۱۲۸) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

صحیفه‌هایی که در آن کتاب‌هایی گرانبها هست! و اگر اهل کتاب دعوت او را نپذیرفتند و از مسلمانان جدا و متفرق گشتند، باری

بعد از تمامیت حجت علیه‌شان، جدا شدند، با این که رسالت این رسول جز این نبود که: به مشرکین و اهل کتاب بفهماند که از

طرف خدا مأمورند که: الله تعالی را به عنوان یگانه معبود، خالصانه پرستند و چیزی را شریک او نسازند و نماز را به پا

دارند و زکات را بدهند و دین قییم همین است!» (۱ تا ۵ / بینه)

آیات این سوره در سیاقی است که به قیام حجت علیه کافران به دعوت اسلامی اشاره می‌کند، چه از اهل کتاب و چه مشرکین،

و نیز علیه عده‌ای از اهل کتاب که بعد از آمدن حجت به خاطر اختلاف‌های ناشی از متیّت حجت خدا را رها کردند! با در

نظر داشتن این سیاق از ظاهر آیات برمی‌آید که منظور اشاره به این معناست که:

یک پیامبر برای تمام ادیان (۱۲۹)

– رسول خدا صلی الله علیه و آله از مصادیق حجت بینه‌ای است که علیه مردم اقامه شده است، و سنت الهیه که جاری در بندگان

است، اقتضا کرده که این حجت قائم گردد، و این رسول مبعوث گردد! چون سنت جاریه خدا ایجاب می‌کرد بینه و حجت

روشنگرش به سوی این طوایف نیز بیاید، همان‌طور که به طوایف و اقوام گذشته قبل از اختلافشان همین اقتضا را کرد، و برایشان

حجت فرستاد. چیزی که هست، خودشان از آن حجت استفاده نکردند، و با یکدیگر اختلاف راه انداختند!

بنابراین مراد به عبارت «الَّذِينَ كَفَرُوا» در آیه شریفه همه کافران به دعوت اسلامی است، چه از اهل کتاب و چه مشرکین، و مراد به

مشرکین غیر اهل کتاب است، حال چه بت پرست باشند و چه اصناف دیگر مشرکین، و منظور از جدا شدن – جدا شدن از مقتضای

سنت هدایت و بیان است! گویا سنت الهیه دست بردار از آنان نبوده تا حجت و بینه بیاید و همین که آمد، آن وقت رهایشان

می‌سازد و به حال خودشان

(۱۳۰) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

واگذار می‌کند.

و منظور از بینه، همانا محمد رسول الله صلی الله علیه و آله است آن‌جا که می‌فرماید:

«... حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ، رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُوا صُحُفًا مُطَهَّرَةً، فِيهَا كُتِبَ قِيَمَةٌ!»

آن حجت بینه و روشنی که از ناحیه خدای تعالی بر آنان آمده، عبارت است از رسولی از ناحیه خدا، که برای مردم صحف

آسمانی پاک را می‌خواند، پاک از پلیدی باطل، صحفی که در آن احکام و قضایائی است قائم به امر مجتمع

انسانی و اداره‌کننده آن به بهترین وجه و حافظ مصالح آن!

یک پیامبر برای تمام ادیان (۱۳۱)

نزول کتاب برای عموم بشر

در قرآن کریم تصریح فرموده به این که خدای تعالی در اولین روز تشکیل اجتماع بشری، و بروز اختلاف‌های حیوانی در بین آن‌ها، کتاب برای آنان نازل کرد، یعنی شریعت و قانونی برایشان تشریح کرد تا در اختلاف‌هایی که در امور زندگی و حیوانی‌شان رخ می‌دهد، حکومت کند، ولی بشر بعد از آمدن شریعت هم آن اختلاف‌های قبلی را در شریعت خدا سرایت دادند، با این که حق برایشان روشن شده و حجت بر آنان تمام گشته بود!

پس، به حکم آیات سوره بینه، عموم بشر مشمول کتب آسمانی بوده و هستند، چیزی که هست در اثر اختلاف ناشی از پیروی هوای نفس بشر چند طایفه شدند. بعضی‌ها به کلی فراموش کردند که کتابی از ناحیه آفریدگارشان برایشان نازل شده است، و بعضی دیگر این معنا را از یاد نبردند، و لکن هوای نفس را در دین خدا دخالت

(۱۳۲) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

دادند، و به دینی تحریف شده، متدین گشتند! طایفه‌ای دیگر دین خدا را بدون کم و کاست حفظ کردند و بدان متدین شدند! (۱)

جهانی بودن دعوت اسلام و قرآن

«وَأَوْحَىٰ إِلَيْنَا هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ...»

«این قرآن به من وحی شده که انذار کنم و هشدار دهم شما را و هر کسی را که این قرآن به گوشش می‌خورد!» (۱۹ / انعام)

این آیه دلالت دارد بر این که رسالت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله رسالت عمومی و قرآنش ابدی و جهانی است! هر چند که ظاهر آیه خطاب به مشرکین مکه یا عموم

۱- المیزان ج : ۴، ص : ۳۳۳.

جهانی بودن دعوت اسلام و قرآن (۱۳۳)

قریش و یا جمیع عرب باشد.

از نظر دعوت اسلام، هیچ فرقی بین کسانی که قرآن را از خود رسول الله صلی الله علیه و آله می‌شنوند و یا کسانی که از غیر او می‌شنوند، نیست.

قرآن برای هر کسی که الفاظ آن را بشنود، و معنایش را بفهمد، و به مقاصدش پی ببرد و یا کسی که برایش ترجمه و تفسیر کنند - خلاصه بر هر کسی که مضامین آن به گوشش بخورد - حجت است.

لازم نیست کتاب یا نامه‌ای که به سوی قومی ارسال می‌شود، حتما بر هر کسی که مضامین آن به گوشش بخورد - حجت است.

لازم نیست کتاب یا نامه‌ای که به سوی قومی ارسال می‌شود، حتما به زبان آن قوم باشد، بلکه شرط آن این است که :

(۱۳۴) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

۱ - مضامینش شامل آنان شود،

۲ - حجت خود را بر آن قوم اقامه نماید.

رسول الله صلی الله علیه و آله به مردم حبشه و مصر و روم و ایران نامه‌ها نوشت و حال آن که زبان آنان غیر از زبان قرآن بود. و

هم‌چنین عده‌ای از قبیل: سلمان فارسی، بلال حبشی، و صهیب رومی به آن جناب ایمان آوردند، و بسیاری از یهود که زبانشان عبری بود، به آن حضرت گرویدند. (۱)

۱- المیزان ج: ۱۳، ص: ۵۷.

جهانی بودن دعوت اسلام و قرآن (۱۳۵)

او به اسلام دعوت می‌کند!

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُوَ يُدْعَىٰ إِلَى الْإِسْلَامِ...» (۷/صف)

قرآن مجید در آیه فوق می‌فرماید:

«هیچ ظالم، ظالمتر از آن کس نیست که بر خدا دروغ می‌بندد، و وقتی دعوت می‌شود به این که دین اسلام را بپذیرد، در پاسخ این اسلام را از خدا نفی می‌کند، با این که دین اسلام جز این که بندگان تسلیم خدا شوند، چیزی نمی‌گوید! چنین دینی بدون شک دین خداست! و خدا این ستمکاران را، و هیچ ستمکار دیگری را هدایت نمی‌کند!»

مراد به «اسلام» آن دینی است که رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله بشر را به سویش دعوت می‌فرمود. چون اساس دین تسلیم شدن در برابر فرامینی است که در مورد عقاید و اعمال دارد، و بدون تردید مقتضای ربوبیت و الوهیت خدای تعالی هم همین است که

(۱۳۶) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله

بندگان در برابر فرامینش تسلیم مطلق باشند، پس در نتیجه، دینی که اساسش این تسلیم است، بدون شک دین حق است، که عقل بر هر انسانی تدین بدان را واجب می‌داند!

دین خدا خاموش نمی‌شود!

کفار پنداشته‌اند که نور خدا مانند نور شمع است که با یک فوت خاموش گردد، و همین که آن را سحر بخوانند نورش خاموش گشته و رابطه‌اش با خدا قطع می‌شود، ولی در این پندار خطا کردند، چون دین نور خداست که به هیچ وجه خاموشی نمی‌پذیرد، و نه تنها خاموش نمی‌شود بلکه خدا تمامیت آن را اراده فرموده است، هر چند که کافران کراهت داشته باشند، چون خدا به کارش اهتمام دارد!

حاصل آیات ۷ و ۸ سوره صف این است که کفار با این سخنان خود که باد دهان ایشان است، می‌خواهند نور خدا را خاموش کنند، ولیکن خدا ایشان را به مقصدشان هدایت نمی‌کند، بلکه نور خدا را تمام و دین خود را بر همه ادیان غلبه می‌بخشد!

دین خدا خاموش نمی‌شود! (۱۳۷)

اسلام دین غالب، و نور خدا در زمین

- «خدا آن کسی است که رسول خود را به هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه ادیان غلبه دهد، هر چند که مشرکین کراهت داشته باشند.» (۹ / صف)

وقتی خداوند تعالی می‌فرماید: «دین الحق» عنایت لطیفی در آن به کار رفته که هر یک از حق و باطل برای خود دینی دارند، که مطابق اقتضای خاص آن‌هاست، و خدای تعالی از بین آن دو، دین حق را پسندیده است، برای این که خودش هم حق است، و بدین جهت رسول خود را به ابلاغ دین حق گسیل داشته است!

در آیه از کلمه «اظهار دین» استفاده فرموده است که به معنی غلبه است. وقتی می‌فرماید که دین اسلام را بر سایر ادیان اظهار دارد، معنایش این است که آن را بر سایر ادیان غلبه داد، و منظور از همه ادیان، همه روش‌های غیر خدائی است که در بین بشر سلوک می‌شود. معنای آیه این است که:

(۱۳۸) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

- «خدا نور خود را تمام می‌کند، برای این که خدا آن کسی است که رسول خود را با نورش گسیل داشت، نوری که همان هدایت و دین حق است، تا آن را بر همه ادیان غلبه دهد!» (۱)

معرفی رسالت رسول الله صلی الله علیه و آله در قرآن

خدای سبحان در معرفی رسول گرامی اسلام به مردم در قرآن شریف می‌فرماید:

- «به سوی شما آمد رسولی مهربان، از جنس خود شما، رسولی است که ضرر شما بر او گران و ناگوار است و بر هدایت یافتن شما حریص است و نسبت به مؤمنین رئوف و مهربان است!» (۱۲۸/توبه)
در جای دیگر می‌فرماید:

۱- المیزان ج: ۳۸، ص: ۱۵۹.

معرفی رسالت رسول الله صلی الله علیه و آله در قرآن (۱۳۹)

- «بعضی از منافقین کسانی هستند که رسول الله صلی الله علیه و آله را می‌آزارند، و می‌گویند: او هر حرفی را قبول می‌کند! بگو: این گونه بودن او به صلاح شماست! زیرا او ایمان می‌آورد به خدا و پیام‌هایش را قبول می‌کند، و ایمان می‌آورد به مؤمنین و گفتارشان را می‌پذیرد، و رحمتی است برای کسانی که از شما به وی ایمان آوردند!» (۶۱/توبه)
درباره خُلق عظیم آن پیامبر گرامی می‌فرماید:

«وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ! - بدرستی که تو هر آینه متخلق به خُلُقِ عَظِيمٍ هستی!» (۴/قلم) و آن چه را که در سایر آیات در معرفی آن جناب فرموده بود در آیه ۱۰۷ سوره انبیاء خلاصه کرده و فرموده:

- «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ! - و من تو را نفرستادم مگر به منظور

(۱۴۰) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

این که برای جهانیان رحمتی باشی!» (۱)

تعریف روحیات و اخلاق رسول الله صلی الله علیه و آله در قرآن

قرآن کریم، رسول و آورنده خود را چنین تعریف می‌کند:

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ...!» «هان ای مردم! پیغمبری از جنس خود شما، بیامده است، که از اوصافش یکی این

۱- المیزان ج: ۱۲، ص: ۱۴۸.

تعریف روحیات و اخلاق رسول الله صلی الله علیه و آله در قرآن (۱۴۱)

است که از خسارت دیدن شما، و از نبود شدنتان، ناراحت می‌شود! و دیگر این که: او در خیرخواهی و نجات شما، چه مؤمنان و چه غیر مؤمن، حریص است! سوم این که: او نسبت به مؤمنین رئوف و رحیم است! با این که اوصافش چنین است، آیا باز هم جا دارد که از او سرپیچی کنید؟ بلکه سزاوار است از او اطاعت کنید! چون او رسولی است که قیام نکرده مگر به امر الله، و اطاعت کردن از

او اطاعت خداست! جای دارد که به او نزدیک شوید، با او انس بگیرید! چون او هم مثل شما بشر است، پس به هر چه دعوت می‌کند، بپذیرید! و هر خیرخواهی که نمود به کار بگیرید!» (۱۲۸ / توبه)

ادامه این آیه شریفه دلالت می‌کند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله اهتمام عجیبی نسبت به هدایت یافتن مردم داشته است. خدای رحمن او را دلداری می‌دهد و می‌فرماید:

«در آنچه که همت گماشته‌ای بر خدا توکل کن!» (۱۲۹ / توبه)

و در خود آیه نیز بیان کرده بود که همه همت او، و حرص و ولعش هدایت یافتن مردم و رسیدنشان به سعادت است! (۱)

۱- المیزان ج: ۱۸، ص: ۳۶۲.

(۱۴۲) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله

گواهی خدا به رسالت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله در قرآن

«الْأَمْرَ آتَيْتَكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ...» (۱ تا ۴ / رعد)

این آیات آغاز سوره مبارکه رعد است. غرض سوره رعد بیان حقیقت قرآنی است که بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نازل شده است، و این که این قرآن معجزه و آیت رسالت است، و این که کفار آن را آیت و معجزه نشمردند و به عنوان تعریض بر آن گفتند: «چرا آیتی از ناحیه پروردگارش نازل نشد؟» (۷ / رعد) گفتارشان مردود است، و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نباید بدان اعتنا کند و ایشان هم سزاوار نیست که چنین سخنی بگویند!

دلیل بر این معنا آیه آغازین سوره است که در آن می‌فرماید:

«آنچه از پروردگارت به تو نازل شده، حق است! ولی بیشتر مردم باور

گواهی خدا به رسالت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله در قرآن (۱۴۳)

نمی‌دارند.» (۱ / رعد)

هم چنین آیه آخر سوره است که می‌فرماید:

«و کسانی که کافر شدند می‌گویند: تو فرستاده خدا نیستی! بگو: - خدا و آن کس که علم کتاب نزد اوست، برای گواهی میان من و شما بس است!» (۴۳ / رعد)

آیات مبارکه، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را مخاطب قرار می‌دهد به این که این قرآن که بر تو نازل شده، حق است، حقی که مخلوط به باطل نیست، چه آن چه که این قرآن بدان دعوت می‌کند توحید است، که آیات تکوینی از قبیل به پاداشتن آسمانها و گستردن زمین و تسخیر آفتاب و ماه و سایر عجایبی که خدا در تدبیر آسمانها و زمین، و غرابی که در تقدیر آنها به کار برده، همه بر آن دلالت دارند!

و نیز دلیل دیگر بر حقیقت آن، اخبار و آثار گذشتگان است که رسولان با بیاناتی به سویشان آمدند و ایشان کفر ورزیدند و تکذیب کردند، و خدا هم ایشان را به گناهانشان بگرفت.

این است آن چه که این کتاب مشتمل بر آن است، و همین خود آیتی است که بر رسالت تو دلالت می‌کند!

اولاً، تعریض آنها به قرآن مردود است، زیرا که خداوند تعالی می‌فرماید:

- تو ای رسول خدا شأنی به جز انذار مردم نداری! و این طور نیست که هر وقت هر کاری بخواهی بکنی، بتوانی، تا آن که از تو معجزاتی دلبخواه بخواهند، و به مثل این کلمات بر تو تعریض کنند!

(۱۴۴) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله

ثانیا هدایت و اضلال هم آن طور که ایشان پنداشته‌اند، در وسع آیات و معجزات نیست، تا انتظار داشته باشند با آوردن با معجزه‌ای که اقتراح کرده‌اند، هدایت شوند، و از ضلالت رهائی یابند؛ چه هدایت و ضلالت دست خداست، و اوست که بر اساس نظامی حکیمانه هر که را بخواهد هدایت و هر که را بخواهد گمراه می‌کند!

اما، این که گفتند: «تو فرستاده خدا نیستی!» در جوابشان همین یک دلیل تو را کافی است که خدا در کلام خود به رسالت تو شهادت داده است، و معارف حقه‌ای که در قرآن توست، شاهد آن است!

از جمله حقایق باهره و روشنی که در خصوص این سوره آورده، حقیقتی است که جمله «أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً» و «أَلَا- بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ!» و «يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُنْبِتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ!» و «فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا» متضمن آن است! (۱۷ و ۲۸ و ۳۹ و ۴۲ / رعد) (۱)
۱- المیزان ج: ۳۲، ص: ۱۶.

گواهی خدا به رسالت رسول الله صلی الله علیه و آله در قرآن (۱۴۵)
(۱۴۶)

فصل نهم: حدود وظایف و رسالت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله

تزکیه، و تعلیم کتاب و حکمت

تزکیه، و تعلیم کتاب و حکمت

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...» (۲ / جمعه)

قرآن مجید در آیات آغازین سوره مبارکه جمعه، قسمتی از وظایف رسالت رسول گرامی صلی الله علیه و آله را چنین مشخص و تبیین فرموده است:

- «اوست خدائی که در میان عرب اُمّی پیغمبری بزرگوار از همان اُمّیین برانگیخت تا بر آنان تلاوت کند آیات خدا را، و آن‌ها را تزکیه کند، و شریعت

(۱۴۷)

کتاب آسمانی و حکمت الهی را بر آنان بیاموزد، با آن که پیش از این همگی در ورطه جهالت و گمراهی غرق بودند!» (۲ / جمعه)

۱- تزکیه

تزکیه به معنای آن است که ایشان را به نموی صالح رشد دهد، و اخلاق فاضله و اعمال صالحه را عادتشان سازد، و در نتیجه انسان‌ها در انسانیت خود به کمال برسند، و حالشان در دنیا و آخرت استقامت یابد، و سعید زندگی کنند و سعید بمیرند!

۲- تعلیم کتاب

تعلیم کتاب به معنای بیان الفاظ و تفسیر معانی مشکل و مشتبه آن است.

۳- تعلیم حکمت

تعلیم حکمت به معنای بیان معارف حقیقی‌ای است که قرآن مجید متضمن آن است.

در آیه شریفه مسئله «تزکیه» را جلوتر از «تعلیم کتاب و حکمت» ذکر کرد، زیرا

(۱۴۸) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

آیه در مقام توصیف تربیت رسول خدا صلی الله علیه و آله بر مؤمنین امت است، و در مقام تربیت، تزکیه مقدم بر تعلیم علوم حقه و معارف حقیقی است.

دو نکته دیگر در این آیات وجود دارد که:

نکته اولی نشان می‌دهد: امت اُمّی قبل از بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در ضلالتی آشکار بودند.

نکته دوم این که می‌فرماید: خدای تعالی مبعوث کرد رسولش را در میان «مردم اُمّی» و «مردمی دیگر، که هنوز به آنان ملحق نشده‌اند، - مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ!»، که غرض از مردم دیگر را روایات اسلامی مردم ایران دانسته‌اند و در یک روایتی نقل شده که شخصی پرسید این مردم بعدی کیستند؟ حضرت دست به شانه سلمان فارسی گذاشت و فرمود: «اگر ایمان در ثریا باشد مردانی از نژاد این مرد آن را به دست می‌آورند!»

خدای تعالی در میان قومی اُمّی رسولی از خود آنان مبعوث کرد تا آیات او را بر

تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت (۱۴۹)

آنان بخواند، و با اعمال صالح و اخلاق پاک تزکیه شان کند، و کتاب و حکمتشان بیاموزد، و به همین منظور کتاب خدا را و معارف دینش را به بهترین وجهی بر آنان و بر افرادی که به آنان ملحق می‌شوند، و نسل‌های بعد از آنان تحمیل کرد، و زنده‌اشان داد از این که مثل یهود نباشند که خدای تعالی تورات را بر آنان تحمیل کرد، ولی آنان آن را حمل نکردند، و به معارف آن معتقد نشدند، و به احکامش عمل نکردند، و در نتیجه مانند الاغی شدند که بارش کتاب باشد.

خدای تعالی عظمت این موهبت را چنین می‌رساند که:

- این بعثت، و این که رسول خدا صلی الله علیه و آله، خدا را بخواند، و مردم را تزکیه کند، و کتاب و حکمت یادشان دهد، خود

فضلی و عطائی است از خدای تعالی، که به هر کس که مشیتش تعلق گرفت، می‌دهد، و مشیتش تعلق گرفت که آن را به

(۱۵۰) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله بدهد!

- «و خدا دارای فضلی عظیم است!» (۴ / جمعه) (۱)

نبوت، مسئولیت‌ها و وظایف رسول الله صلی الله علیه و آله

- «يَسَا، وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ...» (۱ تا ۱۱ / یس)

سوره یس که قلب قرآن است، در بیان سه اصول اساسی دین یعنی توحید و نبوت و معاد است. در آیات نخستین به موضوع نبوت پرداخته و می‌فرماید:

- «يَسَا! به قرآن سراسر حکمت سوگند! که تو به درستی و به یقین از مرسلینی! و

۱- المیزان ج: ۳۲، ص: ۱۶.

نبوت، مسئولیت‌ها و وظایف رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۵۱)

بر صراط مستقیم قرار داری! و راهدار و مهیمن بر آنی! خدای عزیز و رحیم آن را نازل کرده است، تا تو با آن مردمی را انداز کنی که پدرانشان انداز نشده بودند، و در غفلت قرار داشتند! سوگند می‌خورم که فرمان عذاب بر بیشتر آنان صادر شده، و در نتیجه، دیگر ایمان نخواهند آورد، زیرا ما بر گردن‌هایشان غل‌هایی افکنده‌ایم که تا چانه آن‌ها را گرفته، به طوری که دیگر نمی‌توانند سر

پائین آورده و خود را ببینند، دیگر انذار کردن و نکردنت به حال آنان یکسان است، چه انذار بکنی و چه نکنی، ایمان نمی‌آورند! تو تنها کسی را انذار می‌کنی و انذارت در حقیقت مؤثر می‌افتد، که خود قرآن را تصدیق کرده باشد، و از رحمان نادیده خشیت داشته باشد، تو او را به آمرزشی و اجری کریم بشارت ده!

همان طور که گفتیم غرض سوره یس بیان سه اصول اصلی دین است، یعنی توحید، نبوت و معاد، ولی چیزی که هست، اول از مسئله نبوت شروع کرده است و حال

(۱۵۲) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

مردم در قبول یا رد دعوت انبیاء را بیان می‌کند و می‌فرماید:

– نتیجه دعوت انبیاء احیای مردم است، و این که آن‌ها را به راه سعادت بیندازند، و حجت را بر مخالفین تمام کنند، و به عبارت دیگر، تکمیل هر دو دسته از مردم است: عده‌ای را در طریق سعادت، و جمعی را در طریق شقاوت!

خدای تعالی در اول سوره یس به قرآن حکیم سوگند می‌خورد بر این که رسول خدا صلی الله علیه و آله از مرسلین است. در این آیه قرآن را به وصف «حکیم» توصیف می‌کند، زیرا حکمت در آن جای گرفته است. حکمت عبارت است از معارف حقیقی و فروع آن از شرایع و عبرت‌ها و مؤظه‌ها.

مطلبی که خداوند به خاطر آن سوگند خورده، همانا رسالت رسول الله صلی الله علیه و آله است که به وسیله رسالتش مردم را به راه راست هدایت می‌کند. راه مستقیم آن طریقی است که عابر خود را به سوی خدا می‌رساند، یعنی به سعادت انسانی خود که مساوی است با قرب به خدا و کمال عبودیت!

نبوت، مسئولیت‌ها و وظایف رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۵۳)

سپس قرآن را نازل شده از طرف عزیز و رحیم می‌داند که تنها به خاطر عزتش و رحمتش رسول را فرستاده و قرآن را بر او نازل کرده است، قرآنی حکیم، تا مردم را انذار کند، و در نتیجه کلمه عذاب بر بعضی و کلمه رحمت بر بعض دیگر مسلم گردد! او برای هر کس که تابع ذکر (قرآن) شود، و به غیب از او خشیت داشته باشد، دارای رحمتی واسع است، اما نه برای این که از پیروی آنان و ایمانشان به غیب استفاده کند، بلکه برای این که آنان را به سوی آن چه مایه کمال و سعادتشان است، هدایت فرماید!

تبیین وظیفه خاص انذار

تبیین وظیفه خاص انذار با همین آیه صورت می‌گیرد که می‌فرماید:

– «ما تو را به این غرض فرستادیم، و قرآن را بر تو نازل کردیم، تا مردمی را که پدرانشان انذار نشده بودند، و غافل بودند، انذار کنی!» (۶ / یس)

(۱۵۴) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

منظور از این که گفت: «پدران کفار انذار نشده بودند»، اشاره به پدران نزدیک آنان است نه پدران دورتر، زیرا پدران دورتر همه به پیامبران می‌رسند، مانند: پدران عرب که به اسماعیل و ابراهیم علیه السلام می‌رسند، و پدران سایر مردم، که در مسیر تاریخ همگی به پیامبرانی چون عیسی و موسی می‌رسند، که انذار شده بودند. (۱)

حدود مسئولیت رسول الله صلی الله علیه و آله

«وَ اصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ...» (۲۸ / کهف)

رسول الله صلی الله علیه و آله تأسف می‌خورد و ناشکیبی می‌کرد که چرا مردم ایمان نمی‌آورند؟ و به کتابی که برایشان

نازل شده، چرا نمی‌گروند؟ و چرا دعوت حقه او را قبول نمی‌کنند؟!

۱- المیزان ج ۱۲، ص ۱۸۵ تا ۲۳۶. روایات اسلامی

حدود مسئولیت رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۵۵)

قبلاً در این سوره، خدای متعال رسول الله صلی الله علیه و آله را تسلیت می‌داد به این که دار دنیا دار بلاه و امتحان است و آنچه زینت دارد به زودی به صورت خاک خشک درمی‌آید، پس دیگر سزاوار نیست به خاطر این مردم خود را ناراحت کنی و دل‌تنگ شوی که چرا دعوت را نمی‌پذیرند و به کتاب خدا ایمان نمی‌آورند.
به او می‌فرمود:

- آنچه بر تو واجب است صبر و حوصله کردن با این مشقت فراقی است که ایمان آورده‌اند و لایزال پروردگار خود را می‌خوانند، و هیچ توجهی به این توانگران کافر کیش، که همواره به ثروت خود و زینت حیات دنیایشان می‌بالند، ندارند، چون می‌دانند این زینت‌ها به زودی به صورت خاکی خشک مبدل می‌شود، لذا همواره دنیاداران را به سوی پروردگارشان می‌خوانند، ولی کاری به کارشان ندارند، چه هر که می‌خواهد ایمان بیاورد، و هر که بخواهد کفر بورزد، چیزی به عهده رسول خدا صلی الله علیه و آله نیست، و

(۱۵۶) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

آنچه وظیفه‌اوست که باید در مواجهه با آنان رعایت کند، این است که در صورت آوردن ایمان با مسرت، و در صورتی که ایمان نیاورند با تأسف و پرویشان نشود، بلکه همان ثواب و عقاب خدای را تذکر دهد:

- تو ای رسول من! خودت را بر اثر کفر ورزیدن مردم، و از تأسف خوردن بر آنان مکش! آنچه از کتاب پروردگارت به تو وحی می‌شود، تلاوت کن! زیرا هیچ چیز کلمات او را تغییر نمی‌دهد، چون کلمات او حق و ثابت است و نیز برای این که تو غیر از خدا و کلمات او جایی نداری که دل به سوی آن متمایل سازی!

- تو فرستاده اوئی! و جز این که به سوی فرستنده‌ات تمایل کنی و رسالت او را ادا کنی، وظیفه دیگری نداری! (۶ و ۲۷ و ۲۸ / کهف) (۱)

۱- المیزان ج : ۲۶، ص : ۱۵۶.

حدود مسئولیت رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۵۷)

جذب مؤمنین و بی‌اعتنائی به اشراف

از جمله ادب انبیاء را که قرآن شریف نقل و معرفی می‌کند، احترام متساوی آن‌ها به فقیر و غنی بوده، و فقط در مورد اهل علم و تقوی احترام بیشتری نشان می‌دادند. قرآن مجید در آیات زیر، یکسان بودن امتیازات و مزایای اجتماعی طبقات مختلف جامعه را بیان می‌دارد:

- «هان ای مردم! ما همه شما را از مردی و زنی آفریدیم، و شما را تیره تیره و قبیله قبیله کردیم تا یکدیگر را به آسانی بشناسید و نه که به یکدیگر برتری جوئید، گرامی‌ترین شما نزد خدا پارساترین شماست!» (۱۳ / حجرات)

در این منطق، آن استکباری که اقویا به قوت خود و اغنیا به ثروت خود می‌کردند،

(۱۵۸) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

جای خود را به تواضع و پیشدستی از یکدیگر به سوی مغفرت و رحمت و مسابقه در خیرات و جهاد در راه خدا و طلب مرضات او داد، و در نتیجه، همان طوری که اغنیا احترام می‌شدند، فقرا نیز احترام شدند، و همان طور که اقویا رعایت ادبشان می‌شد، از ضعفا

نیز شد، بلکه فقرا و ضعفا به احترام بیشتر و رعایت ادب زیادتری اختصاص یافتند! خدای تعالی در تأدیب نبی محترم خود می‌فرماید: «نفس خود را چنان تربیت کن که معاشرت و آمیزش با کسانی را که صبح تا شام پروردگارشان را می‌خوانند و رضای او را می‌جویند، تحمل کند، و به طمع زینت حیات دنیا چشم از ایشان مگردان! و به همین منظور اقویائی را که ما دلشان را از یاد خود غافل کرده‌ایم، و در نتیجه هوای نفسشان را از حد بیرون پیروی می‌کنند، اطاعت مکن!» (۲۸ / کهف)

در آیه ۵۲ سوره انعام می‌فرماید:

جذب مؤمنین و بی‌اعتنائی به اشراف (۱۵۹)

«وکسانی را که پروردگار خود را در صبح و شام می‌خوانند و رضای او را می‌جویند، از خود طرد مکن! و بدان که از حساب آنان چیزی بر تو نیست و از حساب تو نیز چیزی برایشان نیست، تا به این منظور مؤمنین را از خود برانی و آنان را به خود راه ندهی و در نتیجه از ظالمین باشی!!!»

در آیه ۸۹ سوره حجر می‌فرماید:

«چشم‌های خود را در نعمت‌هایی که به این گروه ناچیز داده‌ایم، مچران! و در این باره غم مخور! و با مؤمنین به نرمی و تواضع رفتار کن! و بگو: من همان ندیری هستم که مواقف خطرناک را اعلام، و رسالت‌ها را بیان می‌کنم!» (۱)

۱- المیزان ج: ۱۲، ص: ۱۸۱.

(۱۶۰) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

فصل دهم: امتیازات و درجات پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله

خَاتَمُ النَّبِيِّينَ

«...وَلَكِنَّ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ...» (۴۰ / احزاب)

کلمه «خاتم» به معنای هر چیزی است که با آن چیزی را مهر کنند، مانند طابع و یا قالب که به معنای چیزی است که با آن چیزی را طبع یا قالب می‌کنند.

مراد به «خاتم النبیین» بودن رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله این است که

(۱۶۱)

نبوت با او ختم شده و بعد از او دیگر نبوتی نخواهد بود!

«رسول» عبارت است از کسی که حامل رسالتی از خدا به سوی مردم باشد، و «نبی» کسی است که حامل خبری از غیب باشد و آن غیب از دین و حقایق آن است.

لازمه این حرف آن است که وقتی نبوتی بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله نباشد، رسالتی هم نخواهد بود، چون رسالت خود یکی از اخبار و انباء غیب است، وقتی بنا باشد که انباء غیب منقطع گردد، و دیگر نبوتی و نبی نباشد، قهرا رسالتی هم نخواهد بود.

از این جا روشن می‌شود که وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله خاتم النبیین باشد، خاتم الرُّسُل هم خواهد بود! (۱)

خُلِقَ عَظِيمٌ

«...وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ!» (۱ تا ۳ / قلم)

در این سوره، خدای متعالی رسول گرامی‌اش را دل‌داری می‌دهد و به وعده‌های جمیل و پاسداری از خلق عظیمش دلخوش می‌سازد، زیرا مشرکین تهمت‌های ناروا به او زده و او را دیوانه خوانده بودند.

۱- المیزان ج: ۳۲، ص: ۲۰۰.

(۱۶۲) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

ضمناً آن جناب را به شدیدترین وجهی از اطاعت مشرکین و مداهنه آنان نهی نموده و امر اکید می‌کند که در برابر حکم پروردگارش صبور باشد:

«تو زحمات رسالت خدا را تحمل کن! که اجرت نزد پروردگارت قطع نمی‌شود! و زحماتت به هدر نمی‌رود!»

آن گاه به عظیم‌ترین صفات رسولش تکیه می‌کند و می‌فرماید:

«وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ! - تو ای پیامبر! سجایای اخلاقی عظیمی داری!»

این آیه شریفه هر چند فی نفسه حسن خلق رسول الله صلی الله علیه و آله را می‌ستاید، و آن را بزرگ می‌شمارد، لکن با در نظر گرفتن خصوص سیاق، به خصوص اخلاق پسندیده اجتماعی‌اش نظر دارد، اخلاقی که مربوط به معاشرت است، از قبیل استواری بر حق، و صبر در مقابل آزار مردم، و خطاکاری‌های ارادل، و عفو و اغماض از آنان، و سخاوت و مدارا و تواضع و امثال این‌ها.

خدای تعالی در ادامه آیات می‌فرماید:

خُلُقٍ عَظِيمٍ (۱۶۳)

- «پس به زودی خواهی دید و خواهند فهمید، که کدامتان مبتلا به جنون هستید، مسلماً پروردگارت داناتر است به این که چه کسی از راه او گمراه شده و چه کسانی راه یافتگانند، پس تکذیب‌گران را اطاعت مکن! آن‌ها همین را می‌خواهند که تو سازش کنی و آن‌ها هم با تو بسازند و نیز هر فرومایه عیب‌جو که برای هر حق و باطلی سوگند می‌خورد و در بین مردم سخن چینی و افساد می‌کند، و مانع رسیدن خیر به مردم می‌شود و نیز هر تجاوزگر دل‌آلوده‌ای را اطاعت مکن!» (۵ تا ۱۲/قلم) (۱)

شرح صدر

«الَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ...؟» (۱ تا ۸ / انشراح)

در سوره انشراح خدای تعالی رسول گرامی خود را امر می‌کند به این که کمر خدمت در راه خدا ببندد و به سوی او رغبت کند. بدین منظور نخست منت‌هایی را که بر او نهاده

۱- المیزان ج: ۳۹، ص: ۴۸.

(۱۶۴) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

تذکر می‌دهد:

«آیا سینه تو را گشاده نکردیم؟ و بار سنگین از تو بر نداشتیم، باری که پشت تو را شکسته بود؟ و نامت را بلند آوازه نکردیم؟ از این به بعد هم دل خوشدار که، بعد از هر دشواری گشایشی است! بلکه با هر دشواری دو گشایش است! پس هر گاه از کار روزانه فراغت یافتی، به نماز و شکرانه پروردگارت بایست! و به سوی پروردگارت تمایل کن!»

منظور از «شرح صدر» رسول خدا صلی الله علیه و آله در این آیات این است که خدای تعالی آن جناب را طوری کند که قلب نازنینش وسعتی داشته باشد که حقایق و معارفی که به وی القا می‌شود، بپذیرد و از پذیرش آن تنگ نشود و نیز تحمل آزارهایی را که از ناحیه مردم می‌بیند، داشته باشد.

ترتیب آیات سه گانه اول سوره، که مضمون هر یک مرتب بر آیه قبلی خود

شرح صدر (۱۶۵)

می‌باشد، و سپس تعلیل آن‌ها به آیه «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» که از ظاهرش برمی‌آید با وضع رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله در اوایل بعثت و اواخر آن منطبق باشد، و سپس تکرار این تعلیل و نیز تفریع دو آیه آخر سوره به ماقبل، همه شاهد بر آنند که مراد به شرح صدر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله گستردگی و وسعت نظری است، به طوری که ظرفیت تلقی وحی را داشته باشد، و نیز نیروی تبلیغ آن و تحمل ناملایماتی را که در این راه می‌بیند، داشته باشد، و به عبارتی دیگر نفس شریف آن جناب را طوری نیرومند کند که نهایت درجه استعداد را برای قبول افاضات الهی پیدا کند!

در آن قسمت از آیات که می‌فرماید: سنگینی‌هایی که بر دوش بود برداشتیم، منظور این است که دعوت آن جناب را انفاذ و مجاهداتش در راه خدا را امضا نمود. بدین معنی که اسباب پیشرفت دعوتش را فراهم کرد، چون رسالت و دعوت و فروع آن ثقلی بود که به دنبال شرح صدر بر آن جناب تحمیل نمود.

خدای تعالی می‌فرماید: «وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ!» که منظور از رفع ذکر به

(۱۶۶) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله

معنای بلند آوازه کردن کسی است به طوری که نامش و گفتگویش از همه نامها و همه خاطره‌ها بلندتر باشد و خدای تعالی نام آن حضرت را چنین کرد که همه جا سخن از آن حضرت بود.

یکی از مصادیق بلند آوازه کردن ذکر آن جناب این بود که خدای تعالی نام او را قرین نام خود فرمود، و در نتیجه، در مسئله شهادتین، که اساس دین خداست، نام او قرین نام پروردگارش قرار گرفت، و بر هر مسلمانی واجب کرد که در هر روز در نمازهای پنجگانه واجب نام آن جناب را با نام خدای تعالی بر زبان جاری سازد!

إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا

با هر دشواری آسانی است!

رسالتی که خدای تعالی بر آن جناب تحمیل کرد و دستور داد مردم را به سوی آن دعوت کند، سنگین‌ترین باری است که بر دوش یک بشر تحمیل می‌شود. معلوم

شرح صدر (۱۶۷)

است که با قبول این مسئولیت کار بر آن جناب دشوار شده است. و هم‌چنین تکذیبی که قومش نسبت به دعوت او نموده و استخفافی که به آن جناب روا داشتند و اصراری که در محو نام او می‌ورزیدند، همه برای آن جناب دشواری روی دشواری بوده که خدای تعالی در آیه قبلی فرمود:

- ما این دشواری را از دوش تو برداشتیم!

معلوم است که این عمل خدای تعالی مانند همه اعمالش بر طبق سنتی بوده که در عالم به جریان انداخته است، و آن این است که همیشه بعد از هر دشواری سهولتی پدید می‌آورد، و به همین جهت مطلب دو آیه قبلی را تعلیل کرده به این که اگر از تو «وضع وزر» کردیم و اگر نامت را بلند ساختیم، برای این بود که سنت ما بر این جاری شده که بعد از عسر یسر بفرستیم!

می‌خواهد بفرماید، جنس عسر این طور است که دنبالش یسر می‌آید، به تمامی فرد

(۱۶۸) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله

فرد عسرها! و بعید هم نیست که یسر یا عسر از مصادیق سنتی دیگر باشند، و آن سنت تحول حوادث و تقلب احوال، و بی‌دوامی همه شئون زندگی دنیاست!

در پایان آیات نتیجه آیات قبلی را چنین بیان می‌فرماید:

«حال که معلوم شد هر عسری که تصور شود بعدش یسر می‌آید، و زمام عسر و یسر تنها به دست خداست، و لاغیر! پس هر گاه از انجام آنچه بر تو واجب شده، فارغ گشتی، نفس خود را در راه خدا، یعنی عبادت و دعا خسته کن، و در آن رغبت نشان بده، تا خدا بر تو منت نهاده و راحتی را که دنبال این تعب است و یسری را که دنبال عسر است، به تو روزی فرماید!» (۶ تا ۸ / شرح) (۱)

۱- المیزان ج: ۴، ص: ۲۸۷.

شرح صدر (۱۶۹)

شاهد و مبشر و نذیر

«إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا...!»

خدای سبحان پیامبر گرامی خود را از در تعظیم و تکریم چنین معرفی می‌فرماید:

«ما تو را فرستادیم تا شاهد امت باشی و امت را بشارت و انداز دهی!» (۸ / فتح)

او را شاهد و مبشر و نذیر فرستاده است. اطاعت او اطاعت خدا و بیعت با او بیعت با خداست:

«به درستی آن‌هایی که با تو بیعت می‌کنند، با خدا بیعت می‌کنند! چون دست خدا بالای دستشان است!»

مراد به «شاهد» بودن رسول الله صلی الله علیه و آله شهادتش بر اعمال است، یعنی بر ایمان و کفرش، و بر عمل صالح و طالحش، است.

مسأله «شهادت» رسول الله صلی الله علیه و آله در قرآن کریم مکرر آمده است و مراد به آن شهادت عمل در دنیا است و اما ادای شهادت جایش در آخرت است!

(۱۷۰) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

«مُبَشِّرٌ» بودن آن جناب به این بود که افراد با ایمان و تقوی را به قرب خدا و ثواب جزیل او بشارت می‌داد.

و «نذیر» بودن آن جناب به این جهت بود که کفار و اعراض کنندگان را به عذاب دردناک خدا انداز و تخویف می‌کرد! (۱)

رسول کریم

«... إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ...» (۳۸ تا ۴۸ / الحاقه)

آن‌چه از سیاق آیه فوق برمی‌آید، این است که، منظور از رسول کریم، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است، و این آیه می‌خواهد در مقابل سخنان کفار که او را شاعر و کاهن می‌خواندند، رسالت آن جناب را تصدیق کند.

۱- المیزان ج: ۳۶، ص: ۱۱۸.

رسول کریم (۱۷۱)

«وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ!»

در این آیه شعر بودن قرآن را نفی می‌کند، چون آورنده آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله است و تا به آخر عمر حتی یک شعر نسرود، تا چه رسد به این که شاعر باشد! عبارت «قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ»، تویخ مجتمع انسان‌هاست که اکثریت آنان ایمان نداشتند، و به جز اندکی از ایشان ایمان نیاوردند!

«وَلَا يَقُولِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَا تَدَّكُرُونَ!»

در این آیه کهان بودن قرآن و کاهن بودن رسول خدا صلی الله علیه و آله انکار شده است. کهان به عقیده کاهنان عبارت است از

این که کاهن پیام‌ها و اطلاعاتی را از جن دریافت کند.... عبارت «قَلِيلًا مَاتَدَّكُرُونَ» نیز توییخ مجتمع مشرکین است.

- تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ!

یعنی قرآن نازل شده‌ای از ناحیه رب العالمین است، نه این که

(۱۷۲) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

رسول آن را ساخته و پرداخته و به دروغ به خدا نسبت داده باشد!

در ادامه می‌فرماید:

- اگر این پیامبر کریم، که ما رسالت خود را به دوش او نهادیم، و با قرآن کریم به سوی شما فرستادیم، پاره‌ای از اقوال را از پیش خود بتراشد و به ما نسبت دهد، ما او را مانند مجرمین دست بسته می‌کنیم، و یا دست راست او را قطع می‌کنیم، و یا با دست خود که همان قدرت ماست، او را گرفته و انتقام از او می‌ستانیم، و سپس او را به جرم آن که دروغ به ما بسته، می‌کشیم، آن وقت هیچ کس از شما نیست که بتواند او را از ما پنهان کند، و ما را از انتقام‌گیری از وی مانع شود، و در نتیجه از عقوبت و اهلاک ما برهاند. این آیات تهدیدی است به پیامبر فرضی که آن جناب سخنی را که از خدا نیست به خدا نسبت دهد، و چگونه ممکن است این فرض تحقق یابد، با این که او فرستاده‌ای است از ناحیه خدا و خدای تعالی او را به نبوت گرامی داشته و به رسالت خود برگزیده است؟!

رسول کریم (۱۷۳)

تهدید در این آیه متوجه شخص رسول صادق است، و چنین رسولی که در دعوی رسالتش صادق است، و اگر چیزی به دروغ به خدا نسبت دهد خدا با او چنان معامله‌ای می‌کند، نه تهدید به مطلق مدعیان نبوت و مفتریان بر خدا در دعوی نبوت و در خبر دادن از ناحیه خدای تعالی! (۱)

رضای رسول الله صلی الله علیه و آله و شفاعت او

«وَالضُّحَىٰ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ!» (۱ تا ۱۱ / ضحی)

بعضی گفته‌اند چند روزی به رسول الله صلی الله علیه و آله وحی نشد، به طوری که مردم گفتند خدا با او وداع کرده است، در پاسخشان این سوره نازل شد و خدای تعالی

۱- المیزان ج: ۳۶، ص: ۱۱۸.

(۱۷۴) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

بدین وسیله آن حضرت را شاد کرد:

- «سوگند به هنگام چاشت، که نور خورشید گسترده می‌شود! و به شب هنگام، که سکونت و آرامش می‌بخشد! که پروردگارت نور وحی را از تو قطع نمی‌کند! و تو را با قطع وحی در تاریکی حیرت رها نمی‌کند! بلکه آن چه برای آخرت ذخیره کرده بسی بالاتر از دنیائی است، که در آن مورد عنایت او واقع شده‌ای! و پروردگارت به زودی عطائی به تو می‌بخشد که راضی شوی!»

آن گاه در آیات بعدی، خدای سبحان به بعضی از نعمت‌های بزرگی اشاره می‌کند که به رسول گرامی خود انعام کرده بود.

آری! رسول خدا صلی الله علیه و آله هنوز در شکم مادر بود که پدرش از دنیا رفت، و دو ساله بود که مادرش درگذشت، و هشت ساله بود که کفیل و سرپرست و جدش عبدالمطلب از دنیا رفت، که از آن به بعد در تحف تکفل عمویش ابوطالب قرار گرفت.

رضای رسول الله صلی الله علیه و آله و شفاعت او (۱۷۵)

- «آیا نبود که تو را یتیم یافت و جایگاهت داد؟ و آیا نبود که راه به جائی نمی‌پردی، و قدم به قدم هدایتت کرد؟ و تهی دستت

یافت و پس بی‌نیازت کرد؟»

اشاره‌ای به تهی دستی رسول الله صلی الله علیه و آله دارد که از مال دنیا چیزی نداشت، و خدای تعالی او را بعد از دواج با خدیجه علیه السلام بی‌نیاز کرد و خدیجه تمامی اموالش را با همه کثرت که داشت به آن جناب بخشید.

در پایان آیات به عنوان نتیجه گیری از عنایاتی که به رسول خدا صلی الله علیه و آله شده، می‌فرماید:

- «تو طعم ذلتی را که یتیم می‌چشد، چشیده‌ای، تو ذلت و شکسته شدن دل او را، احساس کرده‌ای، پس هیچ یتیمی را خوار مشمار! و مال او را هم خوار مدار و در آن تجاوز مکن! تو تلخی گمراهی و احتیاج به هدایت را، و تلخی فقر و تهی دستی را درک کرده‌ای، پس هیچ سائلی را که از تو حاجت می‌خواهد از خود مران! و

(۱۷۶) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

حاجتش اگر هدایت است و اگر معاش، برآورده ساز! و تو طعم انعام خدا را بعد از فقر و تهی دستی چشیده‌ای، و ارزش جود و کرم و رحمت خدا را می‌دانی، پی نعمت او را سپاس گوی! و همه جا نعمتش را یاد آور شو! و از مردم پنهان مدار!»

در روایات اسلامی از ابن مسعود (در درمنثور) روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: - ما اهل بیتی هستیم که خدای تعالی برای ما آخرت را بر دنیا برگزید، و ترجیح داد، و لذا فرمود: **وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى!**

در همان کتاب است که از جابر بن عبد الله روایت کرده‌اند که گفت: «روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله بر علی و فاطمه در آمد و دید فاطمه مشغول دستاس کردن است، در حالی که به جای لباس جل شتر بر خود افکنده است و همین که چشمش به او افتاد، فرمود:

- یا فاطمه! بشتاب و تلخی دنیا را بچش، برای فردا و نعیم آخرتش!

و دنبال این جریان بود که آیه **«وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى!»** نازل شد.

رضای رسول الله صلی الله علیه و آله و شفاعت او (۱۷۷)

در همان کتاب است که از طریق حرب بن شریح روایت کرده‌اند که گفت: من به ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین (امام باقر علیه السلام) گفتم:

- به نظر شما این شفاعتی که اهل عراق بر سر زبان‌ها دارند، حق است؟ فرمود:

- آری، به خدا سوگند! عمویم محمد بن حنفیه از علی بن ابیطالب علیه السلام نقل کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

- آن قدر از امتم شفاعت می‌کنم که خدای تعالی خطاب می‌کند:

- ای محمد راضی شدی؟ عرضه می‌دارم:

- بلی، پروردگارا، راضی شدم!

آن‌گاه (امام) رو به من (ابن شریح) کرد و فرمود:

شما به اهل عراق می‌گوئید: از تمامی آیات قرآن آیه‌ای که بیش از همه امید بخش است آیه زیر است:

(۱۷۸) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

«يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا!» - ای بندگانم که بر نفس خود ستم روا داشتید از رحمت الهی مأیوس نشوید، که خدا همه گناهان را می‌آمرزد! (۵۳ / زمر)

عرضه داشتیم: - بلی، ما این طور معتقدیم! فرمود:

- لکن ما اهل بیت می‌گوئیم از همه آیات در کتاب خدا امیدبخش تر آیه‌ای است که راجع به شفاعت است، آن‌جا که می‌فرماید:

«پروردگارت به زودی عطائی می کند که راضی شوی!

وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى! (۱)

۱- المیزان ج : ۴، ص : ۲۷۹.

رضای رسول الله صلی الله علیه و آله و شفاعت او (۱۷۹)

صلوات خدا و ملائکه بر رسول الله صلی الله علیه و آله

«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ...!»

«بی گمان، خدا و ملائکه او بر پیامبر درود می فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود فرستید و سلام کنید، سلام کردنی!» (۵۷ / احزاب)

در روایات اسلامی از حضرت علی علیه السلام نقل شده که در موردی در پاسخ سؤال یکی از اهل کتاب، که از معجزات رسول خدا صلی الله علیه و آله و احترام او نزد خدا، با اشاره به احترام و سجده ملائکه بر آدم ابوالبشر، پرسید، جواب داد: سجده ملائکه برای آدم اطاعت و عبادت آدم نبود، و ملائکه آدم را در مقابل خدا نپرستیدند، بلکه خدای تعالی آنان را بر این کار واداشت، تا اعترافی باشد از ملائکه بر برتری آدم، و رحمتی باشد از خدا بر او.

ولی محمد صلی الله علیه و آله را فضیلتی بالاتر از این داد. خدای عز و جل با آن بزرگی و جبروتی

(۱۸۰) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

که دارد، و با تمامی ملائکه‌اش، بر محمد صلوات و درود فرستاد، و صلوات فرستادن مؤمنین بر او را عبادت خود خواند! (۱)

امتیاز حضور رسول الله در بین امت

«وَاعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ...!»

«بدانید که رسول الله در بین شماست، و باید که از او اطاعت کنید! و اگر او شما را در بسیاری از امور اطاعت کند، خود شما به تعب می افتید و هلاک می شوید!» (۷ / حجرات)

مضمون آیه روشن کردن مؤمنین است به این که خدای سبحان ایشان را به جاده

۱- المیزان ج : ۱، ص : ۲۳۶.

امتیاز حضور رسول الله در بین امت (۱۸۱)

رشد انداخته است، و به همین جهت است که ایمان را محبوبشان کرده و در دل‌هایشان زینت داده، و کفر و فسوق و عصیان را از نظرشان انداخته است.

پس باید که از این معنا غفلت نکنند که رسول الله صلی الله علیه و آله را دارند، کسی را دارند که مؤید از ناحیه خداست، کسی را دارند که از ناحیه پروردگارش بینه‌ای و چراغی دارد که هرگز جز به راه رشد نمی برد، و به سوی گمراهی نمی کشاند، پس باید او را اطاعت کنند، و اصرار نورزند که آن جناب ایشان را در آراء و اهواءشان اطاعت کند، چون اگر او ایشان را در بسیاری از امور اطاعت کند، هلاک می شوند و به تعب می افتند!

طرز بیان جمله می رساند که انحصار امتیاز با رسول الله صلی الله علیه و آله بودن چقدر والاست!

و می فهماند این شما تنهائید که چنین نعمتی در اختیار دارید، و نیز به لازمه این انحصار هم اشاره کرده و می فهماند، که لازمه این که رسول الله صلی الله علیه و آله تنها در اختیار شماست این است که شما هم به رشد او چنگ بزنید و از گمراهی

(۱۸۲) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

اجتناب بکنید و در امور به او مراجعه نمائید و اطاعتش کنید و دنبال راهش بروید، نه این که دنبال هوای نفسانی خود را بگیرید و توقع داشته باشید که آن جناب هم تابع هواهای شما شود! منظور از «فراموش نکنید که رسول الله صلی الله علیه و آله تنها در بین شماست»، کنایه است از این که واجب است در امور خود به او مراجعه کنید، و شما با سایر اقوامی که از چنین نعمتی برخوردار نیستند، فرق دارید، باید که در هر پیش آمدی که با آن مواجه می‌شوید طبق نظریه آن جناب رفتار نمائید، و هر چه دستور می‌دهد اجرا کنید، بدون این که کمترین دخالتی به هوای نفس خود بدهید! (۱)

۱- المیزان ج: ۳۶، ص: ۱۷۹.

امتیاز حضور رسول الله در بین امت (۱۸۳)

شق القمر - معجزه رسول الله صلی الله علیه و آله

«اِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ انشَقَّ الْقَمَرُ!»

«ساعت بسیار نزدیک شد و قرص قمر دو نیم گشت، ولی آنان که کافرند هر آیتی ببینند روی برگردانند و گویند: سحری است مستمر! پیامبر، و آن چه او آورده است را تکذیب کردند، و هواهای نفسانی خود را پیروی نمودند، اما بزودی هر امری در مستقر خود قرار خواهد گرفت...!» (۱ / قمر)

این آیات به معجزه شق القمر که خدای تعالی به دست رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکه و قبل از هجرت و به دنبال پیشنهاد مشرکین مکه جاری ساخت، اشاره می‌کند.

روایات این داستان هم بسیار است، و به طوری که می‌گویند همه اهل حدیث و مفسرین بر قبول آن احادیث اتفاق دارند، جز چند تن از آنها، که استدلال آن‌ها درباره شق القمر در قیامت، به دلیل آیه بعدی آن، بی پایه است!

(۱۸۴) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

در تفسیر قمی آمده که قریش از رسول الله صلی الله علیه و آله خواستند تا معجزه‌ای برایشان بیاورد. رسول الله صلی الله علیه و آله دعا کرد و از خدا خواست قرص قمر را برایش دو نیم کند، و خدای تعالی این کار را کرد، به طوری که مشرکین همه آن را دیدند، و دوباره آن دو قسمت به هم چسبیدند، با این حال گفتند: سحری است مستمر! این روایت در درمنثور از قول ابن مسعود آمده و آن‌جا اضافه شده که کفار گفته‌اند: اگر این دو نیم شدن قرص ماه صحیح باشد باید غیر از ما کسان دیگر در خارج از مکه هم باید آن را دیده باشند و منتظر شدند تا مسافرانی از راه رسیدند و این امر را تأیید کردند.

در همان کتاب از ابن عمر آمده که وقتی قرص ماه دو نیم شد، یک نیمه آن نزدیک به این کوه قرار گرفت و نیم دیگرش تا پشت کوه رفت.

و در همان کتاب از حبیر بن مطعم روایت کرده که گفت: نیم بالای این کوه قرار گرفت و نیمی دیگر بر بالای کوه دیگر ایستاد.

شق القمر - معجزه رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۸۵)

و از ابن عباس روایت شده که این جریان قبل از هجرت اتفاق افتاده است، به طوری که دیگران گفته‌اند در اوایل شب چهاردهم

ذی‌الحجه سال ششم بعثت یعنی پنج سال قبل از هجرت اتفاق افتاده است.

این واقعه‌ای است که هم قرآن بر آن دلالت دارد و هم روایات متواتر، ولی بحث در مورد علمی بودن این واقعه نشان می‌دهد که یک کره آسمانی تنها به وسیله معجزه می‌تواند دو نیم شود و دوباره به هم وصل شود.

این که یک کره آسمانی دو نیم شود چنین چیزی فی‌نفسه ممکن است، و عقل دلیلی بر محال بودن آن ندارد. از سوی دیگر معجزه هم امری است خارق‌العاده و وقوع حوادث خارق‌العاده نیز ممکن است و عقل دلیلی بر محال بودن آن ندارد!

یکی از روشن‌ترین شواهد بر وقوع شق‌القمر قرآن کریم است، پس باید آن

(۱۸۶) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله

را بپذیریم هرچند که از ضروریات دین نباشد! (۱)

ولایت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله

«وَاعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ...!» (۷/حجرات)

محتوای این آیات پاره‌ای از آدابی است که بندگان خدا باید در مورد رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله رعایت کنند. در اول آیه می‌فرماید:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در جائیکه خدا و رسول او حکمی دارند، شما حکم نکنید! یعنی حکمی نکنید مگر به حکم خدا و رسول او، و باید که همواره این خصیصه در شما باشد، که پیرو و گوش به فرمان خدا و رسول باشید!» (۱/حجرات)

۱- المیزان ج: ۳۷، ص: ۱۰۹.

ولایت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله (۱۸۷)

اتباع حکم رسول الله

از آن جائی که هر فعل و ترکی که آدمی دارد بدون حکم نمی‌تواند باشد، و هم‌چنین هر تصمیم و اراده‌ای که نسبت به فعل و یا ترکی دارد، آن اراده نیز خالی از حکم نیست، در نتیجه می‌توان گفت که نه تنها در فعل و ترکش باید گوش به فرمان خدا باشد، بلکه در اراده و تصمیمش هم باید پیرو حکم خدا باشد، و نهی در آیه شریفه ما را نهی می‌کند از این که هم به سخنی اقدام کنیم که از خدا و رسول نشنیده‌ایم، و هم به فعل و ترکی اقدام کنیم که حکمش را از خدا و رسول نشنیده‌ایم، و هم نسبت به عملی اراده کنیم که حکم آن اراده را از خدا و رسولش نشنیده‌ایم!

این اتباعی که در جمله «لَا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ» (۱/حجرات) بدان دعوت می‌کند، همان داخل شدن در ولایت خدا و قوف در موقف عبودیت و سیر در آن مسیر است، به طوری که عبد در مرحله تشریح، مشیت خود را تابع مشیت خدا

(۱۸۸) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله

کند، همان طور که در مرحله تکوین، مشیتش تابع مشیت خداست و خدای تعالی در آن باره فرموده است:

«شما نمی‌خواهید، مگر بعد از آن که خدا خواسته باشد!» (۳۰/انسان) و «خدا سرپرست مؤمنان است!» (۶۸/آل‌عمران) و «وَاللَّهُ

وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ!» (۱۹/جاثیه)

ادب کلام در حضور رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله

خدای تعالی به مؤمنین دستور می‌دهد:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صدای خود را بلندتر از صدای رسول الله مکنید!» (۲ / حجرات)

منظور از این که می‌فرماید صدای خود را بلندتر از صدای رسول الله صلی الله علیه و آله مکنید این است که وقتی با آن جناب صحبت می‌کنید، صدایتان بلندتر از صدای آن جناب نباشد، برای این که (همان‌طور که گفته‌اند) دو تا عیب در این عمل هست:

ادب کلام در حضور رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۸۹)

یا این است که منظور شخصی که صدای خود را بلند می‌کند این است که توهینی به آن جناب کرده باشد، که کفر است، و یا منظوری ندارد و تنها شخص بی‌ادبی است و رعایت مقام آن جناب را نمی‌کند و این خلاف دستور است، چون مسلمانان دستور دارند آن جناب را احترام و تعظیم نمایند.

می‌فرماید:

با آن جناب آن طور که با یکدیگر صحبت می‌کنید، داد و فریاد مکنید! چون رعایت احترام و تعظیم آن جناب اقتضا دارد در هنگام خطاب گوینده صدایش کوتاه‌تر از صدای آن حضرت باشد، پس به طور کلی با صدای بلند صحبت کردن فاقد معنای تعظیم است، و با بزرگان به صدای بلند صحبت کردن نظیر مردم عادی، خالی از اسائه ادب و وقاحت نیست!

(۱۹۰) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

حبط اعمال در اثر غفلت از رعایت احترام رسول الله صلی الله علیه و آله

خداوند متعال نتایج بلند کردن صدا روی صدای رسول الله صلی الله علیه و آله و عدم تعظیم او را چنین اعلام می‌کند:

«أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ!» (۲ / حجرات)

یعنی به صدای بلند سخن مگوئید تا اعمال شما حبط نشود!

معنای آیه این است که - اگر گفتیم به روی آن جناب فریاد نزنید و این که گفتیم به صدای بلند صحبت نکنید، آن طور که در بین خودتان صحبت می‌کنید، برای این بود که اعمالتان بدین وسیله و ندانسته باطل نشود، چون این دو عمل باعث حبط و بطلان اعمال صالح است!

ظاهر آیه شریفه این است که بلند کردن صدای خود از صدای رسول الله صلی الله علیه و آله و بلند سخن گفتن در حضور آن جناب، دو عمل گناه و موجب حبط عمل است. از

حبط اعمال در اثر غفلت از رعایت احترام رسول (۱۹۱)

این مطلب استفاده می‌شود که غیر از کفر گناهان دیگری نیز وجود دارد که باعث حبط عمل می‌شود! - المیزان ج: ۳۵، ص: ۱۷۰.

کسانی که در صدر اسلام مرتکب این عمل می‌شدند، خودمؤمن بودند، و مؤمنین باتشخیص این که این عمل زشت است، مرتکب آن می‌شدند، و چون در خیلی از گناهان مسامحه می‌کردند، خیال می‌کردند که خیلی مهم نیست، ولی نمی‌دانستند که این عمل باعث حبط و بطلان عبادات و اعمال صالحشان می‌گردد، و اگر می‌دانستند هرگز راضی به بطلان آن نمی‌شدند.

لذا خدای تعالی متوجه‌شان کرد به این که این عمل چنین خطری دارد و شما نمی‌دانید، و شما نمی‌دانید که این عمل شما اثری هولناک و خطری عظیم دارد، و آن این است که اعمالتان را حبط می‌کند، پس زنهار متوجه باشید و هیچ یک از این دو قسم حرف زدن را مرتکب نشوید، که اعمالتان باطل می‌شود و خودتان متوجه نیستید!

(۱۹۲) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

مؤمنین قبل از نهی نمی‌دانستند که این عملشان چقدر زشت است، و زشتی‌اش به این حد از عظمت است، و اما بعد از صدور بیان الهی فهمیدند که خطر احباط در این عملشان وجود دارد.

وصف رعایت کنندگان احترام رسول الله صلی الله علیه و آله

خداوند سبحان برای تشویق مؤمنین به رعایت احترام رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«کسانی که صدای خود را نزد رسول الله پائین می‌آورند، کسانی هستند که خداوند دل‌های آن‌ها را با تقوی تمرین داده، و امتحان کرده است!» (۲ / حجرات)

سیاق آیه سیاق وعده جمیلی است در برابر آهسته کردن صدا پیش رسول الله صلی الله علیه و آله بعد از آن که مؤمنین را توصیف می‌کند به این که خداوند دل‌هایشان را برای تقوی تمرین داده است، و این خود تأکیدی است برای مضمون آیه قبلی تا مؤمنین را تشویق کند به این که نهی در آیه را عمل کنند.

وصف رعایت کنندگان احترام رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۹۳)

کسانی که چنین ادبی دارند تقوی خلق آن‌ها شده، و خداوند دل‌هایشان را برای تقوی تمرین داده است و پاداش این حالت وعده جمیلی است که فرمود:

«لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ!» (۳ / حجرات)

منع خطاب رسول الله صلی الله علیه و آله از پشت حجره‌ها

– «کسانی که تو را از پشت حجره‌ها صدا می‌کنند، اغلبشان تعقل ندارند!» (۴ / حجرات)

از سیاق آیه چنین برمی‌آید که از واقعه‌ای خبر می‌دهد که واقع شده است، و اشخاص جفاکاری بوده‌اند که آن جناب را از پشت دیوار حجره‌هایش صدا می‌زدند، و در حقش رعایت ادب و احترام نمی‌کردند، و خدای تعالی در این آیه مذمتشان می‌کند و آن‌ها را به نادانی و نداشتن عقل توصیف می‌نماید و به حیوانات و چارپایان تشبیه‌شان می‌کند، سپس توصیه می‌فرماید:

(۱۹۴) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

– «اگر این جفاکاران صبر کنند و تو را صدا نزنند، تا خودت به دیدن آن‌ها از خانه در آئی، برای آنان بهتر است، برای این که هم ادبی است نیکو، و هم تعظیم و احترام مقام رسالت، و رعایت این ادب آنان را به مغفرت خدا و رحمت او نزدیک می‌کند، چون او پروردگاری است غفور و رحیم!» (۴ و ۵ / حجرات)

یعنی آنچه از این افراد جفاکار صادر شد و آن جهالت و سوء ادبشان مورد عفو قرار گرفت چون از روی عقل مرتکب نشدند، بلکه ناشی از قصور فهمشان بود، و خدا هم غفور و رحیم است! (۱)

۱- میزان ج : ۳۶، ص : ۱۷۹.

منع خطاب رسول الله صلی الله علیه و آله از پشت حجره‌ها (۱۹۵)

فرمان اطاعت نام از رسول الله صلی الله علیه و آله

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ...» (۲۸ / حدید)

در این آیه کسانی را که ایمان آورده‌اند امر می‌کند به تقوی و به ایمان به رسول، با این که این اشخاص دعوت دینی را پذیرفته‌اند، و قهرا به خدا و رسول ایمان آورده‌اند، پس همین امر مجدد به ایمان به رسول دلیل بر این است که مراد به این ایمان پیروی کامل و

اطاعت تام و تمام است، چه این که امر و نهی رسول مربوط به حکمی از احکام شرع باشد، و چه اعمال ولایتی باشد که آن جناب بر امور امت دارد. قرآن مجید در جای دیگر می‌فرماید:

«نه! به پروردگارت سوگند! ایمان نخواهند آورد، مگر وقتی که تو را در مشاجراتی که بین‌شان واقع می‌شود، حاکم بدانند و چون حکم کردی به هیچ وجه در دل ناراحت نشوند، بلکه به طور کلی تسلیم باشند!» (۶۵ / نساء)

(۱۹۶) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

پس ایمانی که در آیه مورد بحث بدان امر شده، ایمانی بعد از ایمان، و مرتبه‌ای است از ایمان، بالاتر از مرتبه‌ای که قبلاً داشتند و تخلف از آثارش ممکن بود، مرتبه‌ای است که به خاطر این که قوی است اثرش از آن تخلف نمی‌کند و به همین مناسبت بود که فرمود:

«ای کسانی که ایمان آوردید، به این پایه از ایمان اکتفا نکنید! تقوی پیشه کنید، و به رسول او ایمان بیاورید! تا دوباره رحمت خود را به شما بدهد، و برایتان نوری قرار دهد که با آن زندگی کنید، و شما را بیامرزد، و خدا آمرزگار و رحیم است!» (۲۸ / حدید)

پس کسی که دارای این مرتبه بالای از ایمان باشد، ثوابی روی ثواب دارد، هم‌چنان که ایمانی روی ایمان دارد! (۱)

۱- المیزان ج: ۳۶، ص: ۱۷۹.

فرمان اطاعت تام از رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۹۷)

ارتباط رسول الله صلی الله علیه و آله با سایر انبیاء

«وَاسْئَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا...» (۴۵ / زحرف)

روایات زیادی از ائمه اهل بیت علیهم السلام رسیده که آیه شریفه فوق به روشنی دلالت دارد بر این که رسول خدا صلی الله علیه و آله در همین دنیا که بوده با عالم برزخ که انبیاء سابق در آن هستند، اتصال و ارتباط داشته است، هم‌چنان که تشریح سلام در آخر نماز مسلمانان به صورت بیان «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ!» به روشنی دلالت دارد بر این که آن جناب بعد از رحلت هم با عالم دنیا ارتباط و اتصال دارد و سلام ما را می‌شنود.

«از رسولانی که قبل از تو فرستاده بودیم سؤال کن، آیا غیر از رحمان خدایانی معین کرده بودیم که مردم آن‌ها را بپرستند؟!» (۴۵ / زحرف) (۱)

(۱۹۸) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

رفع اتهام جنون و کهنات از رسول الله صلی الله علیه و آله

«فَذَكَرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ...!» (۲۹ تا ۴۴ / طور)

در این آیات قرآنی خداوند سبحان رسول گرامی خود را دستور می‌دهد دعوت خود را هم‌چنان ادامه دهد و تذکر خود را متوقف نسازد و اشاره می‌کند به این که آن جناب صلاحیت اقامه دعوت حقه را دارد:

«تو به دعوت خود ادامه بده! چون تو هر تذکری می‌دهی به حق است و به نعمت و عنایت پروردگارت، نه کاهنی و نه مجنون!»

و می‌فرماید: این تکذیب کنندگان در تکذیب رسول خدا صلی الله علیه و آله و رد دعوت او

۱- المیزان ج: ۳۵، ص: ۱۷۰.

رفع اتهام جنون و کهنات از رسول الله صلی الله علیه و آله (۱۹۹)

هیچ عذری ندارند و عذرهایی را که از جانب خود تراشیده‌اند، همگی بی‌پایه‌اند.

عذرهایی که در مقابل رسول خدا صلی الله علیه و آله تراشیده بودند بالغ بر شانزده نوع بود که بعضی از آن‌ها مربوط به رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌شد، که اگر موجه بود، معنایش این می‌شد که آن جناب صلاحیت برای پیروی ندارد، عذرهایی است که از قبول سخن او جلوگیری می‌کند، مانند این که آن جناب کاهن، یا جن زده، یا شاعر، و یا دروغ‌پرداز بر خدا باشد و یا خواسته باشد با دعوتش مردم را سرکیسه کند. و قسمت دیگر از آن‌ها مربوط به خود تکذیب کنندگان می‌شد، مثل این که ایشان بدون خالق به وجود آمده باشند و یا خود خالق خویشان باشند و با عقلشان حکم کند به این که باید دعوت آن جناب را تکذیب کنند. و از این قبیل عذرهایی دیگر!

و آیات مورد بحث علاوه بر رد این عذرها، کفار را به خاطر تکذیبشان شدیداً توبیخ می‌فرماید.

(۲۰۰) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

این که کاهن و مجنون نبودن را مقید کرد به نعمت پروردگار، خواست مخصوصاً بر آن جناب منت گذارد، و بفرماید: کاهن نبودن و مجنون نبودن اختصاص به تو ندارد، بیشتر مردم همین طورند، ولی در تو نعمت خاصی است که نمی‌گذارد در معرض چنین صفتی قرارگیری، و کفالت و دیوانگی و امثال آن از تو محال است، به خلاف سایر مردم که در معرض آن هستند:

«و تو در برابر حکم پروردگارت صبر کن! که تو در تحت نظر مائی! و پروردگارت را با حمدش تسبیح گوی! هم در حال قیام و هم پاره‌ای از شب و هنگام صبح که ستارگان پنهان می‌شوند!» (۴۸ / طور) (۱)

۱- المیزان ج: ۳۷، ص: ۳۵.

رفع اتهام جنون و کفالت از رسول الله صلی الله علیه و آله (۲۰۱)

(۲۰۲)

فصل یازدهم: معراج رسول الله صلی الله علیه و آله

شرح معراج در قرآن

«سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا...»

(۱ / اسری)

قرآن مجید در این آیه وقوع معراج رسول الله صلی الله علیه و آله از مسجد الحرام به مسجد الاقصی را بیان فرموده است. مسجد الاقصی همان بیت المقدس، و هیکلی است که داود و سلیمان علیه السلام برای بنی اسرائیل بنا نمودند و خدا آن را خانه مقدس ایشان قرار داد.

(۲۰۳)

«اسری» به معنی سیر در شب است که نشان می‌دهد خداوند متعال رسول الله صلی الله علیه و آله را شبانه سیر داده است. کلمه «لَيْلًا» نشان می‌دهد که این سیر هم‌اشار در شب انجام گرفته است، هم رفتنش و هم برگشتنش.

مراد از «مسجد الاقصی» به قرینه آن که فرمود: - الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنَعْبُدَكَ يَا رَبَّنَا - همان «بیت المقدس» است. کلمه «أَقْصَى» به معنای دوری است. اگر «مسجد بیت المقدس» را «مَسْجِدُ الْأَقْصَى» نامیده بدین جهت است که این مسجد نسبت به مسجد الحرام و شهر مکه که محل زندگی رسول الله صلی الله علیه و آله و مخاطبین اویند، دورتر است.

نتیجه این سیر دادن را قرآن کریم در عبارت «لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا» بیان می‌کند و آن این که خداوند سبحان خواست: «تا پاره‌ای از آیات خود را به او نشان دهد!»

سیاق کلام نشان می‌دهد که این آیات از آیات عظیم بوده است که در سوره نجم آیه (۲۰۴) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله ۱۸ بدان اشاره کرده و فرموده:

«آیه‌های بزرگی از آیات پروردگارش را مشاهده نمود - لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى!»

در آخر آیه که فرمود خداوند متعال شنوای گفته‌های بندگان و بینای افعال آنان است دلالت دارد بر این که او تقاضای حال رسول گرامی خود را دیده که چنین اکرامی را اقتضا می‌کند، او را برای نشان دادن پاره‌ای از آیاتش شبانه سیر داده است. این «اسرای شبانه» و آثار مترتب بر آن یعنی نشان دادن آیات، امری بوده که از ساحت عظمت و کبریائی و موطن عزت و جبروت حق تعالی صادر شده، و در آن سلطنت عظمای او به کار رفته، و خداوند سبحان با آیات کبرای خود برای او تجلی کرده است! معنای آیه این است که:

- باید تنزیه کند، تنزیه کردن مخصوص، آن خدائی را که به عظمت کبریائی‌اش بنده خود محمد را، شبانه سیر داد، نهایت قدرت و سلطنت

شرح معراج در قرآن (۲۰۵)

خود را به وی نشان داد و در دل یک شب او را از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی برد، همان بیت المقدسی، که پیرامونش را مبارک گردانیده بود!

و این بدان جهت کرد که عظمت و کبریائی، و آیات کبرای خود را به وی بنمایاند، چون او شنوای به گفتار و بصیر و دانای به حال او بود، و می‌دانست که او لایق چنین مکرمتی است! (۱)

معراج رسول الله صلی الله علیه و آله نهایت کمال انسانی

در روایات اسلامی نکات بسیار زیادی درباره جزئیات معراج رسول الله صلی الله علیه و آله آمده که موقوف و مقام آن جناب را در پیشگاه ربوبی و حد نهایت سیر کمالی این رسول مکرم را نشان می‌دهد، از آن جمله روایتی است در کافی از حضرت امام صادق علیه السلام که به

۱- میزان ج: ۲۵، ص: ۱۰.

(۲۰۶) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

ابوبصیر فرمود:

«... در معراج، جبرئیل رسول الله صلی الله علیه و آله را در موقفی برد و به او گفت: - این جا باش که در جائی قرار گرفته‌ای که تا کنون نه فرشته‌ای بدان راه یافته و نه پیغمبری! این جاست که پروردگارت صلاه می‌گزارد! پرسید: چگونه صلاه می‌گزارد؟ گفت، می‌گوید:

- سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ! منم پروردگار ملائکه و روح! رحمتم از غضبم پیشی گرفته است!

رسول الله صلی الله علیه و آله گفت: - عَفْوُكَ! عَفْوُكَ!

امام فرمود: در آن حال نزدیکی رسول الله صلی الله علیه و آله به پروردگار همان قدر بوده است که قرآن درباره‌اش فرموده: «قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى!» (۹ / نجم)

ابو بصیر به آن جناب عرض کرد: - «قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى!» یعنی چه؟

معراج رسول الله صلی الله علیه و آله نهایت کمال انسانی (۲۰۷)

فرمود: - ما بین دستگیره کمان تا سر کمان! سپس فرمود:

- میانه آن دو حجابی است دارای تلؤلؤ! (به نظرم می‌رسد فرمود: حجابی است از زبرجد و دارای تلؤلؤ)، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از دریچه‌ای به قدر سوراخ سوزن عظمتی را، که مگر خدا بداند، مشاهده نمود... (صلواتی که در این روایت بود قاعدتا باید درست باشد، چون معنای صلوات در اصل لغت به معنی میل و انعطاف است، میل و انعطاف از خدای سبحان به طوری که گفته شد رحمت، و از عبد دعاست! گفتاری هم که جبرئیل از خدای تعالی در صلواتش نقل کرد که می‌فرماید:

«رحمتم از غضبم پیشی گرفته!»

خود مؤید این معناست، و به همین جهت بود که جبرئیل آن جناب را در آن موقف نگاه داشت، موقفی که هم او گفت - هیچ فرشته‌ای و پیغمبری بدان‌جا راه نیافته است!

لازمه این وصفی که برای آن موقف کرد، این است که موقف نامبرده واسطه‌ای میان

(۲۰۸) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله

خلق و خالق و آخرین حدی از کمال بوده که ممکن است یک انسان بدان‌جا برسد!

پس حد نامبرده همان حدی است که رحمت الهی در آن ظهور کرده و از آن‌جا به مادون و پائین تر افاضه می‌شود. به همین جهت در آن‌جا بازداشته شد تا رحمت خدای را به خود و به مادون خود ببیند! (۱)

معراج و اتمام دین و انتخاب وزیر

از عبدالله بن عباس روایت شده که گفت: «وقتی رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله به آسمان عروج نمود، جبرئیل او را به کنار نه‌ری رسانید که آن‌را «نهر نور» گویند، و آیه «وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ» (۱ / انعام) اشاره به آن است. وقتی به آن نهر رسیدند، جبرئیل او را گفت:

- ای محمد! به برکت خدا عبور کن! چه خداوند چشمت را برایت نورانی کرده، و جلوی رویت را وسعت داده است!

۱- المیزان ج: ۲۵، ص: ۴۷.

معراج و اتمام دین و انتخاب وزیر (۲۰۹)

آری، این نهری است که تاکنون احدی از آن عبور نکرده است، نه فرشته‌ای مقرب، و نه پیامبری مرسل، تنها و تنها من روزی یک بار در آن آب‌تنی می‌کنم، و وقتی بیرون می‌شوم باله‌ایم را به هم می‌زنم و هیچ قطره‌ای نیست که از بالم بچکد مگر آن که خدای تعالی از آن قطره فرشته‌ای مقرب خلق می‌کند که بیست هزار روی و چهل هزار بال دارد، و به هر زبانی با لغتی جداگانه حرف می‌زند، که زبان دیگری آن را نمی‌داند و نمی‌فهمد!

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از آن نهر عبور کرد، تا رسید به حجاب‌ها - حجاب‌ها پانصد عدد بودند که میان هر دو حجابی پانصد سال راه بود.

آن‌گاه جبرئیل به وی گفت: - ای محمد! جلو برو! رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله پرسید: - چرا با من نمی‌آئی؟ گفت: - من نمی‌توانم از این‌جا پافراتر بگذارم!

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله آن قدر که خدا می‌خواست جلو رفت تا آن که گفتار خدای سبحان را شنید که می‌فرمود:

(۲۱۰) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله

- من محمودم و تو محمدی! اسمت را از اسم خود مشتق نمودم! پس هر که با تو بیوندد من با او می‌پیوندم! و هر که با تو قطع کند

من با او قطع می‌کنم! پائین رو! و به سوی بندگانم! و ایشان را از کرامتی که به تو کردم خبر ده! هیچ پیغمبری برنگزیدم مگر آن که برای او وزیری قرار دادم، و تو پیغمبر من، و علی بن ابیطالب وزیر توست! (۱)

اعتبار روایات مربوط به معراج

اعتبار روایات مربوط به معراج

اخبار معراج بسیار زیاد است، و به حد تواتر می‌رسد. جمع کثیری از صحابه آن را نقل کرده‌اند، مانند: علی بن ابیطالب علیه‌السلام، مالک، شداد بن اویس، ابوسعید خدری، ابوهریره، عبدالله بن مسعود، عمر بن خطاب، عبدالله بن عمر، عبدالله بن عباس، ابی بن ۱- المیزان ج: ۲۵، ص: ۳۱.

اعتبار روایات مربوط به معراج (۲۱۱)

کعب، سمره بن جندب، بریده، صهیب بن سنان، حذیفه بن یمان، سهل بن سعد، ابو ایوب انصاری، جابر بن عبدالله، ابوالحمراء، ابوالدرداء، عروه، ام هانی، ام سلمه، عایشه و اسماء دختر ابوبکر؛ که همگی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله آن را نقل نموده‌اند. در این روایات درباره زمان و مکان، و دو مرحله‌ای بودن معراج و کیفیت آن از لحاظ روحانی بودن یا جسمانی بودن نظراتی به شرح زیر اعلام شده است:

۱ - زمان و مکان آغاز معراج

از دانشمندان اسلامی هم همه آن‌هایی که کلامشان مورد اعتناست، اتفاق دارند بر این که معراج در مکه معظمه و قبل از هجرت به مدینه اتفاق افتاده است، هم‌چنان که خود آیه نیز نشان می‌دهد آن حضرت از مسجد الحرام در مکه به معراج رفته است. در این که معراج در چه سالی اتفاق افتاده، نظرات مختلفی ابراز شده است. بعضی آن را در سال سوم بعثت و بعضی در سال پنجم یا ششم و بیشتر از آن دانسته‌اند.

(۲۱۲) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله

در محل حرکت معراج نیز اختلاف در روایت وجود دارد. بعضی آن را «شعب ابیطالب» دانسته و گفته‌اند که آن حضرت از شعب ابیطالب به معراج رفته است، ولی خصوصیات و جزئیاتی را که برای آن تعریف می‌کنند، تصور نمی‌رود چنین خصوصیتی در ایامی اتفاق افتاده باشد که ابیطالب علیه‌السلام در شعب محاصره و دست به گریبان شداید و بلاایای زیاد بوده است! به هر حال معراجی که آیه شریفه آن را اثبات می‌کند، معراجی که به بیت‌المقدس بوده، ابتدائش مسجدالحرام بوده است و آیه شریفه در این معنا کمال ظهور را دارد.

۲ - دو مرحله‌ای بودن معراج

آن‌چه باید خاطر نشان ساخت این است که روایات وارده از امامان اهل بیت، معراج را در دو نوبت می‌دانند و از آیات سوره نجم هم همین معنا استفاده می‌شود، زیرا در آن جا دارد که:

اعتبار روایات مربوط به معراج (۲۱۳)

«وَلَقَدْ رَأَهُ نَزَلَةً أُخْرَى - به تحقیق آن را دفعه دیگری بدید!» (۱۳ / نجم)

بنابراین جزئیاتی که درباره معراج در روایات وارد شده و با هم سازگاری ندارند، ممکن است یک دسته از آن‌ها مربوط به معراج

اول و یک دسته دیگر راجع به معراج دوم بوده و پاره‌ای دیگر مشاهداتی باشد که آن حضرت در هر دو معراج مشاهده کرده است.

۳ - جسمانی یا روحانی بودن معراج

بعضی در کیفیت معراج گفته‌اند که هم روحانی و هم جسمانی بوده است، و رسول خدا صلی الله علیه و آله با بدن خاکی خود از مسجد الحرام به بیت المقدس و از آنجا نیز با جسد و روحش به آسمانها عروج نموده است.

برخی دیگر معتقدند آن حضرت با روح و جسدش تا بیت المقدس و از آنجا با روح شریفش به آسمانها عروج نموده است، و خود از رؤیاهای صادقی است که خداوند به پیغمبرش نشان داده است. عده دیگری گفته‌اند: از اول تا به آخر حتی آسمانها را هم با (۲۱۴) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

جسد و روح خود معراج کرده است. سابقه این امر در قرآن است و آن معراج موسی بن عمران علیه السلام است که خدای تعالی او را با جسد و روحش تا طور سینا برد.

همچنین در قرآن مجید آمده که خداوند تعالی ابراهیم علیه السلام را تا آسمان دنیا بالا برد و ملکوت را به او نشان داد. و حضرت عیسی علیه السلام را تا آسمان چهارم برده است:

«او را تا جائی بلند عروج دادیم!» (۵۷/مریم)

و درباره رسول خدا صلی الله علیه و آله در قرآن فرموده:

«فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ - پس تا اندازه قاب دو قوسی رسید!» (۹/نجم) و معلوم است که این به خاطر علو همت آن حضرت بود!

آنچه سزاوار است در این خصوص گفته شود، این است که، اصل اسراء و معراج از مسائلی است که هیچ راهی به انکار آن نیست! چون قرآن مجید درباره آن به تفصیل بیان فرموده و اخبار متواتره از رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامان اهل بیت علیهم السلام

اعتبار روایات مربوط به معراج (۲۱۵)

برطبق آن رسیده است.

اما درباره چگونگی جزئیات آن از ظاهر آیه و روایات محفوظ به قرائنی است که آیه را دارای ظهور نسبت به آن جزئیات می‌کنند، ظهوری که هیچ گونه قابل دفع نیست! و با در نظر داشتن آن قرائن از آیه و روایات چنین استفاده می‌شود که:

- آن حضرت با روح و جسدش از مسجد الحرام تا مسجد الاقصی رفته است. و اما عروجش به آسمانها، از ظاهر آیات سوره نجم و

صریح روایات بسیار زیادی برمی آید که این عروج واقع شده و به هیچ وجه نمی‌توان آن را انکار نمود، و چیزی که هست ممکن

است بگوئیم که این عروج با روح مقدسش بوده است، ولی نه آن طور که قائلین به معراج روحانی معتقدند که به صورت رؤیای

صادقانه بوده است، چه اگر صرف رؤیا می‌بود دیگر جا نداشت آیات قرآنی این قدر درباره

(۲۱۶) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

آن قدرت نمائی کنند و در مقام اثبات کرامت درباره آن جناب برآیند!

مقصود از روحانی بودن آن این است که روح مقدس آن جناب به ماوراء این عالم مادی، یعنی آنجا که ملائکه مقربین منزل

دارند، و اعمال بندگان بدانجا منتهی و مقدرات از آنجا صادر می‌شود، عروج کرده، و آن آیات کبرای الهی را مشاهده و حقایق

اشیاء و نتایج اعمال برایش مجسم شده است، و ارواح انبیاء عظام را ملاقات و با آنان گفتگو کرده است، و ملائکه کرام را دیده و با

آنان صحبت نموده است، و آیات الهیه‌ای را دیده که جز با عبارات: عرش، حجب، و سرادقات تعبیر از آنها ممکن نبوده است! و

این است معنای معراج روحانی! (۱)

۱- المیزان ج: ۲۵، ص: ۵۳.

اعتبار روایات مربوط به معراج (۲۱۷)

تاریخچه معراج در روایات اسلامی

تاریخچه معراج در روایات اسلامی

یکی از روایاتی که تفصیل کامل معراج رسول الله صلی الله علیه و آله را بیان کرده، از امام صادق علیه السلام، در تفسیر قمی است. در این روایت و در تمام روایاتی که به تواتر از حضرت محمد صلی الله علیه و آله رسول گرامی خدا در این باره نقل شده، نکاتی وجود دارد که به دلیل ارتباط مسئله با ماوراء الطبیعه به صورت تمثیل و تمثیل بیان گردیده و اخبار معراج از این گونه مشاهدات مثالی پر است و این معنا در تمام اخبار دیده می‌شود و هیچ اشکالی هم ندارد. البته در برخی موارد نسبت به توضیح چنین مطالبی اشاره خواهد رفت:

(۲۱۸) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

۱ - شروع حرکت

جبرئیل و میکائیل و اسرافیل اسبی به نام «بُراق» برای رسول الله صلی الله علیه و آله آورده بودند. (براق اسبی است که برای مسافرت تا بیت المقدس و طی منازل اولیه و با سرعت مثالی به کار رفته است.)

یکی از این ملائکه مهار اسب را گرفت و یکی رکاب آن را، و یکی دیگر جامه رسول الله صلی الله علیه و آله را در هنگام سواری مرتب کرد. در این موقع براق بنای چموشی گذاشت و جبرئیل لطمه‌ای به او زد و گفت:

- آرام باش ای براق! قبل از این پیامبر، هیچ پیغمبری سوار تو نشده، و بعد از این هم کسی مانند او سوارت نخواهد شد!

براق بعد از لطمه آرام شد، و او را مقداری که خیلی زیاد هم نبود، بالا برد، در حالی که جبرئیل هم همراهش بود، و آیات خدائی از آسمان و زمین را به وی نشان می‌داد.

تاریخچه معراج در روایات اسلامی (۲۱۹)

۲ - شرح وسیله حرکت

در مجمع البیان آمده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل در موقعی که من در مکه بودم نزد من آمد و گفت: - ای محمد برخیز! من برخاستم و با او به طرف درب به راه افتادم و دیدم که میکائیل و اسرافیل هم با او آمده‌اند.

جبرئیل «بُراق» را که حیوانی بزرگ‌تر از الاغ و کوچک‌تر از قاطر بود، و صورتی چون گونه انسان، و دمی چون دم گاو، و یالی چون یال اسب، و پاهائی چون پاهای شتر داشت، حاضر کرد، و بر پشت آن جلی بهشتی بود، و دو بال از قسمت رانهایش جدا شده بود، و گامش به اندازه چشم‌اندازش بود. جبرئیل به من گفت:

- سوار شو!

من سوار شدم و به راه افتادم تا به بیت المقدس رسیدم.

(۲۲۰) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

۳ - مشاهدات بین راه مکه تا بیت المقدس

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: در حینی که داشتیم می‌رفتیم، ناگهان یک منادی از سمت راست ندایم داد که: - هان ای محمد! ولی من به گفته او توجهی نکردم. منادی دیگر از طرف چپ ندا داد که: - هان ای محمد! او را نیز پاسخی نگفته و التفاتی ننمودم. زنی با دست و ساعد برهنه و غرق در زیورهای دنیوی به استقبال آمد و گفت: - ای محمد! به من نگاه کن تا با تو سخن گویم! به او نیز التفات نکردم. هم‌چنان پیش می‌رفتم که ناگهان آوازی شنیدم که از شنیدنش ناراحت شدم، از آن نیز گذشتم. (شرح این صداها متعاقباً بیان خواهد شد.)

۴ - نماز پیامبر در طور سینا و بیت اللحم

این جا بود که جبرئیل مرا پائین آورد و گفت: - ای محمد! نماز بخوان! من مشغول نماز شدم، سپس گفت: - هیچ میدانی که کجاست که نماز می‌خوانی؟ گفتم: نه! گفت: تاریخچه معراج در روایات اسلامی (۲۲۱) - این جا طور سیناست، همان جایی است که خداوند با موسی تکلم فرمود، تکلمی مخصوص! آن گاه سوار شدم و خدا می‌داند که چقدر رفتیم که به من گفت: - پیاده شو و نماز بگذار! من پائین آمدم و نماز گزاردم. گفت: - هیچ می‌دانی کجا نماز خواندی؟ گفتم: نه! گفت: - این بیت اللحم بود! (بیت اللحم ناحیه‌ای است از زمین بیت المقدس و همان جاست که عیسی بن مریم علیه السلام متولد شده است.)

۵ - رسول الله صلی الله علیه و آله در بیت المقدس و در نماز پیامبران

آن گاه سوار شدیم و به راه افتادیم تا به بیت المقدس رسیدیم. پس براق را به حلقه‌ای که قبلاً انبیاء مرکب خود را بدان می‌بستند بستم و وارد مسجد شدم، در حالی که جبرئیل همراه و در کنارم بود. در آن جا به ابراهیم خلیل و موسی و عیسی علیه السلام در میان عده‌ای از خیل انبیاء که - (۲۲۲) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله خدا می‌داند چقدر بودند - برخورد نمودم، که همگی به خاطر من اجتماع کرده بودند و مهیای نماز بودند و من شکی نداشتم در این که جبرئیل جلو می‌ایستد و بر همه ما امامت می‌کند، ولی وقتی صف نماز مرتب شد جبرئیل بازوی مرا گرفت و جلو برد و بر آنان امامت نمودم، (و البته افتخار هم نمی‌کنم!)

۶ - آزمایش‌های رسول الله صلی الله علیه و آله و شرح ماجراهای بین راه

آن گاه خازنی نزد آمد در حالی که سه ظرف همراه داشت: یکی شیر، یکی آب، و یکی شراب؛ و شنیدم که می‌گفت: - اگر آب را بگیری، هم خودش و هم امتش غرق می‌شوند؛ اگر شراب را بگیری، هم خودش و هم امتش گمراه می‌گردند؛ و اگر شیر را بگیری، هدایت شده و امتش نیز هدایت می‌شوند! آن گاه فرمود: من شیر را گرفتم و از آن آشامیدم! جبرئیل گفت: تاریخچه معراج در روایات اسلامی (۲۲۳) - هدایت شدی و امت نیز هدایت شد! آن گاه از من پرسید - در مسیرت چه دیدی؟ گفتم: هاتفی را شنیدم که از طرف راستم مرا صدا زد. جبرئیل پرسید:

- آیا تو هم جوابش دادی؟ گفتم: نه! و هیچ به سویش توجه نکردم! گفت:

- او مبلغ یهود بود و اگر پاسخش گفته بودی امتت بعد از خودت به یهودی گری می گزیدند! سپس پرسید:

- دیگر چه دیدی؟ گفتم: هاتفی از طرف چپ صدایم زد! جبرئیل پرسید:

- آیا تو جوابش دادی؟ گفتم: نه! و توجهی هم به سویش نکردم! گفت:

- او داعی مسیحیت بود، و اگر جوابش می دادی امتت تو بعد از تو مسیحی می شدند! آن گاه پرسید: - چه کسی از پیش رویت درآمد؟

گفتم: زنی دیدم با بازوانی برهنه که بر او بود همه زیورهای دنیوی، و به من گفت: ای محمد به سوی من نگر تا با تو سخن گویم! (۲۲۴) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

جبرئیل پرسید: آیا تو هم با او سخن گفتی؟ گفتم: نه به او توجهی کردم و نه سخن گفت! او دنیا بود! و اگر با او همکلام می شدی امتت تو دنیا را بر آخرت ترجیح می دادند! آن گاه آوازی هول انگیز شنیدم که مرا به وحشت انداخت. جبرئیل گفت: ای محمد می شنوی؟ گفتم: آری! گفت:

- این سنگی است که من هفتاد سال قبل از لب جهنم به داخل آن پرتاب کردم، الان در قعر جهنم جای گرفت و این صدا از آن بود! (اصحاب می گویند: به همین جهت رسول خدا صلی الله علیه و آله تا زنده بود، خنده نکرد!)

۷ - شروع معراج آسمانی رسول الله صلی الله علیه و آله

آن گاه رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل بالا رفت، و من هم با او بالا رفتم تا به آسمان دنیا رسیدیم.

(در مجمع البیان، در شرح بالا رفتن و وسیله آن نوشته که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

تاریخچه معراج در روایات اسلامی (۲۲۵)

جبرئیل دست مرا گرفت و بالای صخره برد، و در آن جا نشانند که ناگهان نردبام و معراجی را دیدم که هرگز به زیبایی و جمال آن ندیده بودم. پس به آسمان صعودم داد و عجایب و ملکوتش را دیدم و ملائکه آن جا به من سلام کردند.)

۸ - مشاهده فرشتگان (در آسمان اول - آسمان دنیا)

وقتی به آسمان دنیا رسیدیم، در آن فرشته‌ای را دیدم که او را اسماعیل می گفتند، و هم او بود صاحب «حَطْفَةُ» که خدای عزوجل درباره اش فرموده: «الَّا مَنْ حَطَفَ الْحَطْفَةَ فَاتَّبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ - مگر کسی که خبر را بقاپد، پس تیر شهاب او را دنبال می کند!» (۱۰ / صافات)

او هفتاد هزار فرشته زیر فرمان داشت، که هر یک از آنان هفتاد هزار فرشته دیگر زیر فرمان داشتند. فرشته نامبرده پرسید: - ای جبرئیل این کیست که همراه توست؟ گفت: - این محمد رسول خداست! پرسید: - مبعوث هم شده؟ گفت: آری!

(۲۲۶) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

فرشته در را باز کرد، و من به او سلام کردم او نیز به من سلام کرد، و من جهت او استغفار کردم، او نیز جهت من استغفار کرد، و گفت:

- مرحبا به برادر صالح و پیغمبر صالح! و هم چنین، ملائکه یکی پس از دیگری به ملاقاتم می آمدند تا به آسمان دوم وارد شدم.

۹ - مشاهده جهنم

در آن جا هیچ فرشته‌ای ندیدم، مگر آن که خوش و خندان یافتم، تا این که فرشته‌ای دیدم که از او مخلوقی بزرگتر ندیده بودم، فرشته‌ای بود کریه‌المنظر و غضبناک، و او نیز مانند سایرین با من برخورد نمود و هر چه آن‌ها گفتند او نیز گفت، و هر دعا که آن‌ها در حق من کردند، او نیز کرد. اما در عین حال هیچ خنده‌ای نکرد، برخلاف آن‌چه که دیگر ملائکه می‌کردند.

پرسیدم: ای جبرئیل این که باشد که این چنین مرا به فزع انداخت؟ جبرئیل گفت:

تاریخچه معراج در روایات اسلامی (۲۲۷)

- جا دارد که ترسیده شود! خود ما هم همگی از او می‌ترسیم! او خازن و مالک جهنم است، و تا کنون خنده نکرده است. و از روزی که خدا او را متصدی جهنم کرده تا به امروز روز به روز بر غضب و غیظ خود نسبت به دشمنان خدا و گنهکاران می‌افزاید، و خداوند به دست او از ایشان انتقام می‌گیرد، و اگر بنا بود به روی احدی تبسم کند، چه آن‌ها که قبل از تو بودند و چه بعدی‌ها، قطعاً به روی تو تبسم می‌کرد.

پس من بر او سلام کردم، و او بر من سلام کرد، و به نعیم بهشت بشارتم داد. پس من به جبرئیل گفتم: - آیا ممکن است او را فرمان دهی تا آتش دوزخ را به من نشان دهد؟

جبرئیل یعنی آن کسی که دارای مقامی است که خداوند متعال درباره‌اش فرموده:

«مُطَاعٌ تَمَّ آمِينَ!» (۲۱ / تکویر) گفت: آری؟ و به آن فرشته گفت:

- ای مالک! آتش را به محمد نشان بده!

(۲۲۸) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

او پرده جهنم را بالا زد، و دری از آن را باز نمود، و لهیبی از آن بیرون جست و به سوی آسمان سرکشید، و هم‌چنان بالا گرفت که گمان کردم مرا نیز خواهد گرفت. به جبرئیل گفتم: - دستور بده پرده‌اش را بپندازد! او نیز مالک را گفت تا به حال اولش برگردانید.

۱۰ - دیدار با آدم ابوالبشر

آن‌گاه به سیر خود ادامه دادم. مردی گندمگون و فریه را دیدم و از جبرئیل پرسیدم این کیست؟ گفت: - این پدرت آدم است! سپس مرا بر آدم عرضه نمود و گفت: - این ذریه‌توست! آدم گفت: - آری! روحی طیب و بوئی طیب، از جسدی طیب!

رسول خدا صلی الله علیه و آله در این جا که رسید سوره مطففین را از آیه هفدهم تا آخر سوره تلاوت فرمود: «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْإِنسَانِ لَفِي عِلِّيْنِ، وَ مَا أَدْرِيكَ مَا عِلِّيُّونَ، كِتَابٌ مَّرْقُومٌ، يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ...!»

تاریخچه معراج در روایات اسلامی (۲۲۹)

پس آن‌گاه فرمود: من به پدرم آدم سلام کردم، او هم بر من سلام کرد. من جهت او استغفار نمودم، او هم جهت من استغفار کرد و گفت:

- مرحبا به فرزند صالحم، پیغمبر صالح و مبعوث در روزگار صالح!

۱۱ - دیدار با ملک الموت

آن‌گاه به فرشته‌ای از فرشتگان گذشتم که در مجلسی نشسته بود، فرشته‌ای بود که همه دنیا در میان دو زانویش قرار داشت. در این میان دیدم لوحی از نور در دست دارد و آنرا مطالعه می‌کند، و در آن چیزی نوشته بود، و او سرگرم دقت در آن بود، نه به چپ می‌نگریست و نه به راست و قیافه‌ای چون قیافه مردم اندوهگین به خود گرفته بود!

پرسیدم این کیست، ای جبرئیل؟ گفت: - این ملک الموت است که دائما سرگرم قبض ارواح است!

گفتم: مرا نزدیکش ببر تا قدری با او صحبت کنم. وقتی مرا نزدیکش برد، سلامش

(۲۳۰) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

کردم، و جبرئیل وی را گفت که این محمد نبی رحمت است، که خدایش به سوی بندگان گسیل و مبعوث داشته است! عزرائیل مرحبا گفت: و با جواب سلام تحیتم داد، و گفت:

- ای محمد مژده باد تو را که تمامی خیرات را می‌بینم که در امت تو جمع شده است!

گفتم: - حمد خدای منان را که منت‌ها بر بندگان خود دارد! این خود از فضل پروردگارم است! آری، رحمت او شامل حال من است! جبرئیل گفت:

- این از همه ملائکه شدیدالعمل تر است! پرسیدم: - آیا هر که تا کنون مرده و از این به بعد می‌میرد، او جانش را می‌گیرد؟ گفت: آری! از خود عزرائیل پرسیدم:

- آیا هر کس، در هر جا به حال مرگ می‌افتد تو او را می‌بینی؟ و در آن واحد بر بالین همه آن‌ها حاضر می‌شوی؟ گفت: آری!

ملک الموت اضافه کرد که تمامی دنیا در برابر آنچه خدا مسخر من کرده، و مرا

تاریخچه معراج در روایات اسلامی (۲۳۱)

بر آن سلطنت داده، بیش از یک پول سیاه نمی‌ماند که در دست مردی باشد و آن را در دست بگرداند. من هیچ خانه‌ای نیست مگر آن که در هر روز پنج نوبت واری می‌کنم، و وقتی می‌بینم مردمی برای مرده خود گریه می‌کنند، می‌گویم: گریه مکنید، که باز نزد شما برمی‌گردم! و این قدر می‌آیم و می‌روم تا احدی از شما را باقی نگذارم! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: - ای جبرئیل! فوق مرگ طامه‌ای نیست؟

جبرئیل گفت: - مسائل بعد از مرگ شدیدتر از خود مرگ است!

۱۲ - مشاهده وضع حرام خواران

آن‌گاه به راه خود ادامه دادیم تا به مردمی رسیدیم که پیش رویشان طعام‌هایی از گوشت پاک و طعام‌هایی دیگر از گوشت ناپاک بود، و ناپاک را می‌خوردند و پاک را فرو می‌گذاشتند. پرسیدم: ای جبرئیل این‌ها کیانند؟ گفت:

- این‌ها حرام خواران از امت تو هستند که حلال را می‌گذارند و از حرام لذت می‌برند!

(۲۳۲) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

۱۳ - مشاهده فرشته موکل زمین

فرمود: آن‌گاه فرشته‌ای از فرشتگان را دیدم که خداوند امر او را عجیب کرده بود، چه نصفی از جسد او آتش و نصف دیگرش یخ بود، نه آتش یخ را آب می‌کرد و نه یخ آتش را خاموش می‌ساخت. او با صدای بلند داد می‌زد:

- منزله است خدائی که حرارت این آتش را گرفته و نمی‌گذارد این یخ را آب کند، و برودت یخ را گرفته و نمی‌گذارد این آتش را خاموش سازد! بارالها! ای خدائی که میان آتش و آب را سازگاری دادی، میان دل‌های بندگان با ایمان الفت قرار ده!

پرسیدم: ای جبرئیل این کیست؟ گفت:

- فرشته‌ای است که خدا او را به اکناف آسمان و اطراف زمین‌ها موکل نموده است، و او خیرخواه‌ترین ملائکه است و نسبت به بندگان مؤمن از سکنه زمین! و

تاریخچه معراج در روایات اسلامی (۲۳۳)

از روزی که خلق شده همواره این دعا را که شنیدی به جان آنان می‌کند.

و دو فرشته در آسمان دیدم که یکی می‌گفت:

- پروردگارا! به هر کس که انفاق می‌کند، خلف و جاپرکنی بده! و به هر کس که از انفاق دریغ می‌ورزد، تلف و کمبودی بده!

۱۴ - مشاهده صورت واقعی اعمال انسان‌ها

آن‌گاه به سیر خود ادامه دادم، و به اقوامی برخوردم که لبهائی داشتند مانند لبهای شتر، گوشت پهلویشان را قیچی می‌کردند، و به دهانشان می‌انداختند. از جبرئیل پرسیدم این‌ها کیانند؟ گفت: - سخن چینان و مسخره کنندگان‌اند! باز به سیر خود ادامه دادم و به مردمی برخوردم که فرق سرشان را با سنگ‌های بزرگ می‌کوبیدند، پرسیدم این‌ها کیانند؟ گفت:

- کسانی هستند که نماز عشاء را نخوانده می‌خوابند!

(۲۳۴) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

باز به سیر خود ادامه دادم، و به مردمی برخوردم که آتش در دهانشان می‌انداختند، و از پائین‌شان بیرون می‌آمد. پرسیدم: این‌ها کیانند؟ گفت:

- این‌ها کسانی‌اند که اموال یتیمان را به ظلم می‌خورند، که در حقیقت آتش می‌خورند، و به زودی به سعیر جهنم می‌رسند!

آن‌گاه پیش رفتم، و به اقوامی برخوردم که از بزرگی شکم احدی از ایشان قادر به برخاستن نبود. از جبرئیل پرسیدم، این‌ها چه کسانی هستند؟ گفت:

- این‌ها کسانی هستند که ربا می‌خورند، و برنمی‌خیزند مگر برخاستن کسی که شیطان ایشان را مس نموده، و در نتیجه مخبطشان کرده است!

در این میان به راه آل فرعون بگذشتم که صبح و شام بر آتش عرضه می‌شدند و می‌گفتند: - پروردگارا! قیامت کی برپا می‌شود؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پس، از آن‌جا گذشته، و به عده‌ای از زنان برخوردم که از

تاریخچه معراج در روایات اسلامی (۲۳۵)

پستان‌های خود آویزان بودند و از جبرئیل پرسیدم این‌ها چه کسانی‌اند؟ گفت:

- این‌ها زنانی هستند که اموال همسران خود را به اولاد دیگران ارث می‌دادند!

آن‌گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: غضب خداوند شدت یافت درباره زنی که فرزندی را که از یک فامیل نبود، داخل آن فامیل کرد و او در آن فامیل به عورات ایشان واقف گشته و اموال آنان را حیف و میل کرده است!

۱۵ - مشاهده تسبیح فرشتگان

آن‌گاه فرمود: از آن‌جا گذشتم و به عده‌ای از فرشتگان خدا برخوردم که خدا به هر نحو که خواسته خلقشان کرده، و صورت‌هایشان را هر طور که خواسته قرار داده است، هیچ یک از اعضای بدنشان نبود مگر آن‌که جداگانه از همه جانب و به

آوازه‌های مختلف خدا را حمد و تسبیح می‌کرد و فریاد آنان به ذکر خدا، و گریه از ترس او بلند بود! من از جبرئیل پرسیدم: این‌ها چه کسانی‌اند؟ جبرئیل گفت:

(۲۳۶) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

- خداوند این‌ها را همین طور که می‌بینی خلق کرده است، و از روزی که خلق شده‌اند هیچ یک از آنان به رفیق پهلو دستی خود نگاه نکرده، و حتی یک کلمه با او حرف نزده است، و از ترس خدا و خشوع در برابر او به بالای سر خود و پائین پایش نظر نینداخته است!

من به ایشان سلام کردم، آن‌ها بدون این که به من نگاه کنند با اشاره جواب دادند. آری! خشوع در برابر خدای سبحان اجازه چنین توجهی به ایشان نداد! جبرئیل مرا معرفی کرد و گفت:

- این محمد، پیغمبر رحمت است، که خدایش به سوی بندگان خود به عنوان نبوت و رسالت گسیل داشته است. آری! این خاتم النبیین و سید المرسلین است! آیا با او حرف نمی‌زنید؟

ملائکه وقتی این را شنیدند، روی به من آورده و سلام کردند و احترام نمودند، و مرا تاریخچه معراج در روایات اسلامی (۲۳۷)

و اتم را به خیر مژده دادند!

۱۶ - ملاقات رسول الله صلی الله علیه و آله با عیسی و یحیی علیه السلام (در آسمان دوم)

سپس به آسمان دوم صعود کردیم و در آنجا ناگهان به دو مرد برخوردیم که شکل هم بودند. از جبرئیل پرسیدم: این دو تن کیانند؟ جبرئیل گفت:

- اینان دو پسر خاله‌های تو «یحیی» و «عیسی بن مریم» علیهما السلامند.

من بر آن دو سلام کردم، ایشان نیز بر من سلام کردند، و برایم طلب مغفرت نمودند، و من هم برای ایشان طلب مغفرت کردم. به من گفتند:

- مرحبا به برادر صالح، و پیغمبر صالح!

در این میان نگاهم به ملائکه‌ای افتاد که در حال خشوع بودند. خداوند روی آن‌ها را آن طور که خواسته بود قرار داده بود و احدی از ایشان نبود مگر این که خدای را به حمدش و با صوت‌های مختلف تسبیح می‌کردند.

(۲۳۸) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

۱۷ - ملاقات رسول الله صلی الله علیه و آله با یوسف علیه السلام (در آسمان سوم)

آن‌گاه به آسمان سوم صعود کردیم، و در آنجا به مردی برخوردیم که صورتش آنقدر زیبا بود که از هر خلق دیگری زیباتر بود، آن چنان که ماه شب چهارده از ستارگان زیباتر است. از جبرئیل پرسیدم این کیست؟ گفت: - این برادرت یوسف است!

من بر او سلام کردم و جهتش استغفار نمودم، او هم بر من سلام کرد و برایم طلب مغفرت نمود، و گفت: - مرحبا بر پیامبر صالح، برادر صالح، و مبعوث در زمان صالح! در این بین ملائکه‌ای دیدم که در حال خشوع بودند، و به همان نحوی که درباره ملائکه آسمان دوم توصیف کردم، و جبرئیل همان حرف‌هایی که در آسمان دوم در معرفی من زد، این‌جا نیز به میان آورد، ایشان هم همان عکس‌العمل دیگران را نشان دادند.

تاریخچه معراج در روایات اسلامی (۲۳۹)

۱۸ - ملاقات رسول الله صلی الله علیه و آله با ادریس علیه السلام (در آسمان چهارم)

آن‌گاه به سوی آسمان چهارم صعود کردیم، و در آن‌جا مردی را دیدم و از جبرئیل پرسیدم: این مرد کیست؟ گفت: این ادریس است، که خداوند به مقام بلندی رفعتش داده است. من به او سلام کردم و برایش طلب مغفرت نمودم. او نیز جواب سلام را داد، و برایم طلب مغفرت نمود. در این‌جا نیز از ملائکه در حال خشوع همان را دیدم که در آسمان‌های قبلی دیده بودم. همه مرا و اتم را بشارت به خیر دادند. به‌علاوه در آن‌جا فرشته‌ای دیدم که بر تخت نشسته و هفتاد هزار فرشته زیر فرمان داشت، که هر یک از آن‌ها هفتصد هزار ملک زیر فرمان داشتند. در این‌جا به خاطر رسول الله صلی الله علیه و آله خطور کرد که نکند این همان باشد، پس جبرئیل با صیحه و فریاد به او گفت: بایست! و او اطاعتش نموده و به پا خاست، و تا قیامت هم‌چنان خواهد ایستاد! (۲۴۰) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

۱۹ - ملاقات رسول الله صلی الله علیه و آله با هارون علیه السلام (در آسمان پنجم)

آن‌گاه به آسمان پنجم صعود کردیم و در آن‌جا مردی سالخورده و درشت چشم دیدم که به عمرم پیرمردی به آن عظمت ندیده بودم و نزد او جمع کثیری از امتش بودند. من از کثرت ایشان خوشم آمد و از جبرئیل پرسیدم: این کیست؟ گفت: این پیغمبری است که امتش دوستش می‌داشتند. این هارون پسر عمران است! من سلامش کردم و جوابم داد. برایش طلب مغفرت کردم، او نیز برای من طلب مغفرت نمود. در همان آسمان باز از ملائکه در حال خشوع همان را دیدم که در آسمان‌های قبلی دیده بودم. تاریخچه معراج در روایات اسلامی (۲۴۱)

۲۰ - ملاقات رسول الله صلی الله علیه و آله با موسی کلیم الله علیه السلام (در آسمان ششم)

آن‌گاه به آسمان ششم صعود نمودیم، و در آن‌جا مردی بلند بالا و گندمگون دیدم که گوئی از قبیله «شنوه» عرب است. (مردان این قبیله عرب به بلندی قد معروفند). اگر هم دو تا پیراهن روی هم می‌پوشید، باز موی بدنش از آن‌ها بیرون می‌زد. شنیدم که می‌گفت: - بنی اسرائیل گمان کردند که من محترم‌ترین فرزندان آدم نزد پروردگار هستم، و حال آن‌که این مرد گرامی‌تر از من است! از جبرئیل پرسیدم: این کیست؟ گفت: - این برادر تو موسی بن عمران است! پس او را سلام کردم، او نیز به من سلام کرد. من جهت او، و او جهت من استغفار کردیم. و باز در آن‌جا از ملائکه در حال خشوع همان‌ها را دیدم که در آسمان‌های قبلی دیده بودم. (۲۴۲) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

۲۱ - ملاقات رسول الله صلی الله علیه و آله با ابراهیم خلیل الله علیه السلام (در آسمان هفتم)

رسول الله صلی الله علیه و آله سپس فرمود: آن‌گاه به آسمان هفتم صعود کردیم، و در آن‌جا به هیچ فرشته‌ای از فرشتگان عبور ندادیم،

مگر آن‌که گفتند:

- ای محمد! حجامت کن! و به امت بگو حجامت کنند!

در آن‌جا مردی را دیدم با سر و ریش جوگندمی که بر یک کرسی نشسته بود. از جبرئیل پرسیدم: این کیست که تا آسمان هفتم بالا آمده، و در کنار بیت المعمور، و در جوار پروردگار عالم، مقام گرفته است؟ گفت:

- ای محمد، این پدر تو ابراهیم است! و در این‌جا محل تو و منزل پرهیزکاران از امت توست! آن‌گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله این آیه را تلاوت فرمود:

«إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ اللَّهُ وَ لِيُّ الْمُؤْمِنِينَ!» (۶۸ / آل عمران)

تاریخچه معراج در روایات اسلامی (۲۴۳)

پس به وی سلام کردم، بعد از جواب سلامم گفت:

- مرحبا بر پیغمبر صالح، فرزند صالح، و مبعوث در روزگار صالح!

در آن‌جا نیز از ملائکه در حال خشوع همان را دیدم که در دیگر آسمان‌ها دیده بودم. ایشان نیز مرا و امتم را به خیر بشارت دادند!

۲۲ - مشاهده دریاهاى نور و ظلمت (در آسمان هفتم)

رسول خدا صلی الله علیه و آله اضافه کرد که در آسمان هفتم دریاها از نور دیدم که آن چنان تلؤلؤ داشت که چشم‌ها را خیره می‌ساخت، و دریاها از ظلمت و دریاها از رنج دیدم که نعره می‌زد و هر وقت وحشت مرا می‌گرفت یا منظره هول‌انگیزی می‌دیدم از جبرئیل پرسش می‌کردم، می‌گفت:

- بشارت باد تو را ای محمد! شکر این کرامت الهی را به‌جای آر! و خدای را در برابر این رفتاری که با تو کرد، سپاسگزاری کن!

(۲۴۴) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

خداوند هم دل مرا با گفتار جبرئیل سکونت و آرامش می‌داد. وقتی این گونه تعجب‌ها و وحشت‌ها و پرسش‌هایم بسیار شد، جبرئیل گفت:

- ای محمد! آنچه می‌بینی به نظرت عظیم و تعجب‌آور می‌آید، این‌ها که می‌بینی یک خلق از مخلوقات پروردگار توست! پس فکر کن خالقی که این‌ها را آفریده، چقدر بزرگ است! با این که آن‌چه تو ندیده‌ای خیلی بزرگتر است از آن‌چه دیده‌ای!

آری! میان خدا و خلقش هفتاد هزار حجاب است و از همه خلائق نزدیک‌تر به خدا من و اسرافیل و بین ما و خدا

چهار حجاب فاصله است،

حجابی از نور،

و حجابی از ظلمت،

و حجابی از ابر،

و حجابی از آب!

تاریخچه معراج در روایات اسلامی (۲۴۵)

۲۳ - مشاهده تسبیح خروس سحری (در آسمان هفتم)

رسول خدا صلی الله علیه و آله افزود: از عجایب خلق خدا، که هر کدام بر آن‌چه که خواسته اوست، مسخر ساخته، خروسی دیدم که

دو بالش در بطون زمین‌های هفتم و سرش نزد عرش پروردگار است، و این خود فرشته‌ای از فرشتگان خدای تعالی است که او را آن چنان که خواسته خلق کرده است.

دو بال این خروس در بطون زمین‌های هفتم بوده و آن وقت رو به بالا گرفته تا سر از هوا در آورده و از آن جا به آسمان هفتم و از آن جا هم چنان بالا گرفته، تا این که شاخش نزدیک به عرش خدا رسیده است! شنیدم که می گفت:

- منزه است پروردگار من! هر چه هم که بزرگ باشی، نخواهی دانست که پروردگارت کجاست، چون شأن او عظیم است!

(۲۴۶) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

این خروس دو بال در شانه داشت که وقتی باز می کرد، از شرق و غرب می گذشت، و چون سحر می شد بال‌ها را باز می کرد و به هم می زد، و به تسبیح خدا بانگ بر می داشت و می گفت:

- منزه است خدای ملک قدوس! منزه است خدای کبیر متعال! معبودی نیست جز خدای حی و قیوم!

و وقتی این را می گفت، خروس‌های زمین همگی شروع به تسبیح می کردند، و بال‌ها را به هم می زدند، و مشغول خواندن می شدند، و چون او ساکت می شد همگی آن‌ها ساکت می شدند. این خروس پرهائی ریز و سبز رنگ، و پری سفید داشت، که سفیدی‌اش از هر چیزی سفیدی که دیده بودم بیشتر بود و زغب (پره‌های ریز) سبزی هم زیر پره‌های سفید داشت، آن هم سبزتر از هر چیز سبزی بود که دیده بودم.

تاریخچه معراج در روایات اسلامی (۲۴۷)

۲۴ - ورود رسول الله صلی الله علیه و آله به بیت المعمور

رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین ادامه داد: سپس به اتفاق جبرئیل به راه افتادم و وارد بیت معمور شدم و در آن جا دو رکعت نماز خواندم، و عده‌ای از اصحاب خود را با خود دیدم با لباس‌های نو، و عده‌ای دیگر با لباس‌های کهنه، آن‌ها که لباس‌های نو در برداشتند با من به بیت معمور درآمدند و آن دیگر نفرات به جای ماندند.

۲۵ - انهار بهشتی «کوثر» و «رحمت»

از آن جا بیرون آمدم، و دو نهر را در اختیار خود دیدم یکی به نام «کوثر» و دیگری به نام «رحمت». از نهر کوثر آب نوشیدم، و در نهر رحمت شستشو کردم، و آن گاه هر دو برایم رام شدند، تا این که وارد بهشت گشتم، که ناگهان در دو طرف آن خانه‌های خودم و اهل بیتم را دیدم و دیدم که خاکش مانند مشک معطر بود!

(۲۴۸) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

دختری را دیدم که در نهرهای بهشت غوطه می خورد. پرسیدم: دختر تو از کیستی؟ گفت: از آن «زید بن حارث ام صبح»، این مژده را به زید دادم.

۲۶ - مشاهده درخت طوبی

نگاهم به مرغان بهشت افتاد که مانند شتران بختی (عجمی) بودند. انار بهشت را دیدم که مانند سطل‌های بزرگ بود. درختی دیدم که از بزرگی آن قدر بود که اگر مرغی می خواست دور تنه آن را طی کند، هفتصد سال می بایستی پرواز کند، و در بهشت هیچ خانه‌ای نبود مگر این که شاخه‌ای از آن درخت بدان جا سر کشیده بود.

از جبرئیل پرسیدم: این درخت چیست؟ گفت:

- این درخت طوبی است که خداوند آن را به بندگان صالح خود وعده داده و فرموده:

«طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَأْبٍ - طوبی و سرانجام نیک مر ایشان راست!» (۲۹ / رعد)

تاریخچه معراج در روایات اسلامی (۲۴۹)

۲۷ - مشاهده درخت سِدْرَةُ الْمُنْتَهَى

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: وقتی وارد بهشت شدم به خود آمدم و از جبرئیل از آن دریاهاى هول‌انگیز و عجایب حیرت‌انگیز پرسش نمودم، گفت:

- این‌ها سرادقات و حجاب‌هائی هستند که خداوند سبحان به وسیله آن‌ها خود را در پرده انداخته و اگر این حجاب‌ها نبود، نور عرش تمامی آن‌چه را که در آن بود، هتک می‌کرد و از پرده بیرون می‌ریخت!

آن‌گاه به درخت سِدْرَةُ الْمُنْتَهَى رسیدم، که یک برگ آن یک امتی را سایه می‌افکند، و فاصله من با آن درخت همان قدر بود که خدای تعالی درباره‌اش فرموده: «قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى!» (۹ / نجم)

(۲۵۰) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

۲۸ - تعلیمات مستقیم الهی به رسول الله صلی الله علیه و آله

در این جا بود که خداوند ندایم داد و فرمود:

- «امَنْ الرَّسُولُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ!»

و من در پاسخ، از قول خودم و اتم عرض کردم:

- «وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ!» (۲۸۵ / بقره)

خدای تعالی فرمود: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ!»

من عرض کردم: «رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا!»

خدای تعالی فرمود: - «تو را مؤاخذه نمی‌کنم!»

عرض کردم: «رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِضْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا!»

خداوند تعالی خطاب فرمود: - «نه، تحمیلت نمی‌کنم!» من عرض کردم:

تاریخچه معراج در روایات اسلامی (۲۵۱)

- «رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ! وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا! أَنْتَ مَوْلَانَا! فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ!» (۲۸۶ / بقره)

خدای تعالی فرمود: - «این را که خواستی به تو و به امت تو دادم!»

(امام صادق علیه السلام در این جا فرمود: - هیچ مهمانی به درگاه خدای تعالی گرامی‌تر از رسول خدا

صلی الله علیه و آله در آن وقتی که این تقاضاها را برای امتش می‌کرد، نبوده است!)

رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: - «پروردگارا! تو به انبیاء خود فضایی کرامت فرمودی، به من نیز عطیه‌ای کرامت کن!»

فرمود: - «به تو نیز در میان آن‌چه که داده‌ام دو کلمه عطیه داده‌ام که در زیر عرشم نوشته شده و آن کلمه: - لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

إِلَّا بِاللَّهِ! و کلمه: - لَا مَنجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ! است.»

(۲۵۲) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

۲۹ - تعلیمات ملائکه به رسول الله صلی الله علیه و آله

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در این جا ملائکه هم کلامی را به من آموختند تا در هر صبح و شام بخوانم و آن این است:

- «خدایا اگر ظلم می کنم، دلگرم به عفو تو هستم! و اگر گناه می کنم، پناهنده به مغفرت تو هستم! خدایا ذلتم از دلگرمی به عزت توست! فقرم پناهنده به غنای توست! و وجه فانی ام مستجیر به وجه باقی توست!

اللَّهُمَّ إِنَّ ظُلْمِي أَضْيَحُ مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ! وَ ذَنْبِي أَضْيَحُ مُسْتَجِيرًا بِمَغْفِرَتِكَ! وَ ذُلِّي أَضْيَحُ مُسْتَجِيرًا بِعِزَّتِكَ! وَ فَقْرِي أَضْيَحُ مُسْتَجِيرًا بِغِنَاكَ! وَ وَجْهِي الْفَانِي أَضْيَحُ مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي الَّذِي لَا يَفْنَى!»

و من این را در موقع عصر می خوانم.

تاریخچه معراج در روایات اسلامی (۲۵۳)

۳۰ - فرشته مؤذن، و تعلیم اذان

آن گاه صدای اذانی شنیدم، و ناگهان دیدم فرشته‌ای است که دارد اذان می گوید، فرشته‌ای است که تا قبل از آن شب کسی او را در آسمان ندیده بود. وقتی دو نوبت گفت:

- اللَّهُ أَكْبَرُ! اللَّهُ أَكْبَرُ!

خدای تعالی فرمود: - درست می گوید بنده من، من از هر چیز بزرگترم! او گفت: - أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ! أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ!

خدای تعالی فرمود: - راست می گوید بنده ام، منم الله، که معبودی نیست الا من، و معبودی نیست به غیر از من! او گفت: - أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ! أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ!

پروردگار فرمود: - راست می گوید بنده ام، محمد بنده، و فرستاده من است، و من او را مبعوث کرده ام! او گفت: - حَيُّ عَلَى الصَّلَاةِ! حَيُّ عَلَى الصَّلَاةِ!

خدای تعالی فرمود: - راست می گوید بنده من، و به سوی واجب من دعوت می کند،

(۲۵۴) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

هر کس از روی رغبت و به امید اجر دنبال واجب من برود، همین رفتنش کفاره گناهان گذشته او خواهد بود! او گفت: - حَيُّ عَلَى الْفَلَاحِ! حَيُّ عَلَى الْفَلَاحِ!

خدای تعالی فرمود: - آری نماز صلاح و نجات و فلاح است!

آن گاه در همان آسمان بر ملائکه امامت کردم و نماز گزاردم آن طور که در بیت المقدس بر انبیاء امامت کرده بودم.

(ناگفته نماند: این روایت از دستبرد عامه محفوظ نمانده، و گرنه جا داشت «حَيُّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» هم در آن ذکر شده باشد!!)

۳۱ - تشریح نمازهای واجب

سپس فرمود: بعد از نماز مهی چون ابر مرا فرا گرفت و به سجده افتادم پروردگارم مرا ندا داد:

- من بر همه انبیاء قبل از تو پنجاه نماز واجب کرده بودم، همان پنجاه نماز را بر تو و امت تو نیز واجب کردم! این نمازها را در امتت پیای دار!

تاریخچه معراج در روایات اسلامی (۲۵۵)

رسول خدا صلی الله علیه و آله می گوید: من برخاسته و به طرف پائین به راه افتادم. در مراجعت به ابراهیم علیه السلام برخوردم، چیزی از من نپرسید، به موسی علیه السلام برخوردم، پرسید: چه کردی؟ گفتم: پروردگارم فرمود: بر هر پیغمبری پنجاه نماز واجب کردم، و همان را بر تو و امتت نیز واجب کردم. موسی گفت:

- ای محمد! امت تو آخرین امت هاست و نیز ناتوان ترین امت هاست، پروردگار تو نیز هیچ خواسته‌ای برایش زیاد نیست و امت تو طاقت این همه نماز را ندارد، برگرد و در خواست کن تا قدری بر امت تو تخفیف دهد.

من به سوی پروردگارم برگشتم تا به سِدْرَةُ الْمُتَّهَى رسیدم و در آنجا به سجده افتادم و عرض کردم:

- پروردگارا! پنجاه نماز بر من و امتم واجب کردی که نه من طاقت آن را دارم و نه امتم. پروردگارا قدری تخفیف بده!

(۲۵۶) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

خدای تعالی ده نماز تخفیف داد. بار دیگر نزد موسی برگشتم و قصه را گفتم، گفت تو و امتت طاقت این مقدار را هم نداری، برگرد! به سوی پروردگارم برگشتم ده نماز دیگر از من برداشت. نزد موسی شدم و قصه را گفتم، گفت باز هم برگرد! و در هر بار که برمی گشتم تخفیفی می گرفتم تا آنکه پنجاه نماز را به ده نماز رساندم، و نزد موسی برگشتم. گفت: - نه طاقت این را هم نداری!

به درگاه خدا شدم و پنج نماز دیگر تخفیف گرفتم و برگشتم به نزد موسی و قصه را گفتم: گفت: - این هم زیاد است، و طاقتش را نداری! گفتم:

- من دیگر از پروردگارم خجالت می کشم، و زحمت پنج نماز برایم آسان تر است از درخواست تخفیف بیشتر! این جابود که گوینده‌ای ندا در داد:

- حال که بر پنج نماز صبر کردی، در برابر همین پنج نماز ثواب پنجاه نماز را

تاریخچه معراج در روایات اسلامی (۲۵۷)

داری! هر یک نماز به ده نماز! و هر که از امت تو تصمیم گیرد به امید ثواب کار نیکی بکند، اگر آن کار انجام داد، ده برابر ثواب برایش می نویسم، و اگر به مانعی برخورد، و نتوانست انجام دهد - به خاطر همین تصمیم - یک ثواب برایش می نویسم! و هر که از امت تصمیم بگیرد کار زشتی انجام دهد، اگر انجام داد فقط یک گناه برایش می نویسم! و اگر منصرف شد، و انجام نداد، هیچ گناهی برایش نمی نویسم!

(امام صادق علیه السلام در این جا فرمود: خداوند از طرف این امت به موسی علیه السلام جزای خیر دهد، او باعث شد که تکلیف

این امت آسان شود!) (۱)

۱- میزان ج: ۲۵، ص: ۵۳.

(۲۵۸) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

فصل دوازدهم: دعاهای رسول الله صلی الله علیه و آله

عالی ترین مضامین ادعیه رسول الله صلی الله علیه و آله

در قرآن کریم برای رسول الله صلی الله علیه و آله تأدیب‌های الهی و تعلیمات عالی وجود دارد در انواع و اقسام ثنا بر پروردگار، تا با رعایت آن، پروردگار خود را ثنا گوید، و آن آداب را در درخواست‌های خود به کار بندد، مانند: - قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ...

- بگو: بارالها! ای مالک ملک عالم! توئی که به هر کس که بخواهی ملک را عطا

(۲۵۹)

می‌کنی...! (۲۶ / آل عمران) در آیه شریفه دیگر می‌فرماید:

- بگو: بارالها! ای آفریدگار آسمان‌ها و زمین! و ای دانای غیب و شهود! توئی حاکم در میان بندگانت...! (۴۶ / زمر)
در آیه شریفه زیر می‌فرماید:

- بگو: سپاس همه از برای خداست! و درود بر آن بندگانش که برگزیدشان...! (۵۹ / نمل)
و در آیه شریفه زیر:

- بگو: نماز من و عبادت من و زندگی من و مرگ من، همه برای خداست...! (۱۶۳ / انعام)
و در آیه‌های شریفه دیگر:

- بگو پروردگارا! مرا از علم عنایت بیشتری فرما...! (۱۱۴ / طه)

- بگو: پروردگارا! پناه می‌برم بر تو! از وسوسه‌های شیاطین که در دلها القاء می‌کنند...! (۹۷ / نور)
(۲۶۰) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

آیات بسیاری هست که جامع جهات آنها مشتمل بر تعلیم آداب عالی خدای تعالی است به رسول گرامی خود که آن جناب را به آن مؤدب فرموده و رسول الله صلی الله علیه و آله هم امتش را به رعایت آن توصیه نموده است. (۱)

دعای «أَمِنَ الرَّسُولُ...» پیامبر و امت

قرآن مجید دعائی را از پیامبر گرامی اسلام نقل می‌کند که مؤمنین امتش را نیز در آن سهیم گردانیده است:

«أَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ...»

- رسول ایمان آورد به آنچه از ناحیه پروردگارش به سوی او نازل شد، مؤمنین هم هر یک ایمان آوردند: به خدا و ملائکه او و کتاب‌های او و رسولان او!

۱- المیزان ج: ۱۲، ص: ۱۶۹.

دعای «امن الرسول...» پیامبر و امت (۲۶۱)

گفتند:

- بین هیچ یک از فرستادگان او در ایمان به آنان فرق قائل نیستیم!

- شنیدیم پیام خدا را و اطاعت کردیم!

- پروردگارا! غفران تو را مسئلت داریم! و به سوی جزای توست بازگشت!

خداوند هیچ نفسی را جز به مقدار طاقتش تکلیف نمی‌کند، برای هر نفسی ثواب همان طاعتی است که کرده! و بر هر نفسی کیفر همان گناهایی است که مرتکب شده!

و نیز می‌گویند:

- پروردگارا! ما را اگر دچار نسیان و خطا شدید مؤاخذه نفرما! و تکلیف شاق بر دشمنان بار مکن، همان گونه که به دوش

آنان که قبل از ما می‌زیستند، بار کردی!

- پروردگارا! و بر ما تحمیل مکن چیزی را که ما را طاقت تحمل آن

(۲۶۲) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

نیست! و از ما درگذر! و بر ما ببخشای! و ما را رحم کن! و چون یاور ما و مولای ما توئی، ما را بر مردم کافر یاری

فرما! (۲۸۵ و ۲۸۶ / بقره)

این آیات همان طور که می‌بینید، ایمان رسول الله صلی الله علیه و آله را به قرآن کریم، و به همه آن چه از اصول معارف و فروع احکام الهی مشتمل است، حکایت فرموده، و سپس مؤمنین را به او ملحق نموده است. البته مقصود از مؤمنین، نه تنها معاصرین آن حضرتند، بلکه جمیع مؤمنین از امت او هستند!

لازمه آن چه در بالا گفته شد، این است که اقرار و ثنا و دعائی که در این آیات است، نسبت به غیر معاصرین حکایت از زبان حال باشد، و نسبت به معاصرین، اگر آنان گفته باشند، و یا رسول الله صلی الله علیه و آله اگر آن جناب از قبیل خود، و از قبیل مؤمنین که به وسیله ایمان جزو شاخه‌های شجره طیبه مبارکه وجود نازنین وی شده‌اند، گفته باشد، زبان قال بوده باشد!

دعای «امن الرسول...» پیامبر و امت (۲۶۳)

مضمون این دو آیه مقایسه و موازنه‌ای است بین اهل کتاب و بین مؤمنین این امت در نحوه تلقی کتاب آسمانی خود، و یا در نحوه تأدبشان به ادب عبودیت در برابر کتابی که بر ایشان نازل شده است، و این ثنائی که خدای تعالی در این دو آیه بر اینان فرموده، و تخفیفی که نسبت به تکالیفشان داده است، عینا در مقابل توییخی است که در آیات دیگری در سوره بقره، اهل کتاب را نموده است.

در آیات سوره بقره اهل کتاب را به این که بین ملائکه خدا فرق گذاشته، و جبرئیل را دشمن، و سایرین را دوست داشتند، و بین کتب آسمانی فرق گذاشته، و به قرآن کفر ورزیدند، و به غیر آن ایمان آوردند، و بین پیغمبران خدا فرق گذاشتند، و به موسی علیه السلام ایمان آورده، و به محمد صلی الله علیه و آله کفر ورزیدند، و بین احکام خدا فرق گذاشتند و به بعضی از آن چه در کتاب خداست ایمان آورده و به بعضی کفر ورزیدند، ملامت و مذمت می‌فرماید:

(۲۶۴) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

در این دو آیه می‌فرماید: مؤمنین از این امت چنین نیستند بلکه ایمان به خدا و همه ملائکه و تمامی کتب آسمانی و جمیع پیامبران الهی ایمان آورده، و بین احدی از پیغمبران خدا فرق نمی‌گذارند. اینان با تسلیم در برابر معارف حق‌های که به ایشان القاء شده، نسبت به پروردگار خود ادب به خرج می‌دهند.

دیگر این که خدا را در احکامی که بر پیغمبرش نازل فرموده، لیبک و «سَمِعْنَا وَ اطَعْنَا» می‌گویند، و نه چون یهود که گفتند: «سَمِعْنَا وَ عَصَيْنَا»!

دیگر این که خود را بندگانی مملوک پروردگار خود می‌دانند، و برای خاطر ایمان و اطاعتشان به خدا منت نمی‌گذارند، بلکه می‌گویند: «عُفْرَانُكَ رَبَّنَا!» آن حضرت با عبارت «رَبَّنَا لَا تُؤْخِذْنَا...» از درگاه الهی مستلثی می‌کند، و مقصودش تخفیف در احکامی است که ممکن است به عناوین ثانویه از ناحیه حکم، یا از لجاج و عناد مکلفین ناشی شود، جعل گردد، نه این که خدای تعالی بدون هیچ یک از این دو جهت چنین تکالیفی را مقرر نماید.

دعای «امن الرسول...» پیامبر و امت (۲۶۵)

اشتمال این دعا بر ادب عبودیت و رعایت آن در تمسک به ذیل عنایت ربوبی، یکی پس از دیگری، و اعتراف به مملوک بودن، و در موقف ذلت و مسکنت و عبودیت قرار داشتن در مقابل رب الغرّه، مطلبی است که هیچ حاجتی به بیان ندارد! (۱)

فرازی از خطبه وداع رسول الله صلی الله علیه و آله

از جابر بن عبدالله روایت شده که گفت:

در روز بین ایام تشریق (یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذی الحجه که روز میانی اش دوازدهم باشد)، رسول خدا صلی الله علیه و آله برای ما خطبه وداع خواند و فرمود:

۱- المیزان ج: ۱۲، ص: ۱۶۵.

(۲۶۶) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

- «یا ایها الناس! آگاه باشید! که پروردگارتان یکی است! آگاه! که پدرتان یکی است! و آگاه! که هیچ فضیلتی برای عربی بر غیر عرب نیست! و هیچ غیر عرب بر عرب فضیلتی ندارد! هیچ سیاهی بر سرخی، و هیچ سرخی بر سیاهی فضیلت ندارد، مگر به تقوا! که گرامی ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست! با شما هستم! آیا ابلاغ کردم؟ همه گفتند: - بله یا رسول الله!

فرمود: - پس حاضرین به غایبین برسانند!» (نقل از درُ منثور) (۱)

۱- المیزان ج: ۲۶، ص: ۲۱۵.

فرازی از خطبه وداع رسول الله صلی الله علیه و آله (۲۶۷)

(۲۶۸)

فصل سیزدهم: دین اسلام، مشخصات و امتیازات آن

الله

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» (۱ / حمد)

قرآن شریف اسم خاص خدا و رب العالمین را «الله» می نامد. کلمه «الله» قبل از نزول قرآن نیز بر سر زبانها دایر بود، و عرب جاهلیت نیز آن را می شناخت. آیات قرآنی زیر دلالت بر این امر دارند:

- «وَلَيْسَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ؟ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ!» (۸۷ / زخرف)

- «فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَ هَذَا لِشُرِّ كَائِنَاتِ!» (۱۳۶ / انعام)

(۲۶۹)

لفظ جلاله «الله» اسم است برای ذات واجب الوجودی که دارای تمامی صفات کمال است!

خود کلمه «الله» بیش از این که نام خدای تعالی است بر هیچ چیز دیگر دلالت ندارد!

کلمه «اله» به معنای پرستش یا تحیر است.

ظاهراً این کلمه در اثر غلبه استعمال «اسم خاص خدا» شده است.

دلیل این که این کلمه «الله» اسم خاص خداست، این است که: خدای تعالی به تمامی اسماء حسنا و همه افعالی که از این اسماء منتزع و گرفته شده، توصیف می شود، ولی با کلمه «الله» توصیف نمی شود. (۱)

۱- المیزان ج ۱، ص: ۳۲.

(۲۷۰) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

معنی اسلام و چهار مرتبه آن

معنی اسلام و چهار مرتبه آن

«إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْتُ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ!» (۱۲۰ تا ۱۳۴ / بقره)

کلمه اسلام و تسلیم به معنی آن است که کسی و یا چیزی در برابر کس دیگر حالتی داشته باشد که هرگز او را نافرمانی نکند، و او

را از خود دور نسازد. این حالت «اسلام»، «تسلیم» یا «استسلام» است. اسلام انسان برای خدای تعالی، وصف رام بودن و پذیرش انسان است نسبت به هر سرنوشتی که از ناحیه خدای سبحان برایش تنظیم می‌شود، چه سرنوشت تکوینی، و چه سرنوشت تشریحی، از اوامر و نواهی و امثال آن!

بدین جهت می‌توان گفت، مراتب تسلیم بر حسب شدت و ضعف حوادث وارده، و یا آسانی و سختی پیش آمدها، مختلف می‌شود. کسی که در برابر پیش آمدهای ناگوارتر و تکالیف دشوارتر تسلیم می‌شود، اسلامش قوی‌تر است از اسلام کسی که معنی اسلام و چهار مرتبه آن (۲۷۱)

در برابر ناگواری‌ها و تکالیف آسان‌تری تسلیم می‌شود!
بدین ترتیب برای اسلام مرتبی است به شرح زیر:

۱ - مرتبه اول اسلام

مرتبه اول اسلام، پذیرفتن «ظواهر» اوامر و نواهی الهی است. کافی است با زبان «شهادتین» را بگویید، چه این که قلباً هم موافق باشد یا نباشد.

قرآن مجید در جهت شناسائی این افراد می‌فرماید:

«اعراب گفتند: ما ایمان آوردیم! بگو: هنوز ایمان نیاورده‌اید و لکن بگوئید: ما اسلام آوردیم، چون هنوز ایمان داخل در قلب‌تان نشده است.» (۱۴ / حجرات)

ایمان چنین انسانی که در این مرحله از اسلام قرار دارد، ابتدائی‌ترین و یا «اولین مرتبه ایمان» است.

ایمان در این مرحله عبارت است از اذعان و باور قلبی به مضمون

(۲۷۲) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

اجمالی شهادتین، که لازمه‌اش عمل به اغلب فروع دین است.

۲ - مرتبه دوم اسلام

مرتبه دوم اسلام را قرآن مجید چنین مشخص ساخته است:

«ای کسانی که ایمان آوردید، داخل در سلم شوید!» (۲۰۸ / بقره)

به حکم این آیه، مرتبه‌ای از اسلام هست که بعد از ایمان پیدا می‌شود، و این اسلام که در آیه فوق بدان اشاره می‌کند، بعد از ایمان آوردن «الَّذِينَ آمَنُوا» است یعنی مرتبه دوم از اسلام است!

در این مرحله که ادامه همان مرحله قبلی است، ایمان به معنای اعتقاد تفصیلی به حقایق دینی است، که اعمال صالحه‌ای را به دنبال دارد.

البته در این مرحله، در بعضی موارد، فرد مرتکب گناهی می‌شود.

قرآن مجید مشخصات و تکالیف این مرحله را چنین تعیین می‌فرماید:

معنی اسلام و چهار مرتبه آن (۲۷۳)

«الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَ كَانُوا مُسْلِمِينَ!» (۶۹ / زخرف)

«آنان که به آیات ما ایمان آوردند، و مسلمان بودند!»

«مؤمنان تنها آن‌هایی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده، و سپس تردید نکردند، و با اموال و نفوس خود در راه خدا جهاد

نمودند! این‌ها هستند که در دعوی خود صادقند!» (۱۵ / حجرات)

«ای کسانی که ایمان آوردید، آیا می‌خواهید شما را به تجارتی راهنمایی کنم که از عذاب دردناک نجاتتان دهد؟ به خدا و رسولش ایمان بیاورید! و در راه خدا با اموال و جان‌های خود جهاد کنید!» (۱۰ و ۱۱ / صف)

در آیات بالا ملاحظه می‌شود که دارندگان ایمان را مجدداً به داشتن ایمان ارشاد می‌فرماید، پس معلوم می‌شود که ایمان دوم آن‌ها، غیر از ایمان اولی است!

(۲۷۴) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

۳- مرتبه سوم اسلام

مرتبه سوم اسلام، دنباله و لازمه همان مرتبه دوم ایمان است. چون نفس آدمی وقتی با ایمان نامبرده انس گرفت، و متخلق به اخلاق آن شد، خود به خود سایر قوای منافی و مخالف با آن، از قبیل قوای حیوانی و درندگی، برای نفس رام و منقاد می‌شود. تمام آن قوایی که متمایل به هوس‌های دنیوی و زخارف فانی و ناپایداری می‌شوند، رام گشته، و نفس به آسانی می‌تواند از سرکشی آن‌ها جلوگیری کند!

این جاست که آدمی آن چنان خدا را بندگی می‌کند که گویی او را می‌بیند.

البته، اگر هم او خدا را نمی‌بیند ولی این یقین را دارد که خدا او را می‌بیند. و چنین کسی دیگر در باطن و سرخود هیچ نیروی سرکشی که مطیع امر و نهی الهی نباشد، و یا از قضا و قدر الهی به خشم در آید، نمی‌بیند، و سراپای وجودش تسلیم خدا می‌شود! قرآن مجید وصف این مرحله را در آیه زیر با عبارت «يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» بیان معنی اسلام و چهار مرتبه آن (۲۷۵)

می‌فرماید:

«نه، به پروردگارت قسم! ایمان آن‌ها کامل نمی‌شود، مگر وقتی هم که تو را در اختلاف خود حُکَم کنند، و وقتی تو حُکَم راندی در دل هیچ گونه ناراحتی از حُکَم تو احساس نکنند و به تمام معنی تسلیم شوند!» (۶۵ / نساء)

این اسلام در مرتبه سوم است، که در مقابلش ایمان مرتبه سوم قرار دارد، آن‌جا که خدای تعالی در سوره مؤمنون شرح می‌فرماید:

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ، الَّذِينَ...» (۱ / مؤمنون)

یا زمانی که به ابراهیم نبی مرسل می‌فرماید، «أَسْلِم!»

می‌گوید: «أَسَلَّمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ!» (۱۳۱ / بقره)

ضمناً اخلاق فاضله از رضا و تسلیم و سوداگری با خدا، صبر به خواست خدا، زهد به تمام معنی، تقوی، حب و بغض به خاطر خدا؛ همه از لوازم این مرتبه از ایمان است.

(۲۷۶) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

۴- مرتبه چهارم اسلام

مرتبه چهارم اسلام دنباله و لازمه همان مرحله سوم از ایمان است، چون انسانی که در مرتبه قبلی بود، حالش در برابر پروردگارش حال عبد مملوک است در برابر مولای مالکش، یعنی دائماً مشغول انجام وظیفه عبودیت است، آن هم به طور شایسته! عبودیت شایسته همان «تسلیم صرف» در برابر اراده مولی و محبوب او و رضای اوست!

این حالت که گفتیم مربوط می‌شود به عبودیت عبد در برابر مالک عرفی و بشری، اما عبودیت در ملک خدا رب العالمین عظیم‌تر و

باز هم عظیم‌تر از آن است، برای این که ملک خدا حقیقت ملک است که در برابر آن هیچ موجودی استقلال ندارد! نه استقلال ذاتی و نه استقلال عملی و صفتی!

انسانی که در این مرتبه قرار می‌گیرد به کوشش و اختیار خود نیست، بلکه در همان معنی اسلام و چهار مرتبه آن (۲۷۷)

حال قبلی که بوده، عنایت ربانی شامل حالش می‌گردد، و این موضوع برایش روشن می‌گردد که ملک تنها برای خداست، و غیر خدا، مالک خویش، و هیچ چیز خودش نیست، مگر آن که خدا تملیکش کرده باشد! پس ربی هم سوای او ندارد!

و این معنائی است موهبتی، و افاضه‌ای است الهی، که دیگر خواست انسان در به دست آوردنش دخالتی ندارد!

در برابر این مرحله از اسلام، مرتبه چهارم «ایمان» قرار دارد، و آن عبارت است از این که این حالت که دارد تمامی وجود آدمی را فرا گیرد. و در این مرحله است که قرآن می‌فرماید:

- «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ!» (۳۸ / بقره)

چون در این مرحله، مؤمن باید این یقین را داشته باشد که غیر از خدا هیچ کس و هیچ چیز استقلال از خود ندارد، لذا از چیزی نمی‌ترسد، و از فقدان چیزی نیز

(۲۷۸) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله ناراحت و محزون نمی‌شود!

- «الْآيَاتُ لِلَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ!» (۶۲ / یونس)

این ایمان وقتی در قلب کسی پیدا می‌شود که دارای اسلام مرتبه چهارم باشد. (۱)

تمامیت کلمه الهی، و ظهور دین اسلام

«وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَتِهِ...» (۱۱۵ / انعام)

ظاهر سیاق آیه فوق می‌رساند که مراد از «كَلِمَةُ رَبِّكَ» کلمه دعوت اسلامی بوده باشد، با آن چه لازم آن است از: نبوت محمد صلی الله علیه و آله و نزول قرآن، که به همه کتاب‌های آسمانی محیط و مسلط است و به عموم معارف الهی و کلیات شرایع دینی مشتمل است!

۱- المیزان ج ۲، ص: ۱۵۹.

تمامیت کلمه الهی و ظهور دین اسلام (۲۷۹)

و مراد از «تمامیت کلمه» این است که این کلمه یعنی ظهور دعوت اسلامی با نبوت محمد صلی الله علیه و آله و نزول قرآن، که مافوق همه کتاب‌های آسمانی است، پس از آن که روزگاری دراز در مسیر تدریجی، نبوت پس از نبوت و شریعت پس از شریعت، سیر می‌کرد؛ به مرتبه ثبوت رسیده: و در قرارگاه تحقق قرار گرفت!

از این بیان روشن شد که مراد از «تمامیت کلمه» رسیدن شرایع آسمانی از مراحل نقص و ناتمامی به مرحله کمال، و مصداقش همین دین محمدی است صلی الله علیه و آله!

- «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ!» (۳۳ / توبه)

تمامیت این کلمه الهی از جهت «صدق» این است که آن چنان که گفته شده تحقق پذیرد.

و تمامیت آن از جهت «عدل» این است که مواد و اجزای آن یک نواخت باشد،

(۲۸۰) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

بدون این که به تضاد و تناقض مشتمل شود و هر چیز را آن طور که شاید و باید بسنجد، بدون حیف و میل! (۱)

اسلام، تنها دین نزد خدا

«إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ!» (۱۹/آل عمران)

دین در نزد خداوند متعال یکی بیش نبوده و اختلافی در آن نیست، و بندگانش را جز به آن دین مأمور نساخته و در تمام کتاب‌هایی که بر پیغمبرانش فرستاده جز همان را بیان نکرده و آن دین، همانا اسلام است! اسلامی که عبارت است از تسلیم شدن در برابر حق - حق در اعتقاد و حق در عمل!

۱- المیزان ج ۲، ص: ۱۵۹.

اسلام، تنها دین نزد خدا (۲۸۱)

اسلام، آن تسلیمی است که بنده در برابر بیانی که از مقام ربوبی صادر شده، باید داشته باشد - اعم از این که آن بیان مربوط به معارف باشد، یا مربوط به احکام. و آن معارف و احکام گرچه از لحاظ کمیت و کیفیت در ادیان مختلف است، لکن واقع و حقیقت همه یک موضوع بیش نیست، یعنی اختلاف بین شرایع به حسب کمال و نقص است، نه آن که اختلاف آن‌ها به نحو تضاد و تنافی باشد. همه آن‌ها را یک معنی - که همان تسلیم و اطاعت فرمان الهی بر طبق بیان پیغمبرانش باشد، جمع می‌کند. این چنین تسلیم و اطاعتی همانا دینی است که خداوند از بندگانش خواسته و برای آنان بیان داشته است، که لازمه‌اش آن است که آدمی آن چه را از معارف برایش بیان شده و روشن گشته، بگیرد و در برابر متشابهات بدون آن که تصرفی از پیش خود در آن بکند، توقف نماید.

اما آن اختلافی که اهل کتاب یعنی یهود و نصاری در دین الهی پدید آورده‌اند،

(۲۸۲) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

چنان نیست که از روی جهل و نادانی به مطلب باشد، بلکه آنان اختلاف را از روی ظلم و بدون عذر موجه پدید آورده و آن راه را پیموده‌اند.

خداوند متعال در کتاب آسمانی آنان بیان داشته که دین یکی بیش نیست و آن هر آینه اسلام و تسلیم است!

یهود و نصاری به خدا معترفند و کافر نیستند، بلکه کفر آنان نسبت به آیات الهی است، آن آیاتی که حقیقت امر را برایشان آشکار نموده است.

معنی و مقصود از عبارت «دین نزد خدا» حضور تشریعی دین است، یعنی ادیان از نظر شرع یکی بوده و اختلافی جز از حیث کمال و نقص ندارند، و آن هم در اثر اختلافی است که در استعدادهای امتهای سابق و لاحق بوده، نه آن که مقصود این باشد که دین از نظر تکوین و ساختمان آفرینش یکی است و در فطرت انسانیت به یک نحو و روش جریان دارد!

علی علیه السلام فرموده:

اسلام، تنها دین نزد خدا (۲۸۳)

- «اینک نسبت اسلام را چنان بیان دارم که کسی قبل از من و یا بعد از من بیان نداشته باشد:

"اسلام" همانا تسلیم، و "تسلیم" عبارت است از یقین، و "یقین" هم تصدیق کردن دین و "تصدیق" آن عبارت از اقرار و اعتراف به ثبوت آن است؛ و "اقرار" به دین هم اداء وظایف معین آن می‌باشد و "اداء" همان عمل است و بس!

- مؤمن دین خود را از پروردگارش گرفته است. ایمان مؤمن را از کردار و عملش باید فهمید، چنان که به کفر کافر از انکارش باید پی برد.

ای مردم بر شما باد که دست از دین خود بر ندارید، گناه با آن بهتر از حسنه با غیر آن است! زیرا گناه در آن آمرزیده می‌شود، ولی حسنه در غیر آن قبول نخواهد شد!» (۱)

۱- المیزان ج ۵، ص: ۲۲۹.

(۲۸۴) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

اهمیت زندگی اسلامی

«وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ...!» (۱۰۲ / آل عمران)

اهمیت اسلام و زندگی اسلامی برای انسان نزد خدا چنان عظیم است که «مرگ بدون اسلام» را موضوع اختیاری انسان فرض کرده، و از آن نهی نموده است، یعنی به طور کنایه ملازم شدن با اسلام را در جمیع حالات دستور داده، تا مرگ که خواه ناخواه در یکی از آن‌ها پیش می‌آید، در حالت اسلام واقع شده باشد.

این نکته قابل ذکر است که «مرگ» از امور تکوینی است، و خارج از حدود اختیار آدمی می‌باشد، و روی این جهت امر و نهی متعلق به این قبیل امور، به ناچار امر و نهی

اهمیت زندگی اسلامی (۲۸۵)

تکوینی خواهد بود، لکن گاهی یک امر غیر اختیاری را با امر اختیاری دیگر جفت کرده و هیئت ترکیبی آن را تحت اختیار دانسته و امر و نهی اعتباری به آن متوجه می‌کنند. در آیه شریفه فوق می‌فرماید:

ای اهل ایمان! چنان‌که شایسته خداترس بودن است از خدا بترسید، و نمیرید جز به دین مبین اسلام! (۱)

مراحل جهانی شدن دین اسلام

«وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا» (۷ / شوری)

در این آیه شریفه منظور از «أُمَّ الْقُرَىٰ» مکه مکرمه است، و مراد به «وَمَنْ حَوْلَهَا» سایر نقاط عربستان است، یعنی آن‌هائی که در خارج مکه زندگی می‌کنند مؤید این معنی کلمه «عَرَبِيًّا» است، چون می‌فرماید: بدین جهت قرآن را عربی نازل کردیم که عربی زبانها را انداز کنی.

۱- المیزان ج ۶، ص: ۲۷۹.

(۲۸۶) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

«...» و نیز این چنین به سویت وحی کردیم قرآنی عربی را، تا مردم مکه و پیرامون آن را انداز کنی و...!

در این جا این سؤال پیش می‌آید که اگر غرض از نازل کردن قرآن انداز خصوص عربی زبانها باشد، با جهانی بودن قرآن نمی‌سازد؟ جوابش این است که دعوت پیامبر اسلام در جهانی بودنش تدریجی و مرحله به مرحله بوده است.

۱- در مرحله اول به حکم آیه شریفه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ!» (۲۱۴ / شعراء) مأمور بوده تنها فامیل خود را دعوت کند.

۲- در مرحله دوم، به حکم آیه شریفه «قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ!» (۳ / فصلت) مأمور شده آن را به عموم عرب ابلاغ کند،

۳- در مرحله سوم، به حکم آیه شریفه «وَأَنْزَلَ إِلَيْنَا هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنذِرَكُمْ»

مراحل جهانی شدن دین اسلام (۲۸۷)

بِهَ وَمَنْ بَلَغَ!» (۱۹ / انعام) مأمور شده آن را به عموم مردم برساند.

یکی از ادله‌ای که می‌رساند چنین مراتبی در دعوت اسلام بوده است، آیه شریفه «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ... إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ

لِّلْعَالَمِينَ» (۸۶ / ص) است، برای این که از سیاق سوره صلی الله علیه و آله که آیه فوق در آن است، برمی آید، خطاب در آن به کفار قریش است و می فرماید:

- این قرآن هدایت و تذکر برای تمام عالمیان است، و اختصاص به یک قوم و یا دو قوم ندارد، و چون کتابی است همگانی، دیگر معنی ندارد که رسول الله از عرب مطالبه اجر و پاداش کند!

علاوه بر این که در این معنا هیچ حرفی نیست، که دعوت اسلام شامل اهل کتاب و مخصوصا یهود و نصاری نیز می شود، چون در قرآن بارها به اهل کتاب خطاب ها کرده و ایشان را به پذیرفتن دعوت دین، دعوت فرموده است. (۲۸۸)

و نیز مسلم تاریخ است که رجالی از غیر عرب اسلام را پذیرفته اند، مانند: سلمان فارسی، بلال حبشی، و صهیب رومی. (۱)

جهانی بودن رسالت پیامبر اسلام

«الْأَرْكَبُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ...» (۱ تا ۵ / ابراهیم)

آیات کریمه سوره فوق پیرامون اوصاف قرآن نازل بر پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله بحث می کند و آن را به اوصاف زیر معرفی می نماید: این کتاب آیت و معجزه و نشانه رسالت آن جناب است. این کتاب، مردم را از ظلمت ها به بیرون می کشد، و نیز مردم را به سوی راه مستقیم هدایت و راهنمایی می کند.

۱- المیزان ج ۳۵، ص: ۲۸.

جهانی بودن رسالت پیامبر اسلام (۲۸۹)

عبارت «بیرون می کشد مردم را»، و ظاهر سیاق آیه نشان می دهد که منظور «عموم مردم» است، نه خصوص بستگان رسول خدا صلی الله علیه و آله، و نه خصوص مؤمنین از ایشان، چه در ظاهر و لفظ آیه هیچ دلایلی بر این دو خصوصیت نیست، و کلام خدای تعالی هم صریح است در این که رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسالتی است عمومی... و «لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا!» آیه ای است در اول سوره فرقان، که نشان می دهد قرآن بر همه اهل عالم نذیر است!

آیات دیگری نیز بر همین معنی دلالت می کنند مانند:

- آیه ۱۹ سوره انعام که می فرماید: «تا هشدار دهم شما و هر که را که این قرآن به گوشش برسد!»

آیه ۱۵۸ سوره اعراف که می فرماید: «بگو ای مردم من فرستاده خدایم به سوی همگی شما!»

(۲۹۰) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

آیات دیگری نیز در قرآن بر این امر اشعار دارد، مانند آیات صریحی که یهود و عموم اهل کتاب را دعوت می کند.

هم چنین عمل خود آن حضرت که همه اقوام و ملت ها را دعوت می کرد، و هر که از هر قوم و ملتی ایمان می آورد، ایمانش را می پذیرفت، و نمی فرمود که من تنها مبعوث به قوم خود هستم! به شهادت این که اسلام عبدالله بن سلام یهودی، سلمان فارسی، بلال حبشی و صهیب رومی و امثال ایشان را می پذیرفت.

هم چنین آخرین آیه همین سوره که در مقابل اولین آیه آن می فرماید: «هَذَا بَلَّغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذَرُوا بِهِ...» این ابلاغ رسالتی است به نفع مردم، تا همین مردم "دیگران" را نیز انذار نموده و به وسیله این قرآن هشدار دهند، و نیز تا دانا گردانند و بفهمند که معبود یکتا تنها اوست و تا صاحبان خرد متذکر شوند!»

(۵۲ / ابراهیم)

جهانی بودن رسالت پیامبر اسلام (۲۹۱)

این آیه مؤید همان معناست که نشان می‌دهد مقصود از «مردم» تنها همان افرادی نیست که در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله ایمان آورده و از ظلمات به سوی نور بیرون آمدند، بلکه عموم افراد بشر است! (۱)

دین حقی که بر دنیا غلبه خواهد کرد!

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (۳۳ / توبه) «خدا آن کسی است که رسول خود محمد صلی الله علیه و آله را با هدایت و با آیات و معجزات و با دینی فرستاد، که با فطرت و حقیقت آفرینش منطبق است، فرستاد، تا آن را بر سایر ادیان غلبه دهد، و یاری کند، هر چند مشرکان نخواهند، و ناراحت هم بشوند!»

۱- المیزان ج ۲۳، ص: ۱۰.

(۲۹۲) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

خدای تعالی خواسته است که دین اسلام در عالم بشریت انتشار یابد، و معلوم است که چنین امر به سعی و مجاهده نیازمند است، و چون اهل کتاب سد راه مجاهدات مسلمین شده و می‌خواستند با دهن‌های خود این نور را خاموش سازند، لذا هیچ چاره‌ای از قتال با آنان نبود. مخالفین با خواست خدا یا باید از بین بروند و یا زیر دست حکومت مسلمین باشند، و جزیه بدهند.

و نیز از آنجائی که خدای تعالی خواسته است که این دین بر سایر ادیان غالب آید، لذا مسلمانان باید بدانند که هر فتنه‌ای به پا شود، به مشیت خدا و به نفع ایشان و به ضرر دشمنان ایشان تمام خواهد شد، و با این حال دیگر سزاوار نیست سستی و نگرانی به خود راه دهند و در امر قتال کوتاه بیایند، چه باید بدانند که اگر ایمان داشته باشند، خدا خواسته دست بالا قرار گیرند.

آیه فوق دین اسلام و عقاید و احکام آن را دین حق نامیده، که

دین حقی که بر دنیا غلبه خواهد کرد! (۲۹۳)

با واقع و حق انطباق دارد! (۱)

فراگیر بودن دین قیّمه اسلام

«... ذَلِكْ دِينُ الْقِيَمَةِ!»

- «این است دین قیّمه!» (۵ / بینه)

مراد به «دین قیّمه» به تفسیر مفسرین، دین کتب قیّمه است. مراد به کتب قیّمه اگر همه کتاب‌های آسمانی، یعنی کتاب نوح و پائین‌تر از او از سایر انبیاء علیه السلام باشد، معنای آیه این می‌شود که:

- این دعوت محمدی که بشر به پذیرفتن آن مأمور شده، دینی است که در همه

۱- المیزان ج: ۱۸، ص: ۸۶.

(۲۹۴) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

کتاب‌های قیّمه آسمانی مکلف بدان بودند، و دین نوظهوری نیست، چون دین خدا یکی بوده است، پس به ناچار باید به آن بگردند، برای این که قیّم است!

و اگر مراد به کتب قیّمه معارفی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله از صحف مطهره برای آنان خوانده است، معنای آیه چنین می‌شود که:

- مردم در دعوت اسلامی مأمور نشده‌اند، مگر به احکامی قیّم، و قضا‌های قیّم، احکام و قضایائی که مصالح مجتمع انسانی را تأمین می‌کند!

پس با در نظر گرفتن این معنا بر مردم واجب است به این دعوت ایمان بیاورند و به آن متدین شوند!

آیه شریفه در هر حال اشاره دارد به این که دین توحید (که قرآن کریم متضمن آن است، قرآنی که مصدق کتب آسمانی قبل از خود بوده و به حکم آیه ۴۸ سوره مائده مهیمن و مافوق آن هاست)، با دستوراتی که به مجتمع بشری می دهد، قائم به امر آنان و حافظ مصالح حیاتشان است.

فراگیر بودن دین قیّمه اسلام (۲۹۵)

هم چنان که آیه زیر این معنا را با وافی ترین بیان خاطر نشان می سازد:

«روی دل خود به سوی خدا کن! در حالی که از تمایل به افراط و تفریط پرهیز می کنی، و متمایل به راه وسط باشی! که فطرت خدا همین است. فطرتی که خدا مردم را بر آن فطرت خلق کرده است. و در خلقت خدا تبدیلی نیست. این است دین قیّم!» (۳۰/روم)

با این آیه بیان عمومیت رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله و شمول و فراگیری دعوت اسلام برای عموم بشر تکمیل می شود! (۱)

۱- المیزان ج: ۴۰، ص: ۳۴۱.

(۲۹۶) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

نفوذ اسلام به دنیای موجودات دیگر

«وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفْرًا مِّنَ الْجِنَّ يَشْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ...» (۲۹ / احقاف)

قرآن مجید جن را یکی از مخلوقات قبل از خلقت بشر معرفی می کند، و در آیات متعددی جزئیاتی در این باره روشن می سازد، که (در این زمینه به یکی دیگر از همین مجلدات، تحت عنوان: «جن و شیطان» مراجعه شود، که مفصلاً موضوع جن و سایر مخلوقات قبل از انسان از نظر قرآن کریم، در آن جا بیان شده است.)

آیه فوق یکی از وقایع تاریخی زمان ظهور پیامبر گرامی اسلام را که مرتبط با اسلام آوردن طائفه ای از جن است بیان می کند و می فرماید:

«به یاد آر آن زمان را که، ما عده ای از جن را متوجه به سوی تو کردیم، عده ای که می شنیدند قرآن را، وقتی حاضر شدند در جایی که قرآن تلاوت می شد، به

نفوذ اسلام به دنیای موجودات دیگر (۲۹۷)

یکدیگر گفتند: ساکت باشید تا آن طور که باید خوب بشنویم! وقتی قرائت قرآن تمام شد و پیامبر از آن فارغ گشت، جنیان به سوی قوم خود برگشتند، در حالی که بیم رسان ایشان از عذاب خدا بودند، خطاب به قوم خود گفتند:

«ما کتابی را به گوش خود شنیدیم که بعد از موسی نازل شده، و کتب آسمانی قبل را تصدیق می کند و به سوی حق و طریق مستقیم هدایت می کند!»

این قسمت از آیات، حکایت دعوت جنیان است در برابر قومشان که ایشان را به اسلام می خواندند و انذار می کردند.

مراد به کتاب نازل شده بعد از موسی، قرآن کریم است.

این کلام دلالت دارد بر این که جنیان نامبرده مؤمن به دین موسی علیه السلام و کتاب آن جناب بوده اند، و این جنیان متوجه شده اند که قرآن، تورات و یا همه کتاب های قبل را

(۲۹۸) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

تصدیق می‌کند، آیات قرآن از این به بعد گفتگوی آن‌ها را با قوم خود تعریف می‌کند، که آن‌ها به قوم خود گفتند:

«يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ! اِی قَوْم ما، بیاوید و دعوت این داعی به سوی الله را بپذیرید، و به وی ایمان بیاورید، تا خداوند گناهانتان را بپامزد، و از عذابی دردناک پناهتان دهد، و بدانید که اگر کسی دعوت داعی به سوی الله را اجابت نکند، نمی‌تواند خدای را در زمین عاجز کند، و به جز خدا هیچ ولی و سرپرستی ندارد، و چنین کسانی در ضلالتی آشکارند!» (۱)

۱- المیزان ج: ۳۶، ص: ۳۵.

نفوذ اسلام به دنیای موجودات دیگر (۲۹۹)

دین خالص

«فَاَعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ اَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ...!» (۲ / زمر)

از خلال آیات سوره زمر بر می‌آید که مشرکین معاصر رسول الله صلی الله علیه و آله از آن جناب درخواست کرده‌اند که از دعوتش به سوی توحید و از تعرض به خدایان آن‌ها دست بردارد، و گرنه نفرین خدایان گریبانش را خواهد گرفت. در پاسخ آنان این سوره نازل شده و به آن جناب تأکید کرده که دین خود را خالص برای خدای سبحان کند، و اعتنائی به خدایان مشرکین نکند، و علاوه بر آن به مشرکین اعلام نماید که مأمور به دین توحید و اخلاص دین است، توحید و اخلاصی که آیات و ادله وحی و عقل همه بر آن تواتر دارند!

لذا می‌بینیم خدای سبحان در خلال سوره چند نوبت کلام را متوجه این مسئله می‌سازد و یک جا می‌فرماید:

(۳۰۰) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

«فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ!» (۲ / زمر)

و در آیه دیگر می‌فرماید:

«اَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ!» (۳ / زمر)

سپس می‌فرماید:

«قُلْ اِنِّي اُمِرْتُ اَنْ اَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ!» (۱۱ / زمر)

و هم چنین:

«قُلِ اللّٰهُ اَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهٗ دِیْنِی!» (۱۴ / زمر)

و آن‌گاه آیات دیگری را متذکر می‌شود، که اشاره است به همین مطلب خواسته شده از طرف مشرکین که رسول الله صلی الله علیه و آله دست از دین خود و دعوت به توحید بردارد، مانند:

«قُلْ اَفَغَیْرِ اللّٰهِ تَاْمُرُوْنِیْ اَعْبُدُ اَیَّهَا الْجَاهِلُوْنَ!» (۶۴ / زمر)

سپس دستوری را که جهت خالص کردن دین به رسول خدا صلی الله علیه و آله داده بود با آیه:

دین خالص (۳۰۱)

«اَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ!» (۳ / زمر) تعمیم می‌دهد و می‌فرماید:

– آنچه به تو وحی کردیم که دین را خالص برای خدا کنی، مخصوص شخص تو نبود، بلکه این وظیفه‌ای است بر هر

کس که این ندا را می‌شنود! (۱)

تفاوت پیامبر و دیگران در خلوص دین

معنای خالص بودن دین برای خدا این است که خدای تعالی عبادت آن کسی را که هم خدا را عبادت می‌کند، و هم غیر خدا را، نمی‌پذیرد، حال چه این که هر دو را بپرستد و چه این که اصلاً غیر خدا را بپرستد.

- «بگو من مأمور شده‌ام که خدای را بپرستم، و دین را خالص برای او بدانم، و نیز

۱- المیزان ج: ۳۴، ص: ۴۷ و ۷۳.

(۳۰۲) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله
مأمورم که اولین مسلمان باشم!» (۱۱ و ۱۲ / زمر)

آیه بالا- به رسول گرامی تکلیف می‌کند: به ایشان بگو آن چه من بر شما تلاوت کردم، که باید خدای را بپرستم، و دین خدا را خالص کنم، هر چند خطاب متوجه من است، و لکن چنین نیست که شما را به آن دعوت کنم و خودم فقط شنونده باشم و مأمور باشم که خطاب خدا را به شما برسانم و خودم هیچ وظیفه‌ای نداشته باشم! بلکه من نیز مانند شما مأمورم او را عبادت کنم و دین را خالص برای او سازم، و باز تکلیف من به همین جا ختم نمی‌شود، بلکه مأمورم که قبل از همه شما، و در حقیقت اولین کسی باشم که در برابر آن چه بر من نازل شده تسلیم شده باشم. و به همین جهت قبل از همه شما من تسلیم شده‌ام، و اینک بعد از تسلیم شدن خودم دارم به شما ابلاغ می‌کنم. آری، من از پروردگرم می‌ترسم، و او را به اخلاص می‌پرستم، و به او ایمان آورده‌ام، چه این که شما ایمان بیاورید یا نیاورید! پس دیگر طمعی در من نبندید!

تفاوت پیامبر و دیگران در خلوص دین (۳۰۳)

تفاوت دین کامل با انسان کامل

هرچند که دین اسلام از دین نوح و موسی و عیسی علیه السلام کاملتر است، آیا یک فرد مسلمان معمولی، از نظر کمالات معنوی، به پایه نوح و موسی و عیسی علیه السلام می‌رسد، یا نه؟ قطعاً می‌دانیم نمی‌رسد!

و این نیست مگر به خاطر این که حکم شرایع و عمل به آنها غیر حکم ولایتی است، که از تمکن در آن شرایع و تخلق به آن اخلاق حاصل می‌شود.

دارنده مقام توحید کامل و خالص، هرچند از اهل شریعت‌های گذشته باشد، کامل تر و برتر است از کسی که به آن مرتبه از توحید و اخلاص نرسیده، و حیات معرفت در روح و جاننش جایگزین نگشته، و نور هدایت الهی در قلبش راه نیافته است، هرچند که او از اهل شریعت محمدی صلی الله علیه و آله یعنی کامل ترین و وسیع ترین شریعت‌ها باشد.

پس، صحیح است چنین فردی از خدا درخواست کند که او را به صراط مستقیم،

(۳۰۴) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله
صراط بزرگان از شرایع گذشته، هدایت فرماید، هرچند شریعت خود او کامل تر از شریعت آنان باشد! (۱)

تفاوت پیروان اسلام با اهل کتاب

«أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ...» (۲۸۵ و ۲۸۶ / بقره)

قرآن مجید تمامی آن چه را که از تخلفات صاحبان ادیان گذشته از دستورات الهی و راهنمایی رسولان خدا، و آن چه را که از صفات مؤمنین واقعی صدر اسلام، در طولانی ترین سوره قرآن یعنی سوره بقره، شمرده و نقل فرموده، در دو آیه آخر این سوره خلاصه گیری کرده است.

۱- المیزان ج: ۱، ص: ۶۷.

تفاوت پیروان اسلام با اهل کتاب (۳۰۵)

غرض سوره بقره بیان این معنا بوده که حق عبادت خدای تعالی را مشخص کند، که عبد به تمامی آنچه او بر بندگانش، و به زبان پیامبرانش، نازل فرموده، ایمان آورند، بدون این که میان پیامبران او فرقی بگذارند! این غرض، همان هدفی است که آیه بالا آن را ایفاد می‌کند.

قرآن مجید در قصص خود مخالفت با این دستور را از بنی اسرائیل حکایت می‌کند، که با این که انواعی از نعمت‌ها، از قبیل: کتاب و نبوت و ملک و غیر آن به ایشان داده بود، ایشان این نعمت‌ها را با عصیان و تمرد و شکستن میثاق‌ها و کفرشان تلافی کردند. خدای سبحان سوره بقره را با صفتی شروع می‌کند که واجب است بر هر صاحب تقوائی که متصف به آن صفت بوده باشد، و آن صفت عبارت است از این که بنده خدا واجب است از عهده حق ربوبیت خدا برآید! می‌فرمود:

- «متقین از بندگان او: به غیب ایمان دارند، و نماز را به پا می‌دارند، و از آنچه

(۳۰۶) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

خدا روزی‌شان فرموده، انفاق می‌کنند و به آنچه بر پیامبر اسلام و به آنچه بر سایر رسولان، نازل فرموده، ایمان می‌آورند، و به آخرت یقین دارند!» (۱ تا ۴ / بقره)

و به دنبال چنین صفاتی است که خدا آنان را مورد انعام قرار داد، و هدایت قرآن را روزیشان کرد!

دنبال این مطلب به شرح حال کفار و منافقین پرداخت، و سپس به طور مفصل وضع اهل کتاب و مخصوصاً یهود را بیان کرد و فرمود که خدای تعالی با لطایفی از هدایت بر ایشان منت نهاد، ولی در مقام تلافی جز با طغیان و عصیان خدا و کفران نعمت‌های او، و رد بر خدا و رسولانش، و دشمنی با فرشتگانش، و تفرقه انداختن میان رسولان و کتب او، عکس‌العملی از خود نشان ندادند! خدای تعالی هم این طور با آنان مقابله کرد که با هر تکالیفی دشوار و احکامی سخت، از قبیل: به جان هم افتادن و یکدیگر را کشتن و به صورت میمون و خوک مسخ شدن و با صاعقه و عذاب آسمانی معذب نمودن؛

تفاوت پیروان اسلام با اهل کتاب (۳۰۷)

محکومشان کرد.

در پایان سوره بقره به همین مطالب برگشته، و بعد از بیان وصف رسول و مؤمنون به وی فرمود:

- اینان برخلاف آنان هستند، اینان هدایت و ارشاد خدا را تلقی به قبول و اطاعت کردند، و به خدا و ملائکه و کتب و رسولان او ایمان آوردند، بدون این که میان احدی از پیامبران فرق بگذارند!

- «كُلُّ اٰمَنٍ بِاللّٰهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكِتٰبِهِ وَرُسُلِهِ...» (۲۸۵ / بقره)

این آیه شرح می‌دهد که کتاب نازل بر رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم را به سوی ایمان و تصدیق همه کتب آسمانی و همه رسولان و ملائکه خدای تعالی دعوت می‌کند، و هر کس بدان چه بر پیامبر اسلام نازل شده، ایمان داشته باشد، در حقیقت به صحیح همه مطالب نامبرده ایمان دارد!

(۳۰۸) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

- «لَا تُفَرِّقُ بَيْنَ اَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ!» (۲۸۵ / بقره) (۱)

هماهنگی ایمان و عمل در اسلام

شارع مقدس اسلام در تعلیم گروندگان خود اکتفاء به بیان کلیات عقلی و قوانین عمومی نکرد، بلکه مسلمین را از همان ابتدای تشریح به اسلام به «عمل» واداشت، و سپس به بیان لفظی پرداخت. هر مسلمانی که در فراگرفتن معارف دینی و شرایع آن از لحاظ

نظری به کمال می‌رسید، با توجه به این که از ابتداء با عمل شروع کرده بود، عملاً نیز به کمال می‌رسید. آن‌ها که مجهز به هر عمل صالح بودند، از توشه تقوی و فضیلت نیز غنی می‌شدند. معلم آن‌ها بدین جهت موفق بود که خودش نیز به گفته‌ها و دستورات خود عمل می‌کرد.

۱- المیزان ج: ۴، ص: ۴۳۷.

هماهنگی ایمان و عمل در اسلام (۳۰۹)

قرآن مجید به او می‌گفت:

- «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ... آیا کسی که به حق و حقیقت راه یافته سزاوارتر است به این که پیرویش کنند یا کسی که راه خود را نیافته و دیگران باید او را هدایت کنند؟!» (۳۵ / یونس)

- «اتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ... آیا مردم را به نیکی و احسان دعوت می‌کنید و خود را از یاد می‌برید؟!» (۴۴ / بقره)

کلام خدای تعالی مشتمل است بر حکایت و نقل فضولی از ادب الهی متجلی در اعمال انبیاء و فرستادگان برای رعایت این نکته، یعنی نشان دادن عمل در تعلیم و تربیت، چه در اقسام عبادت‌ها و چه در طرز معاشرت و برخورد پیامبران با مردم. (۱)

۱- المیزان ج: ۱۲، ص: ۱۰۹. بحث تحلیلی

(۳۱۰) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

فصل چهاردهم: قانون و شریعت اسلام، و امتیازات آن

اصول دعوت شارع اسلام

در آن هنگام که بار سنگین دعوت اسلامی پیامبر را رنج می‌داد، خداوند سبحان وی را دستور می‌فرمود تا با مدارا و به طور تدریج وظیفه خود را انجام دهد، و این مدارا و تدریج هم در خود دعوت، و هم در مورد دعوت شوندگان، و هم در مورد آن‌چه که بدان دعوت می‌شدند، از سه جهت نمودار بود:

(۳۱۱)

۱- از نظر معارف و قوانینی که برای ریشه کن کردن مفاسد و اصلاح شئون جامعه انسانی، در دستگاه دینی وجود دارد،

۲- روش تدریج از نظر انتخاب کسانی که دعوت شده و ترتیبی که در مورد آن به کار رفته است،

۳- مراتبی که از نظر نحوه دعوت و اجرای آن به کار رفته است، و این مراتب عبارتند از تبلیغات، مقاومت منفی، و جهاد!

نزول تدریجی قوانین اسلام

اسلام دعوت به عقاید حقه را یکجا در اول آشکار کرد، ولی دستورات و قوانین خود را رفته رفته و یکی یکی اظهار داشت.

در اوایل دوران «رسالت» و بعد از ایام «نبوت» آیات زیر فرو فرستاده شد. در این آیات خلاصه‌ای از توحید و معاد و امر به تقوی و عبادت وجود دارد:

- «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ... نه هرگز، انسان از طغیان دست بر نمی‌دارد، و این هنگامی است که خود را بی نیاز ببیند، محققاً بازگشت به سوی پروردگارت

(۳۱۲) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

می‌باشد، آیا دیدی آن کس را که هرگاه بنده‌ای نماز می‌گذارد، او را نهی می‌کرد؟ آیا دیدی که اگر بر هدایت بوده و امر به تقوی

کند؟ آیا دیدی آن گاه حق را تکذیب و از آن رو برگرداند؟ آیا نمی‌داند که خدا می‌بیند؟!» (۱۴ / علق)

آیات مکی قرآن کریم به یک سلسله امور مجمل و کلی دعوت می‌کنند، و آیات مدنی آن را تفصیل می‌دهند. در عین حال خود آیات مدنی هم از خاصیت تدریجی برکنار نیست، حتی احکام و قوانین در مدینه نیز به طور تدریج نازل گردید. نمونه بارز این آیات، قانون تحریم شراب و شرابخوری است.

آیه زیر در مکه نازل شده و به موضوع شراب اشاره می‌کند، ولی اظهار نظر صریحی درباره آن نمی‌فرماید، مگر همین که با جمله «رِزْقًا حَسَنًا» اشاره می‌کند که خمر، روزی و رزق خوبی نیست!

– «از میوه‌های درخت خرما و انگور شراب مستی آور، و هم‌چنین رزق نیکو به دست می‌آورد!» (۶۷/نحل)

نزول تدریجی قوانین اسلام (۳۱۳)

سپس آیه زیر در مکه نازل می‌شود:

– «بگو! پروردگرم کارهای زشت را چه در ملاء عام و چه در پنهانی و هم‌چنین گناه را حرام کرده است!» (۳۳ / اعراف)

این آیه به طور صریح «اثم - گناه» را حرام می‌کند، ولی بیان نمی‌دارد که شرب خمر «اثم» است. و این از آن جهت است که می‌خواهد با ملایمت مردم را دعوت کند تا از عادت بدی که شهواتشان آنان را بدان کشانده، و گوشتشان بدان روئیده، و استخوانشان بدان سخت شده، دست بردارند.

بعدا آیه زیر در مدینه نازل می‌شود و بیان می‌دارد که شرب خمر از نوع همان «اثم - گناه» است، که در آیه سوره اعراف تحریم شد. لسان این آیه زبان ملایمت و نصیحت است:

– «راجع به شراب و قمار از تو می‌پرسند، بگو! در این دو گناهی بس بزرگ است،

(۳۱۴) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

و فوائدی هم برای مردم دارد، ولی گناه آن از نفع آن بیشتر است!» (۲۱۹ / بقره)

نهایتاً در مدینه آیه زیر نازل می‌شود و در آن ماجرای تحریم شراب را پایان می‌دهد:

– «ای مؤمنین! شراب، قمار، بت‌پرستی، و شرط بندی با تیرهای مخصوص؛ پلید و از عمل شیطان است، حتماً از آن اجتناب کنید، باشد که رستگار شوید! شیطان می‌خواهد که با شراب و قمار در بین شما دشمنی و بغض بیندازد و از راه حق و نماز بازتان دارد، آیا از این اعمال دست برنمی‌دارید؟!» (۹۱ / مائده)

انتشار تدریجی یک دین جهانی

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به سوی تمام بشر برانگیخته شد، و دعوت وی اختصاص به گروه خاص و یا زمان و مکان خاصی ندارد. خداوند متعال در قرآن شریف می‌فرماید:

– «بگو ای مردم! من فرستاده خدایم به سوی همه شما...!» (۱۵۸ / اعراف)

– «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ!» (۱۰۷ / انبیاء)

انتشار تدریجی یک دین جهانی (۳۱۵)

هیچ شبهه‌ای نیست که آن حضرت در زمان خود، نبوتی عام و مأموریتی همگانی داشته است، و عمومیتی که در آیات بالا وجود دارد، تمام زمان‌ها و مکان‌ها را شامل می‌شود!

ولی آن کس که درست به وسعت معارف و قوانین اسلامی پی برده باشد، و از طرفی ظلمت جهل و سرکشی و فسادی که دنیای آن روز را فرا گرفته بود، در نظر آورد، به خوبی می‌فهمد که ممکن نبود پیغمبر یک دفعه با تمام جهانیان به مبارزه برخاسته و با

شرک و فساد ستیزه کند!

بلکه مصلحت این بود که مردم را به طور تدریج دعوت نموده و برنامه کار را از قوم و قبیله خود شروع کند، تا با نفوذ و ثبات دین در بین آنان بتواند بر دیگران دست یابد، و همین طور هم شد:

- «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ - خویشاوندان نزدیکت را انداز کن!» (۲۱۴/شعرا)

(۳۱۶) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

خداوند سبحان به رسول گرامی خود دستور فرمود تا پس از قیام به اصل دعوت، ابتداء قبیله خود را انداز کند. وی امر پروردگار را اطاعت کرد و نزدیکان خود را فراخواند و آنان را به آنچه که برای آن برانگیخته شده بود، دعوت کرد، و به آن‌ها وعده داد که اول کسی که وی را جواب گوید، جانشین او خواهد بود!

علی علیه السلام این دعوت را پذیرفت و پیغمبر هم از او تشکر کرد، ولی دیگران به طوری که در روایات صحیح و کتب تاریخ وارد شده، پیغمبر را به باد استهزاء گرفتند.

سپس جمعی دیگر از خویشانش نیز به او ایمان آوردند، مانند: خدیجه، که زن او بود؛ و عمویش حمزه بن عبدالمطلب و عبید. و هم چنین به طوری که از روایات شیعه استفاده می‌شود، عموی دیگرش ابوطالب نیز به او ایمان آورد.

بعد از آن خداوند متعال وی را فرمان داد تا دعوت را به قوم خود توسعه دهد:

- «این چنین قرآن عربی را بر تو وحی کردیم تا به وسیله آن مکه و حومه آن را انداز کنی!» (۷ / شوری)

انتشار تدریجی یک دین جهانی (۳۱۷)

البته، دعوت مخصوص آنان نبوده ولی این از باب مصلحت بود که از آن‌ها شروع کرده است.

سپس خداوند سبحان وی را فرمان داد تا دعوت خویش را به تمام دنیا توسعه دهد:

- «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا!»

«ای مردم! من فرستاده خدایم به سوی همه شما...!» (۱۵۸ / اعراف)

مراتب اجرای دعوت اسلامی

مراتب اجرای دعوت اسلامی

مراتبی که از نظر نحوه دعوت و اجرای آن به کار رفته، عبارتند از:

- تبلیغات، - مقاومت منفی، - جهاد.

۱- تبلیغات

قرآن مجید پیامبر گرامی اسلام را فرمان می‌دهد تا با رعایت کرامات انسانی و اخلاقی نیکو، تبلیغات خود را انجام دهد:

(۳۱۸) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

- «بگو، من بشری هستم مثل شما، که به من وحی می‌شود!» (۱۱۰ / کهف)

- «نسبت به مؤمنین تواضع و نرم خوئی کن!» (۸۸ / حجر)

- «بدی را به آنچه بهتر است پاسخ گوی! آن‌گاه کسی را که بین تو او دشمنی است، دوستی نزدیک خواهی یافت!» (۳۴/سجده)

قرآن کریم به پیامبر می‌آموزد که از تمام فنون بیان بر حسب اختلاف فهم و استعداد اشخاص استفاده کند:

- «مردم را با حکمت و پند نیک به راه پروردگارت بخوان، و با بهترین روش‌ها به مناظره با آن‌ها برخیز!» (۱۲۵ / نحل)

۲- دعوت منفی

دعوت منفی بدین شکل بود که مؤمنین از نظر دین و رفتار از کفار کناره‌گیری کرده و جامعه اسلامی خاصی به وجود آورند، که از هر گونه عقاید شرک‌آمیز کفار بر کنار بوده باشد. تماس آن‌ها با غیر مسلمین صرفاً در مراتب اجرای دعوت اسلامی (۳۱۹)

حدودی باشد که ضروریات زندگی ایجاب می‌کند:

- «لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ! - دین شما برای شما و دین من هم برای خودم!» (۶/ کافرون)

در قرآن آیات زیادی در خصوص کناره‌گیری و بیزاری از دشمنان دین وجود دارد.

۳- جهاد

جهاد با مراتبی که دارد از مزایای دین اسلام و از افتخارات آن می‌باشد. البته تبلیغات و دعوت منفی در ضمن جهاد نیز باید به کار رود.

روش پیامبر گرامی اسلام در غزواتش همین بوده است. وی به دستور الهی قبل از شروع جنگ دشمن را دعوت می‌کرد و نصیحت می‌فرمود.

خداوند چنین دستور داده بود:

- «اگر روی گردانند، آن وقت اجازه‌تان دادیم که بر عدالت بجنجید!» (۱۰۹/ انبیاء)

(۳۲۰) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

اسلام دینی است مبتنی بر عقیده و قرآن می‌فرماید:

- «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ! - اجباری در دین نیست، چه آن‌که رشد از گمراهی نمایان شده است!» (۲۵۶ / بقره)

اسلام در مقابل ستمگرانی که با برهان و استدلال قانع نشده و به راه عناد و لجاج می‌رفتند، اسلحه به کار برده است، و نیرو و قدرت را تنها در مقابل آنان که سنگ راهش می‌شدند، به کار می‌انداخت و این هم برای آن بوده که شر آن‌ها را دفع کند، نه آن‌که آنان را داخل حوزه اسلامی بنماید! خداوند تعالی می‌فرماید:

- «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً! - بکشید آنان را تا دگر فتنه نباشد!» (۱۹۳/ بقره)

اسلام از روی اختیار دست به جنگ زده است، و این دشمنان بودند که آتش جنگ را برمی‌افروختند و اسلام ناچار به دفاع می‌شد، و در این راه هم از ابزارهای شریف استفاده می‌کرد.

در جنگ و صلح؛ تخریب، آتش سوزی، استفاده از سموم، منع آب از دشمنان

مراتب اجرای دعوت اسلامی (۳۲۱)

را حرام، و کشتن زنان و اطفال و اسیران را منع فرموده، و رفتار نیک و مدارا با آن‌ها را سفارش کرده است! (۱)

جامعیت شریعت محمدی صلی الله علیه و آله

«شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَ...»

«برای شما از دین همان را تشریح کرد که نوح را بدان توصیه فرمود، و آنچه ما به تو وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی توصیه نمودیم، این بود که:

- دین را به پا دارید! و در آن تفرقه راه نیندازید...!» (۱۳ / شوری)

ترتیبی که در بردن نام این پیغمبران گرامی به کار رفته ترتیب ذکر است، لکن مطابق با ترتیب زمانی، چون اول نوح بود، و بعد ابراهیم، و بعد موسی و

۱- المیزان ج: ۷، ص: ۲۶۱.

(۳۲۲) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

عیسی علیه السلام و اگر نام رسول الله صلی الله علیه و آله را مقدم بر سایرین ذکر کرد به منظور برتری دادن بوده است، و خواسته بفرماید: شرافت و حرمتی بیشتر دارد!

در آیه شریفه سوره احزاب نیز این ترتیب به چشم می خورد:

- «به یاد آر آن زمان را که ما از انبیاء میثاق گرفتیم، و از تو، و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن مریم!...» (۷ / احزاب)

در آیاتی که اول نام شریعت نوح را می برد برای این است که بفهماند قدیمی ترین شریعت‌ها، شریعت نوح بوده است، که عهدی طولانی دارد.

از آیه شریف چند نکته استفاده می شود:

۱- جامع بودن شریعت محمدی صلی الله علیه و آله :

سیاق آیه این معنا را افاده می کند که شریعت محمدی (عَلَىٰ مُشْرَعِهَا آلَافُ النَّبِيِّ وَالسَّلَامُ) جامع همه شریعت‌های گذشته است. خیال نشود که جامع بودن این شریعت با آیه سوره مائده منافات دارد، آن جا که می فرماید:

جامعیت شریعت محمدی صلی الله علیه و آله (۳۲۳)

- «برای هر یک از شما شریعت و طریقه‌ای قرار دادیم!» (۴۸ / مائده)

چون خاص بودن یک شریعت با جامعیت آن منافات ندارد.

۲- پنج شریعت :

نکته دوم این که شرایع الهی و آن ادیانی که مستند به وحی هستند تنها همین شرایع نامبرده‌اند، یعنی شریعت نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلی الله علیه و آله ، چون اگر شریعت دیگری می بود باید در این مقام که مقام بیان جامعیت شریعت اسلام است، نام برده می شد. و لازمه این نکته آن است که:

- اولاً، قبل از نوح شریعتی، یعنی قوانین حاکمه‌ای در جوامع بشری آن روز وجود نداشته است تا در رفع اختلافات اجتماعی که پیش می آمده، به کار رود. - ثانیاً، انبیائی که بعد از نوح و تا زمان ابراهیم مبعوث شده‌اند، همه پیرو شریعت نوح بوده‌اند.

(۳۲۴) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

- و انبیائی که بعد از ابراهیم و قبل از موسی مبعوث شده‌اند، تابع و پیرو شریعت ابراهیم بوده‌اند.

- و انبیاء بعد از موسی و قبل از عیسی پیرو شریعت موسی،

- و انبیاء بعد از عیسی تابع شریعت آن جناب بوده‌اند.

۳- پنج پیامبر اولوالعزم :

این که انبیاء صاحب شریعت که قرآن کریم آن‌ها را «أُولُو الْعَزْمِ» خوانده است، تنها همین پنج نفرند، چون اگر پیغمبر اولوالعزم دیگری می‌بود، باید در این مقام که مقام مقایسه شریعت اسلام با سایر شرایع است، نامش برده می‌شد. پس این پنج تن بزرگان انبیاء هستند! (۱)

۱- المیزان ج: ۳۵، ص: ۴۷.

جامعیت شریعت محمدی صلی الله علیه و آله (۳۲۵)

بصیرت‌های دین اسلام برای مردم

«هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ...!» (۲۰ / جاثیه)

شریعت اسلام، بصیرت‌هایی برای مردم است، که با آن تشخیص می‌دهند که چه راهی از راه‌های زندگی را طی کنند تا به حیات پاک در دنیا و سعادت زندگی آخرت برسند! و نیز شریعت اسلام هدایت و رحمتی است برای مردمی که به آیات خدا یقین دارند!

اگر شریعت را بصیرت‌ها خواند، بدین جهت است که شریعت متضمن احکام و قوانینی است که یک یک آن‌ها راهنمای سعادت آدمی است، پس شریعت عبارت است از

(۳۲۶) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

بصیرت‌هایی چند، نه یک بصیرت!

می‌فرماید:

- این شریعتی که تشریح شده، و یا این قرآنی که مشتمل بر شریعت است، وظایف عملی را تعیین کرده که اگر مردم به آن عمل کنند، یک یک آن‌ها مردم را بینا می‌سازند، و مردم به وسیله آن به راه حق هدایت می‌شوند، راه حقی که همان راه خدا و سبیل سعادت است.

در پایان این آیه، هدایت و رحمت را مختص به قومی کرده که یقین دارند، با این که قبلاً تصریح کرده بود که قرآن بصائر برای همه مردم است، و این خالی از این اشعار و اشاره به این نکته نیست که مراد به هدایت - هدایت به معنای «رساندن به مقصد» است، نه صرف «نشان دادن راه آن». (۱)

۱- المیزان ج: ۳۵، ص: ۲۷۷.

بصیرت‌های دین اسلام برای مردم (۳۲۷)

نسخ مناسک و شرایع قبلی با ظهور اسلام

«لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ...» (۶۷/حج)

خداوند متعال با آوردن هر شریعتی، شریعت قبلی را نسخ فرموده است، چون بهتر از آن را آورده است، که با افکار امت‌های بعدی که ترقی یافته‌تر از قبلی‌ها بوده، سازگار باشد.

در آیه فوق می‌فرماید:

- «هر امتی را شریعتی قرار دادیم، که ایشان بدان عمل کننده‌اند، پس نباید در امر دین با تو منازعه کنند و به سوی پروردگارت بخوان! بی‌گمان تو بر هدایت مستقیم هستی! و راه تو راست است!»

مراد به هر «امت» امت‌های گذشته یکی پس از دیگری است، تا منتهی به امت اسلام شود، نه امت‌های مختلف زمان رسول الله

صلی الله علیه و آله، از قبیل عرب و عجم و روم و غیره،
(۳۲۸) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

چون می‌دانیم که شریعت خدا همواره یکی بوده است، و نبوت هم جهانی بوده است.

گویا کفار اهل مکه و یا مشرکین، وقتی عبادات اسلامی را دیده‌اند و برای آن‌ها ناشناس و نو ظهور بوده و نظیر آن را در شریعت‌های سابق یعنی شریعت یهود ندیده بودند، لذا در مقام منازعه با رسول خدا صلی الله علیه و آله در آمده‌اند که این چه جور عبادتی است و از کجا آورده‌ای؟ ما این عبادت را در هیچ شریعتی ندیده‌ایم؟ اگر این قسم عبادت از شرایع نبوت بود و به عبارت دیگر اگر تو که آورنده این عبادتی پیغمبر بودی باید مردم خداپرست که از امتهای گذشته‌اند آن را می‌شناختند؟

خدای تعالی جواب داده که هر امتی از امت‌های گذشته عبادتی داشته‌اند که آن قسم خدا را عبادت می‌کردند، و عبادت هیچ امتی به امت دیگر منتقل نشده است، چون خداوند با هر شریعت، شرایع قبلی را نسخ می‌کرد و بهتر از آن را می‌آورد، چون افکار امت‌های بعدی ترقی یافته‌تر از قبلی‌ها بود و استعداد عبادتی کامل‌تر و

نسخ مناسک و شرایع قبلی با ظهور اسلام (۳۲۹)

بهتر از سابق را یافته بودند، پس همیشه عبادت سابقین در حق لاحقین نسخ می‌شد!

در آخر آیه می‌فرماید:

«أَنْتَكَ لَعَلَى هُدًى مُسْتَقِيمٍ... بِي كَمَانَ تُوْبِرْ هِدَايَتِ مُسْتَقِيمِ هَسْتِي!» (۶۷/حج) (۱)

اسلام، شریعت آسان، یادگار ابراهیم علیه‌السلام

«مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمِيكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا...» (۷۸ / حج)

از مقدمه آیه فوق فهمیده می‌شود که شریعت اسلام شریعتی است سهل و آسان، ملت و آئین پدر بزرگ مسلمانان، ابراهیم حنیف، که برای پروردگار خود تسلیم بود!

اگر ابراهیم علیه‌السلام را پدر مسلمین خواند بدین جهت بود که او اولین کسی است که برای خدا اسلام آورد، آن‌جا که فرمود:

۱- المیزان ج: ۲۸، ص: ۲۹۵.

(۳۳۰) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

- اسلام بیاور! گفت: - اسلام آوردم برای پروردگار عالمیان!

و در دعای خود فرمود:

- هر که پیروی‌ام کند از من است! (۱۳۱ / بقره و ۳۶ / ابراهیم)

این است که تمامی مسلمانان عالم، از هر جا که باشند، فرزندان ابراهیم علیه‌السلام و از اویند! خدای سبحان نیز فرمود:

- «نزدیکتر از هر کس به ابراهیم کسانی هستند که پیروی‌اش کردند و این پیغمبر و کسانی که به این پیغمبر ایمان آوردند!»

(۳۸ / آل عمران)

خدای تعالی در آیه مورد بحث دو منت بر مؤمنین گذاشت -

یکی آن‌جا که فرمود: اوست که شما را قبل از نزول قرآن و هم در این کتاب یعنی قرآن «مسلمان» نامیده است که معلوم می‌شود

خدا اسلام آنان را قبول فرموده است!

دیگر منت الهی در همان اول آیه بود که فرمود:

- او شما را برگزید و در این دین برای شما دشواری نهاد!

اسلام، شریعت آسان، یادگار ابراهیم علیه‌السلام (۳۳۱)

که این منتی است از خدا بر مؤمنین به این که اگر واگذار به خود می‌شدند هرگز از نزد خود به سعادت دین نایل نمی‌شدند. چیزی که هست، خدا بر آنان منت نهاد و ایشان را برای دین حق از میان خلائق برگزید، جمع کرد و هر حرج و دشواری را از سر راه دینداری ایشان برداشت، اعم از حرج در خود احکام دین یا حرج‌های عارضی و اتفاقی! (۱)

قائم‌تر بودن دین و شرع اسلام

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ...»

«این قرآن هدایت می‌کند به سوی دینی که اقوم از هر دین و مسلط‌تر بر اداره امور بشر است!» (۹ / اسری)

۱- المیزان ج: ۲۸، ص: ۳۰۴.

(۳۳۲) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

خدای تعالی این ملت حنیفه را ملتی قائم نامیده، و فرموده:

«ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ!» (۳۰ / روم)

و این بدان جهت است که این دین خیر دنیا و آخرت ملت خود را تأمین و تضمین نموده و قائم بر اصلاح حال معاش و معاد ایشان است، و ناموسی است که خداوند بر اساس آن ناموس انسان را خلق کرده و او را به حسب آن ناموس مجهز به اسبابی فرموده که او را به سوی غایت و هدف خلقتش و سعادت می‌رساند که برایش در نظر گرفته شده، راهنمایی کند.

بنابراین، توصیف این ملت در آیه مورد بحث به وصف «اقوم - قائم‌تر» یا به مقایسه با سایر ملل است و یا با سایر شرایع. اگر به قیاس با سایر ملل باشد، جهت اقوم بودن ملت اسلام از سایر ملتها این است که برای هر ملتی سنتی است که آن را برای خود اتخاذ نموده‌اند تا سودشان برساند و تا حدی به درد زندگی شان بخورد، و لکن این سنت‌ها اگر در پاره‌ای امور ایشان را سود بخشد، در پاره‌ای دیگر به ضررشان تمام می‌شود، و اگر پاره‌ای هواها و امیالشان را

قائم‌تر بودن دین و شرع اسلام (۳۳۳)

تأمین کند باری خیرات عظیمی را از ایشان فوت می‌گرداند.

در میان همه ملت‌ها این تنها اسلام است که قائم به مصالح حیات مسلمانان و به تمامی اهداف دنیائی و آخرتی ایشان است، بدون این که خیری از ایشان فوت گرداند. بنابراین پس ملت حنیفه اقوم بر حیات انسانی از غیر آن است!

و اگر به قیاس با سایر شرایع الهی قبلی، مانند شریعت نوح و موسی و عیسی علیه السلام بوده باشد، هم‌چنان که ظاهرش هم همین است، در این صورت دلیلش این است که این دین حنیف از ادیان سابق خود که کتب انبیاء سلف متضمن آن‌ها بودند، کامل‌تر است، زیرا تمامی معارف الهی، تا آن‌جا که بنیه بشری طاقتش را دارد و هم‌چنین تمامی شرایعی که بشر در زندگی خود بدان نیازمند است، در این دین آمده است، و حتی یک عمل از اعمال فردی و اجتماعی بشر را بدون حکم نگذاشته است! پس آنچه قرآن به سوی آن هدایت می‌کند، قویم‌تر از آن چیزی است که سایر کتب و شرایع بدان هدایت می‌کنند! (۱)

۱- المیزان ج: ۲۵، ص: ۸۴.

(۳۳۴) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

دین اسلام، نفی اختلاف طبقاتی

«مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» (۲۶۱ تا ۲۷۴ / بقره)

یکی از بزرگترین اموری که اسلام در یکی از دو رکن «حقوق مردم» و «حقوق خدا» - که همان حقوق مردم باشد - مورد اهتمام

قرار داده، «انفاق» است، که به انحاء گوناگون توسل جسته تا مردم را بدان وادار سازد!

پاره‌ای از انفاقات، از قبیل زکات و خمس، کفارات مالی، و اقسام فدیة را واجب؛ و پاره‌ای صدقات و بخشش‌ها و غیر آن را مستحب نموده است.

غرض و هدف اسلام این بوده که بدین وسیله اختلاف طبقاتی را بر طرف سازد و

دین اسلام، نفی اختلاف طبقاتی (۳۳۵)

زندگی آن‌هائی را که در طبقه پائین هستند و نمی‌توانند بدون کمک مالی از ناحیه دیگران حوائج زندگی خود را برآورند، مورد حمایت قرار دهد، تا سطح زندگی شان را بالا ببرد و افق زندگی طبقات مختلف را به هم نزدیک سازد و اختلاف میان آن‌ها را کم کند.

از سوی دیگر، با شدت هر چه بیشتر، توانگران و طبقات مرفه جامعه را از تظاهر به ثروت، یعنی از تجمل و آرایش مظاهر زندگی، از خانه و لباس و غیره نهی فرموده، و از مخارجی که در نظر عموم غیر معمولی است، و طبقه متوسط جامعه چشم دیدن آن گونه خرج‌ها را ندارد، تحت عنوان «نهی از اسراف و تبذیر و امثال آن» جلوگیری نموده است!

غرض این‌ها ایجاد یک زندگی نوعی است، زندگی متوسطی که فاصله طبقات مختلف از آن فاحش و بدون شباهت نباشد، تا در نتیجه ناموس وحدت و همبستگی زنده گشته، و خواست‌های متضاد و کینه‌های دل و انگیزه‌های دشمنی بمیرند! محیط پاکی که زندگی نوع در پاکی و خوشی و صفا شبیه به هم باشد، درست نمی‌شود، مگر به اصلاح حال نوع، به این که حوائج زندگی نوع تأمین گردد، و این نیز به طور کامل حاصل نمی‌شود، مگر به اصلاح جهات مالی و تعدیل ثروت‌ها، و

(۳۳۶) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

به کار انداختن اندوخته‌ها، و راه حصول این مقصود، انفاق افراد است از اندوخته‌ها و مازاد آن‌چه با کوشش و تلاش به دست آورده‌اند! زیرا که مؤمنین با هم همه برادرنند، و زمین و اموال زمین هم از آن یکی است، و او خدای عزوجل است! این خود حقیقتی است که تاریخ زندگی پیامبر گرامی اسلام و روش او، صحت و استقامت آن را اثبات می‌کند، و نمونه عملی آن را در برهه‌ای از زمان، یعنی زمان جناب رسول خدا علیه‌السلام - که صلوات خدا بر او و آل او باد - البته در آن ایام کوتاهی که دعوتش مستقر گردید، نشان می‌دهد.

این همان نظامی است که امیرالمؤمنین صلی الله علیه و آله - بر آن تأسف می‌خورد، و از انحراف مردم از مجرای آن شکوه‌ها می‌نماید، و در نهج البلاغه خود می‌فرماید:

- «امروز کارتان به جایی رسیده که روز به روز و ساعت به ساعت خیر از شما دورتر و شر به شما نزدیک‌تر و طمع شیطان در هلاک ساختن مردم بیشتر می‌شود!

دین اسلام، نفی اختلاف طبقاتی (۳۳۷)

- امروز روزگاری است که نیروی شیطان در حال قوی شدن است، و نقشه‌هایش دارد فراگیر می‌شود و او به هدفش دست می‌یابد!

- اگر نمی‌پذیرید به وضع جامعه بنگرید!

- آیا جز این است که به هر سو چشم باز کنی قصری می‌بینی که دارد با فقر پنجه نرم می‌کند؟

- و یا توانگری که نعمت خدای را با کفران تلافی می‌کند، و یا بخیلی را می‌بینی که بخل از حق خدا را غنیمت می‌شمارد؟!!

- و یا متمدنی که گوشش از شنیدن مواعظ کر شده است؟!»

گذشت روزگار درستی این نظریه قرآن را کشف کرد.

اینک آیات الهی را در این زمینه مورد دقت و تأمل قرار دهید:

(۳۳۸) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

- «حکایت آنان که اموال خویش را در راه خدا انفاق می‌کنند، حکایت دانه‌ای است که هفت خوشه رویانیده، که در هر خوشه

صد دانه باشد، و خدا برای هر که بخواهد دو برابر هم می‌کند، که خدا وسعت بخش و داناست!» (۲۶۱ / بقره)

«کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند و بعد از آن، این انفاق خود را به منت و یا اذیتی همراه نمی‌سازند،

پاداش آنان نزد پروردگارشان است، آنان نه خوفی دارند و نه اندوهناک می‌شوند...!» (۲۶۲ / بقره)

«... ای آنان که ایمان دارید! از خوب‌های آنچه به دست آورده‌اید، و آنچه برایتان از زمین بیرون آوردیم، انفاق کنید! پست آن

را که خودتان استفاده نمی‌کنید، برای انفاق منظور نکنید! بدانید که خدا ستوده و بی‌نیاز است!» (۲۶۷/بقره)

«شیطان به شما وعده تنگدستی می‌دهد، و به بدکاری‌تان وا می‌دارد، و خدا از جانب خود

دین اسلام، نفی اختلاف طبقاتی (۳۳۹)

آمزش و فزونی به شما وعده می‌دهد، که خدا وسعت بخش و داناست!» (۲۶۸ / بقره)

- «هر خرجی که کردید، و به هر نذری که ملتزم شدید، خدا از آن آگاه است، و ستمگران یاورانی ندارند!» (۲۷۰ / بقره)

«اگر صدقه‌ها را علنی دهید خوب است، و اگر پنهانی دهید، و به تنگدستان بدهید، البته برای شما بهتر است، و گناهان شما را محو

می‌کند، که خدا از آنچه می‌کنید، آگاه است!» (۲۷۱ / بقره)

«هر خواسته‌ای انفاق کنید، به نفع خود کرده‌اید! انفاق جز برای رضای خدا مکنید! هر خواسته‌ای را انفاق کنید، به شما

می‌رسد و ستم نمی‌بینید!» (۲۷۲ / بقره) (۱)

۱- المیزان ج: ۴، ص: ۳۲۳.

(۳۴۰) شخصیت و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید

بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی

آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتبع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در

دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه

الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن

خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره

الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف

مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

